



سرمقاله
«حق مقاومت» بسی فراتر از «دفاع از خود»

«دفاع از خود» یک اصل حقوقی - قضایی است که در چهارچوب تعریف جرایم مورد بررسی قرار می‌گیرد. «حق مقاومت» یک اصل حقوقی - سیاسی است که در چهارچوب مسائل سیاسی و اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. اصل «دفاع از خود» از جمله از این رو که علل غریزی دارد و خودش معلول و واکنش به یک دست‌درازی غیرقانونی و یا یک جرم است. در قوانین کیفری همه کشورها صرف نظر از اینکه چه نظام سیاسی و اقتصادی داشته باشند، پذیرفته شده و اگر ثابت شود که متهم در «دفاع از خود» مرتکب جرم، حتی قتل، شده، اساساً در مقوله دیگری مورد پیگیری قرار می‌گیرد. «دفاع از خود» یک مفهوم قضایی و فردی است. «حق مقاومت» جزو حقوق طبیعی و دارای بار سیاسی و اجتماعی است که همواره به اشکال مختلف در جوامع بشری وجود داشته. اما در جهان مدرن و در فلسفه‌ی سیاسی به عنوان یک «حق قانونی» مطرح شد. بیش از چهارصد سال پیش توماس هابز نظریه پرداز «استبداد مطلقه» که آن را در خدمت «خیر همگانی» می‌دانست، در کتاب معروف خود، «لویاتان»، این را هم گفت که اگر حکومتی نتواند «خیر همگانی» را تأمین کند، مردم باید در مواقع اضطراری «حق خلع استبداد مطلقه» را داشته باشند. چندی پس از او، جان لاک، دیگر متفکر انگلیسی بر اساس همین «حق خلع حاکمان» از قدرت، از آنجا که می‌دانست هیچ استبدادی، به ویژه اگر در تأمین مطالبات مردم ناتوان باشد، هرگز چنین حقی را به مردم نمی‌دهد، اصل «حق مقاومت» را مطرح کرد. حقی که اگر به آن پاسخ مناسب داده نشود به «انقلاب» می‌انجامد و از این رو آن را «حق انقلاب» نیز می‌نامند.

این روزها، تظاهرات اعتراضی دی‌ماه که مانند همیشه با بگیر و ببند و کشته شدن معترضان همراه شد و دستگیری فاجعه‌بار فعالان محیط زیست (مرگ مشکوک کاووس سیدامامی در زندان و سقوط هواپیمایی که در آن چندین پژوهشگر و فعال محیط زیست کشته شدند) و سپس درگیری وحشیانه با دراویش، به بحث «خشونت» از سوی حکومت و «عدم خشونت» از سوی سرکوب‌شوندگان دامن زده است.

برخی خشونت متقابل از سوی سرکوب‌شوندگان علیه نیروهای سرکوبگر را «دفاع از خود» می‌نامند و آن را «مشروع» می‌شمارند. «دفاع از خود» اما یک حق فردی در چهارچوب قوانین کیفری است و ربطی به ساختار و نظام سیاسی ندارد. آنچه باید از آن سخن گفت، «حق مقاومت» در برابر حکومت و نیروهای سرکوبگر آن است. «حق مقاومت» جزو حقوق طبیعی و یک «حق جمعی» است، پس کیفرپذیر نیست! نظام‌های دمکراتیک در قوانین اساسی خود راهکارهای دمکراتیک و بدون خشونت برای جابجایی قدرت و اعمال این حق در نظر گرفته‌اند. در حکومت‌های استبدادی که نه حق خلع حکومت و نه حق مقاومت برای مردم در نظر گرفته شده، حاکمان از نیروهای انتظامی و پلیس که باید خدمتگزار و حافظ امنیت جامعه باشند برای سرکوب مردم استفاده می‌کنند. به این ترتیب راهی جز استفاده از «حق مقاومت» برای «خلع حکومت» باقی نمی‌ماند!

هرج و مرج پلیسی به جای مدیریت ترس از مردم و هراسِ فروپاشی

● نظام جمهوری اسلامی با همه شهروندان به نوعی درگیر است و چون توانایی پاسخگویی به مطالبات آنها را ندارد، بگیر و ببند و سرکوب را تشدید می‌کند.

● «رهبر» از «مردم» عذر می‌خواهد، روحانی همه‌پرسی از «مردم» را مطرح می‌کند و احمدی‌نژاد خواستار برگزاری انتخابات آزاد برای «مردم» می‌شود. یک چیز مسلم است: استهلاک نظام و ترس از واکنش مردم!



تفسیر سیاسی هفته را در صفحه ۲ بخوانید

ایران و اسرائیل در آستانه جنگ؟



آنتونیو گوتروش دبیرکل سازمان ملل متحد تنش میان جمهوری اسلامی و اسرائیل را بسیار خطرناک خوانده و گفته است «وضعیت انفجاری است و با یک جرقه می‌تواند شعله‌ور شود». دبیرکل سازمان ملل متحد این سخنان را در حالی بیان کرد که برخی از مقامات نظامی جمهوری اسلامی ایران حملات لفظی خود علیه اسرائیل را شدت بخشیده‌اند. برخی دیگر از کارشناسان سیاسی بر

این نظر هستند که اگر جنگی میان اسرائیل و حزب‌الله در خاک سوریه و با حمایت جمهوری اسلامی ایران آغاز شود، این بار برخلاف گذشته، به یک کشور محدود نخواهد ماند و دامنه آن به دیگر کشورهای منطقه نیز کشیده خواهد شد. استغفان دمیس‌تورا نماینده دبیرکل سازمان ملل متحد در مسائل سوریه، موقعیت کنونی در این کشور را «خطرناک‌ترین از آغاز این جنگ هفت ساله» می‌خواند.

در صفحه ۲

بحثی در مقوله رفتارندوم درخواستی و بیانیه پانزده اصلاح طلب پشیمان

در این شماره می‌خوانید:

- صفحه ۳ ● پیشنهادهای آمریکابه‌متحدان اروپایی برای اصلاح توافق اتمی
- صفحه ۴ ● گفتگوی اختصاصی کیهان‌لندن با شاهرزاده رضا پهلوی: مقاومت مدنی کلید عبور از این نظام است
- صفحه ۶ ● از چه می‌ترسید؟! آمدن پادشاهی یا رفتن جمهوری اسلامی؟! - الاهی بقراط
- صفحه ۷ ● سقوط پُرابهام: گروهی از فعالان و پژوهشگران محیط زیست مسافر هواپیمای آسمان بودند
- صفحات ۸ و ۹ ● «زن روز» و «مرد روز»
- صفحه ۱۲ ● دو قرن فرازونشیب مطبوعات در ایران (۵۸) - احمد احرار
- یک چشم به منظره کلی - داربوش همایون
- صفحه ۱۳ ● سرگرمی - جدول - سودوکو
- صفحه ۱۴ ● «در جست و جوی عدالت و انسانیت» (۳)
- صفحه ۱۶ ● گزارش اختصاصی کیهان لندن: چرا سپاه دل‌باخته‌ی «باروری ابرها» شده؟!
- صفحه ۱۷ ● بار دیگر «رفتارندوم» و «افعال بی‌فاعل» - اسماعیل نوری علا

کانادا برنده مدال طلای رقص روی یخ؛
 نروژ با ۲۸ مدال در بالای جدول

استقلال باشکست‌الهیال تیم اول گروه شد

فدرر قهرمان مسابقات بین‌المللی روتروام

دبیر کمیته المپیک:
 آموزش لازم به ورزشکاران و مربیان برای روبرو نشدن با اسرائیل داده شود!

بازیکن تیم ملی والیبالی:
 وضع لیگ دختران بسیار افتضاح است

خادم: برای روبرو نشدن با اسرائیلی‌ها در ۸ مسابقه آینده «سحر» ی بلد نیستیم!

قهرمان تیراندازی دختران آسیا:
 همچنان مشکل فشنگ داریم

در صفحات ۱۰ و ۱۱

Tel: 0044(0)20 3633 3684 Fax: 0044(0)20 3633 3685

شما با آگهی در کیهان فقط اطلاع‌رسانی و کسب و کار خود را معرفی نمی‌کنید بلکه یک کار فرهنگی نیز انجام می‌دهید:

کیهان . کیهان لندن . کیهان خودتان را زنده نگاه می‌دارید

www.kayhan.london email: ads@kayhan.london

ایران و اسرائیل در آستانه جنگ؟

آماده این جنگ قابل پیش‌بینی است. الی کارمون تحلیلگر موسسه مبارزه با تروریسم در هرتزیای اسرائیل در گفتگو با کیهان لندن می‌گوید: «درگیری بین حزب‌الله و نیروهای تحت حمایت جمهوری اسلامی ایران اجتناب‌ناپذیر است زیرا مشکلاتی که بین این دو و آنچه با نام محور مقاومت شهرت یافته است، قابل گفتگو و حل از طریق مسالمت‌آمیز نیست. ما نمی‌توانیم با کسانی که در صدد از بین بردن اسرائیل هستند به توافقی دست یابیم». یکی از مشاوران بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل هشدار داده است که این‌بار «اسرائیل بدون دستکش مخملی و با مشت آهنین» پاسخ حزب‌الله را خواهد داد. بالا گرفتن تنش میان جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل به یکی از نگرانی‌های اصلی روسیه نیز تبدیل شده است. سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه در جریان کنفرانسی که در یکی از اندیشکده‌های مسکو برگزار شد و محمدجواد ظریف هم در آن حضور داشت، اظهارات قاسم سلیمانی مبنی بر «تابودی حتمی» اسرائیل را غیر قابل قبول خواند. سرگئی لاوروف که در جستجوی راه حلی برای برون‌رفت از بحران سوریه در گفتگو با آمریکا و غرب است، درگیری میان متحدین خود در این جنگ، یعنی جمهوری اسلامی ایران و حزب‌الله لبنان و اسرائیل (که دارای روابط نزدیکی با مسکو است) را فاجعه‌ای می‌داند که می‌تواند روند پایان درگیری‌ها در سوریه را متوقف سازد.

سوریه، صحنه یک جنگ جهانی

برخی از تحلیلگران بین‌المللی تشدید تنش میان جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل را زنگ خطری نه تنها برای منطقه بلکه برای سراسر جهان می‌دانند. این تحلیلگران معتقدند که درگیری میان سوریه، با در نظر گرفتن دیگر تنش‌های موجود در این کشور جنگ زده، از جمله بالاگرفتن اختلاف میان آمریکا و ترکیه، می‌تواند حتی به یک جنگ جهانی تبدیل شود. مولود چاووش اوغلو وزیر خارجه ترکیه هشدار می‌دهد «یا روابطمان را با ایالات متحده بهبود می‌بخشیم و یا تمام این روابط به کلی از بین خواهند رفت». ترکیه از ۲۰ ژانویه با آغاز عملیات «شاخه زیتون» در شمال سوریه، اعلام کرد این کشور قصد دارد نه تنها عفرین، بلکه منبج در صد کیلومتری به سمت شرق را نیز تصاحب کند. تهاجم ترکیه پیش از هر چیز با هدف ممانعت از پیشروی شبه‌نظامیان کرد یگان‌های مدافع خلق آغاز شد اما هر لحظه می‌تواند به برخورد



با نیروها و مستشاران آمریکایی حاضر در شمال سوریه منجر شود. جنگ در سوریه که به نظر می‌رسید با پیروزی‌های نظامی ارتش بشار اسد، نیروهای تحت حمایت جمهوری اسلامی ایران و نیروی هوایی روسیه رو به پایان می‌رود، بار دیگر شعله‌ور شده است. ورود مستقیم ترکیه به این جنگ و درگیری ارتش این کشور با کردها در منطقه عفرین، ادامه حمایت آمریکا از کردها حتی پس از شکست داعش، ائتلاف مجدد کردها با ارتش بشار اسد، حمایت اسرائیل از برخی جناح‌های نظامی مخالف رژیم حاکم در دمشق که در بلندی‌های جولان و جنوب سوریه حضور دارند، حمایت جمهوری اسلامی از رژیم بشار اسد و تقویت نیروهای شبه‌نظامی در این کشور و همچنین اقدامات روسیه برای حفظ نقش و منافع خود در منطقه، این کشور را به انبار مهماتی تبدیل ساخته‌اند که با یک جرقه می‌تواند منجر شود و جنگی در ابعاد بسیار گسترده‌تر را رقم بزند که از آن به عنوان «جنگ جهانی سوم» می‌نام می‌برند.

از ۲۰ پایگاه در سوریه سرگرم گذراندن دوره‌های آموزش توسط نیروهای قدس و حزب‌الله لبنان هستند. منابع آمریکایی مدعی هستند که حداقل ۱۹ مرکز دیگر در سوریه را شناسایی کرده‌اند که در کنترل نیروهای قدس و سپاه پاسداران قرار دارند. در این مراکز گویا سپاه پاسداران سرگرم مونتازژ پهپاد و موشک‌هایی با برد میانه هستند که می‌توانند در جنگ با اسرائیل مورد استفاده قرار گیرند. پهپادهایی که یکی از آنها در هفته‌های گذشته در حریم هوایی اسرائیل به پایین کشیده شد.

انتونیو گوترش دبیرکل سازمان ملل متحد تنش میان جمهوری اسلامی و اسرائیل را بسیار خطرناک خوانده و گفته است «وضعیت انفجاری است و با یک جرقه می‌تواند شعله‌ور شود». دبیرکل سازمان ملل متحد این سخنان را در حالی بیان کرد که برخی از مقامات نظامی جمهوری اسلامی ایران حملات لفظی خود علیه اسرائیل را شدت بخشیده‌اند. برخی دیگر از کارشناسان سیاسی بر این نظر هستند که اگر جنگی میان اسرائیل و حزب‌الله در خاک سوریه و با حمایت جمهوری اسلامی ایران آغاز شود، این‌بار برخلاف گذشته، به یک کشور محدود نخواهد ماند و دامنه آن به دیگر کشورهای منطقه نیز کشیده خواهد شد. استفان دمیستورا نماینده دبیرکل سازمان ملل متحد در مسائل سوریه، موقعیت کنونی در این کشور را «خطرناک‌ترین از آغاز این جنگ هفت ساله» می‌خواند. نماینده فرانسه در شورای امنیت نیز صحبت از «خطر درگیری جهانی» می‌کند. وزیر خارجه فرانسه نیز برای گفتگو در رابطه با بحران سوریه راهی تهران و مسکو شده است.

فرمانده «سپاه قدس» بار دیگر اسرائیل را تهدید به نابودی کرد

قاسم سلیمانی فرمانده نیروهای قدس سپاه پاسداران اخیراً گفته است «نابودی اسرائیل حتمی است چون وعده الهی است». حسین سلامی جانشین فرمانده سپاه نیز معتقد است که اسرائیل نخواهد توانست در مقابل صدها موشک ساخت جمهوری اسلامی که در اختیار حزب‌الله لبنان قرار داده شده‌اند مقاومت کند. برای محسن رضائی فرمانده سابق سپاه پاسداران «جمهوری اسلامی و محور مقاومت می‌توانند تل‌آویو را با خاک یکسان کنند». البته عباس عراقچی، معاون وزارت خارجه، که این روزها در بریتانیا بسر می‌برد، در مصاحبه‌ای ضمن «پیچیده» خواندن وضعیت کنونی سوریه، مدعی است: ایران «برای جنگ با تروریسم» در سوریه حضور دارد و «نه برای گشودن جبهه جدیدی علیه اسرائیل».

اما اخباری که از سوریه می‌رسند حکایت از واقعیت دیگری دارند. نیروهای حزب‌الله در حال تحکیم مواضع خود در خاک سوریه در نزدیکی بلندی‌های جولان هستند. منابع نزدیک به مخالفان رژیم بشار اسد صحبت از اتخاذ تدابیر تهاجمی از سوی نیروهای تحت حمایت ایران در نزدیکی مرز با اسرائیل می‌کنند. به گفته همین منابع، سپاه پاسداران سرگرم آموزش گروهی از شبه‌نظامیان سوری هوادار بشار اسد برای شرکت در جنگ با اسرائیل است. این شبه‌نظامیان در بیش

هرج و مرج پلیسی به جای مدیریت

ترس از مردم و هراسِ فروپاشی

- نظام جمهوری اسلامی با همه شهروندان به نوعی درگیر است و چون توانایی پاسخگویی به مطالبات آنها را ندارد، بگیر و ببند و سرکوب را تشدید می‌کند.
- «رهبر» از «مردم» عذر می‌خواهد، روحانی همه‌پرسی از «مردم» را مطرح می‌کند و احمدی‌نژاد خواستار برگزاری انتخابات آزاد برای «مردم» می‌شود. یک چیز مسلم است: استهلاک نظام و ترس از واکنش مردم!

درگیری با صرافان و بازار ارز

تظاهرات سراسری دی‌ماه و تجمعات شبانه در بهمن‌ماه حکومت را متوجه این نکته کرده است که هر جا مأموران نباشند، مردم هستند و صدای خود را بلند می‌کنند! در چنین شرایطی است که علی خامنه‌ای می‌گوید «اعتراف می‌کنیم که در عدالت

در حوزه اقتصادی نیز برخوردهای پلیسی به بازار ارز کشیده شد و تعداد زیادی معامله‌گران ارز، صراف‌ها و حتی دلانان خرده‌پا بازداشت شدند؛ شماری از صراف‌ها پلمپ شده و ده‌ها حساب مسدود شدند تا شاید اندکی از التهاب بازار ارز کاسته شود. اقتصاد را اما نمی‌شود

فضای جامعه ملت‌هپ است. همه می‌گویند ایران آبستن تحول و تغییر است. نشانه‌هایی که در ناکارآمدی مژمن حکومت در همه عرصه‌ها دیده می‌شود، چهل‌سالگی‌اش را با «ورشکستگی به تقصیر» همراه کرده است. جمهوری اسلامی با مشکلات خودساخته، هر سال که گذشت بیش از پیش در برابر شهروندان قرار گرفت.



درگیری با دراویش گنابادی در خیابان پاسداران



«دختران خیابان انقلاب»

مشکل داریم و عذرخواهی می‌کنیم». در حالی که «رهبر» از «مردم» عذر می‌خواهد، حسن روحانی موضوع «فراندوم» و همه‌پرسی از خواستار برگزاری انتخابات آزاد و آزاد گذاشتن «مردم» می‌شود. منظور و هدف این سه نفر از این سخنان هر چه باشد، یک چیز مسلم است: نظام مستهلك شده و ترس از اقدامات و واکنش نهایی جامعه آنها را به فکر «مردم» انداخته است.

بسیاری از صاحب‌نظران که از نزدیک تحولات ایران را پیگیری می‌کنند بر این باورند که انباشت بحران‌های کوچک و بزرگ در حوزه‌های مختلف به سرعت در حال افزایش است. بحران‌هایی که مقامات خود نظام آنها را «آبربحران» می‌نامند و گسترش و تکرارشان نمایانگر ناکارآمدی نظام است.

هر مشکلی که در یک حالت عادی ممکن است با مدیریت حل شود، در شرایط کنونی تبدیل به یک بحران جدی می‌شود که دیگر نه تنها با فرمول‌های عقلانی قابل حل نیست بلکه

هنوز تظاهرات گروه‌های مختلف مالی‌باختگانی که موسسات مالی پول‌های آنها را بالا کشیدند ادامه دارد. بان‌نشستگان گروه دیگری هستند که به دنبال حقوق و تأمین مالی خود هستند. همه اینها اگر در آغاز مدیران موسسات مالی و بانک‌ها و صندوق‌های بان‌نشستگی را خطاب قرار می‌دادند، خیلی زود شعارهای خود را متوجه دستگاه قضایی و سیستم اقتصادی و کل نظام کردند. آنها علی‌خامنه‌ای را به عنوان رهبر حکومتی به پرسش می‌کشند که زندگی آنها را سیاه کرده است.

همزمان رکورد اعتراضات و تجمعات ناشی از ورشکستگی و بی‌پولی و تعطیلی کارخانه‌ها و کارگاه‌های کوچک و بزرگ و ناتوانی آنها در پرداخت حقوق و معوقات هزاران کارگر شکسته شده است. تقریباً به غیر از روزهای جمعه که تعطیل است، روزی نیست که چندین تجمع و تظاهرات اعتراضی برای مطالبات صنفی که گاهی با شعارهای تند و تیز علیه حکومت نیز همراه می‌شود، در شهرهای مختلف برگزار نشود. این تجمعات نیز تبدیل به بحران‌های

پنج‌شنبه، سوم اسفند، حوالی غروب یکی دیگر از «دختران خیابان انقلاب» روی جعبه تقسیم رفت و حجاب از سر برداشت و به رسم پیدا موحد روسریش را پرچم کرد و به اهتزاز درآورد. اندکی بعد نیروی انتظامی سر رسید و یک مأمور برای پایین آوردن دختر چنان او را با خشونت هل داد که از بلندی افتاد و نقش بر زمین شد.

وقتی این رفتار غیرانسانی با اعتراض مردم روبرو شد، مأمور با لحنی لات و تهدیدآمیز به جمعیت گفت «مرض!» نیروی انتظامی شروع به پراکنده کردن مردم نمود و دختر مصدوم را که گروهی از زنان برای او تاکسی گرفته بودند تا از مهلکه دورش کنند با فحاشی و زور سوار ماشین پلیس کردند و بردند.

در تمام هفته‌های گذشته «دختران خیابان انقلاب» اینجا و آنجا ظاهر شدند و به حجاب اجباری اعتراض کردند. حکومت اما نمی‌خواهد آنها را ببیند مگر زمانی که قصد دستگیری‌شان را می‌کند.

درگیری با دراویش

در دو شب پیاپی تنش نیروی انتظامی و سپاه و بسیج با دراویش گنابادی در خیابان پاسداران (سلطنت‌آباد) و گلستان هفتم بالا گرفت. اگر در گذشته اعتراضات دراویش پس از چند ساعت پایان می‌یافت این‌بار درگیری نیروهای انتظامی و امنیتی با درویشان چنان شدت گرفت که کار از کتک‌کاری و ضرب و شتم با باتوم و پرتاب گاز اشک‌آور گذشت و مأموران دست به سلاح گرم بردند و به سمت دراویش شلیک کردند. آنها نیز با هر آنچه داشتند از خود و حریم منزل نورعلی تابنده که «قلب» درویشان گنابادی است، دفاع کردند. در این بین یک دستگاه اتوبوس متعلق به سرویس کارکنان شرکت ایساکو به یگان پلیس ضدشورش حمله کرد و تعدادی از آنها را زیر گرفت و ساعتی بعد یک سمند همین اقدام خشونت‌بار را تکرار کرد که در نتیجه تعدادی از مأموران کشته و زخمی شدند. دراویش بلافاصله اعلام کردند که این حملات ارتباطی با آنها نداشته؛ با این همه بیش از ۵۰۰ نفر از آنها بازداشت شدند و منابع نزدیک به فقرا اعلام کردند حدود چهار نفر مفقود شده و سه نفر نیز در اثر اصابت گلوله در بیمارستان جان‌باخته‌اند. بنا به گزارش‌های رسمی، سه تن از مأموران انتظامی و دو بسیجی نیز کشته شده‌اند.

چهره‌های وابسته به حکومت دراویش را حتی «داعشی» خواندند و مسئولان انتظامی و یکی دو نماینده مجلس نیز آنها را «سارق» نامیده و ادعا کردند این درگیری‌ها به دلیل بازداشت چند درویش سارق آغاز شد.

مقابله با دخترانی که حجاب اجباری نمی‌خواهند و درگیری با درویشان که توقعی از این رژیم ندارند، تنها دو نمونه از تنش‌های مداوم و خودساخته‌ی جمهوری اسلامی در برابر شهروندانی است که فقط می‌خواهند حکومت با آنها کاری نداشته باشد و در زندگی آنها دخالت نکند.



به عنوان یک تهدید امنیتی پای سپاه و بسیج و پلیس را برای کنترل اوضاع به میان می‌کشد. سال‌هاست که برخوردهای پلیسی و امنیتی به ابزار اصلی دستگاه قدرت برای مواجهه با مطالبات مردم تبدیل شده است.

همزمان هرچه رژیم در گرداب ناکارآمدی و استهلاک فرو می‌رود بیشتر دچار سوء ظن و بی‌اعتمادی نسبت به شهروندان می‌شود. البته این بی‌اعتمادی متقابل است. شهروندان نیز هیچ اعتمادی به زمامداران و ادعاهای آنها و رسانه‌هاشان ندارند. حتی اگر زمانی واقعیت را نیز بگویند، کسی باور نمی‌کند! این مناسبات، به ویژه در شرایطی که مردم مرزهای ترس را پشت سر می‌گذارند، بیش از پیش بر هراس حکومت می‌افزاید. برای حکومت‌هایی مانند جمهوری اسلامی که از درون مستهلك و فرسوده شده‌اند و ارگان‌های آن دیگر مانند گذشته جواب نمی‌دهند، دو راه برای پیوستن به تاریخ وجود دارد: یا تن به مطالبات مردم بدهد و کنار برود؛ یا رفتن خود را با تشدید سرکوب گره بزند.

بزرو فارسی

امنیتی شده و با بگیر و ببند همراه می‌شود. حکومت از درک این حقیقت که تحولی در بطن جامعه در حال جویشیدن و قوام آمدن است، عاجز است.

درگیری با فعالان محیط زیست

در حوزه محیط زیست ناتوانی در حل بحران ریزگردها، خشکسالی و درگیری روستاییان در مناطق مختلف بر سر منابع آبی، کشمکش با همسایگان مثل افغانستان و ترکیه بر سر رودخانه‌ها، آلودگی هوای شهرهای بزرگ ناشی از آلاینده‌ها موضوعی نیست که بتوان پنهان کرد. اما بازداشت فعالان محیط زیست و مرگ مشکوک کاووس سیدامامی در زندان، ابعاد دیگری از اهمیت این حوزه روشن می‌شود. این پرونده را حادثه‌ی دردناک و مشکوک دیگری بیشتر امنیتی می‌کند: سقوط هواپیمای شرکت «آسمان» که دست‌کم ۱۶ استاد و پژوهشگر و فعال محیط زیست در آن کشته شدند. این فاجعه را باید به فهرست طویل ناکارآمدی‌ها و بن‌بست‌های نظام از جمله در حوزه حمل و نقل افزود: آتش‌سوزی پلاسکو، زلزله کرمانشاه و حادثه نفتکش سانچی، همگی فقط در یک سال اخیر!

رویترز: پیشنهادهای آمریکا به متحدان اروپایی برای اصلاح توافق اتمی

● **رویترز نوشته به اسنادی دست یافته که نشان می‌دهد آمریکا برای اصلاح توافق اتمی به اروپایی‌ها یک بسته‌ی پیشنهادی داده و قرار است به زودی بر سر آن مذاکره شود.**

● **در این پیشنهاد بریتانیا، آلمان و فرانسه باید برای اصلاح سه نقص اساسی برجام و اجرای دقیق موارد جدید از سوی ایران «متعهد شوند» و در ازای آن آمریکا هم در برجام می‌ماند و لغو تحریم‌ها را تمدید می‌کند.**

است برای نگاه داشتن آمریکا در برجام باید سه مشکل اساسی در توافق حل شود:

اول، برطرف کردن نقاط ضعف در برخورد با برنامه موشکی بالستیک جمهوری اسلامی ایران.

دوم، ایجاد شرایطی که بازرسان بین‌المللی بتوانند از سایت‌های اتمی ایران بازدید کنند.

سوم، حذف بند «sunset» که به موجب آن، برنامه اتمی رژیم پس از ۱۰ سال، دوباره می‌تواند ادامه پیدا کند.

گمان می‌رود ایالات متحده برای ماندن در این توافق به شدت روی اصلاح این موارد پافشاری می‌کند.

روز ۱۲ ژانویه ۲۰۱۸ ترامپ گفته بود اعضای اتحادیه اروپا باید با اصلاح نقص‌های وحشتناک توافق اتمی موافقت کنند چون در غیر این صورت او دیگر این قرارداد را تمدید نخواهد کرد و تحریم‌ها آغاز خواهد شد.

اگرچه کاخ سفید رسماً این موارد را به اروپا نگفته اما یک مقام بلندپایه در وزارت خارجه آمریکا مراحل رسیدن به نقطه نظر مشترک با اروپا را موضوعی دو مرحله‌ای دانسته و گفته از ۱۲ ژانویه تا ۱۲ ماه مه آمریکا تلاش می‌کند شرکای اروپایی

ایالات متحده طرحی را تنظیم کرده که بر اساس آن، سه متحد مهم اروپایی آمریکا متعهد به اصلاح توافق اتمی با ایران شوند و در ازای آن دولت آمریکا با تمدید تعلیق تحریم‌ها در ماه مه همچنان در برجام بماند.

رویترز در گزارشی اختصاصی اعلام کرده این طرح در یکی از اسناد وزارت خارجه آمریکا آمده که به دست این خبرگزاری رسیده است.



حامیان ولایت فقیه علیه هرگونه مذاکره بر سر برجام



دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا

را با خود همراه کند. او گفته «ما باید آنان را راضی کنیم که این توافق نواقص اساسی و آشکار دارد. در مرحله دوم سراغ روسیه و چین خواهیم رفت تا ببینیم با چه گزینه‌های اصلاحی از طرف آنها روبرو می‌شویم.»

این مقام آمریکایی گفته است که سه راه ممکن برای انجام این کار وجود دارد: اصلاح توافق موجود، مذاکره برای توافق تکمیلی و یا تلاش برای یک قطعنامه جدید از شورای امنیت جهت ایجاد تغییرات.

ادامه حبس نازنین زاغری به دلیل اختلاف حساب ایران و بریتانیا



کمپین‌های اعتراضی به دستگیری نازنین زاغری

کمپین آزادی نازنین زاغری همچنین بیانیه‌ای را همزمان با سفر عباس عراقچی معاون وزیر خارجه جمهوری اسلامی به بریتانیا صادر کرده و گفته یک نسخه از این بیانیه برای عباس عراقچی ارسال شده است.

گفته شده وزارت خارجه جمهوری اسلامی مسئول رسیدگی به اختلاف حساب میان تهران و لندن شده است. در نامه‌ای که به عباس عراقچی معاون محمدجواد ظریف ارسال شد از او خواسته شده اولویت حفاظت از ایرانیان دوتابعیتی در زمان سفر به ایران را مشخص کند. عراقچی پنج‌شنبه در چاتم هاوس در لندن سخنرانی داشت.

همچنین پایگاه خبری دیلی میل گزارش داد ریچارد رتکلیف در نامه‌ای سرگشاده به عراقچی از او خواسته پاسخی به بلا تکلیفی وضعیت همسرش بدهد. او قبلاً نیز از عراقچی دعوت کرده بود که در سفر به لندن، به خانه آنها برود؛ دعوتی که معاون وزیر خارجه ایران آن را بی‌پاسخ گذاشت.

رتکلیف همچنین در این نامه نوشته که نخست وعده کردند همسرش را برای ایام کریسمس آزاد کنند، سپس قول دادند که او را به مرخصی بفرستند و حالا می‌خواهند او را در بازداشت خانگی قرار دهند.

کمپین آزادی نازنین زاغری همچنین بیانیه‌ای را همزمان با سفر عباس عراقچی معاون وزیر خارجه جمهوری اسلامی به بریتانیا صادر کرده و گفته یک نسخه از این بیانیه برای عباس عراقچی ارسال شده است.

گفته شده وزارت خارجه جمهوری اسلامی مسئول رسیدگی به اختلاف حساب میان تهران و لندن شده است. در نامه‌ای که به عباس عراقچی معاون محمدجواد ظریف ارسال شد از او خواسته شده اولویت حفاظت از ایرانیان دوتابعیتی در زمان سفر به ایران را مشخص کند. عراقچی پنج‌شنبه در چاتم هاوس در لندن سخنرانی داشت.

همچنین پایگاه خبری دیلی میل گزارش داد ریچارد رتکلیف در نامه‌ای سرگشاده به عراقچی از او خواسته پاسخی به بلا تکلیفی وضعیت همسرش بدهد. او قبلاً نیز از عراقچی دعوت کرده بود که در سفر به لندن، به خانه آنها برود؛ دعوتی که معاون وزیر خارجه ایران آن را بی‌پاسخ گذاشت.

رتکلیف همچنین در این نامه نوشته که نخست وعده کردند همسرش را برای ایام کریسمس آزاد کنند، سپس قول دادند که او را به مرخصی بفرستند و حالا می‌خواهند او را در بازداشت خانگی قرار دهند.

● **وزارت خارجه جمهوری اسلامی مسئول رسیدگی به اختلاف حساب میان تهران و لندن شده است.**

● **ریچارد رتکلیف در نامه‌ای سرگشاده به عراقچی از او خواسته به بلا تکلیفی وضعیت همسرش پاسخ بدهد.**

قوه قضاییه جمهوری اسلامی، روز چهارشنبه، دوم اسفند به نازنین زاغری گفته ادامه حبس او به دلیل مناقشه ایران و بریتانیا برسر اختلاف حساب نرخ سود بدهی بریتانیا به ایران است. به گزارش پایگاه خبری «اسکای نیوز»، کمپین آزادی نازنین زاغری با اعلام این خبر گفته مسئولان قضایی در ایران با مرخصی او موافقت نکرد و به وی پیشنهاد پذیرش حبس خانگی ویژه داده‌اند.

در حالی که پیش از این حمید عبیدی‌نژاد سفیر جمهوری اسلامی در لندن مدعی شده بود بازداشت و زندانی شدن نازنین زاغری شهروند ایرانی - بریتانیایی ارتباطی با آزاد شدن ۴۵۰ میلیون پوند طلب ایران بابت تانک‌های چیفتن خریداری شده در دوران شاه از انگلیس ندارد.

جدال لفظی نتانیاهو و الجبیر با ظریف در مونیخ: تلاش برای نابودی اسرائیل و کمک به رهبران القاعده



محمدجواد ظریف در کنفرانس مونیخ. او بعد از این جلسه راهی مسکو شد تا با لاوروف وزیر خارجه روسیه دیدار کند. ظریف قبل از ترک آلمان در توییتی نوشت: کنفرانس امنیتی مونیخ فرصت مغتنمی برای تکرار و تصریح پیشنهاد ایران در خصوص رویکرد چندجانبه ما در مسیر صلح و ثبات منطقه بود. پیام ما واضح است: یا با هم می‌بریم، یا با هم می‌بازیم!

● **بنیامین نتانیاهو: رژیم ایران می‌خواهد یک امپراتوری از تهران تا طرطوس ایجاد کند.**

● **محمدجواد ظریف: ادعای نتانیاهو در مورد ایران یک سیرک مسخره است.**

● **عادل الجبیر: مشکلات منطقه با انقلاب خمینی آغاز شد، ۹۰ درصد مواد منفجره تروریست‌ها را ایران تامین می‌کند.**

پنجاه و چهارمین کنفرانس امنیتی مونیخ، که بخش اصلی آن یکشنبه ۲۹ بهمن (۱۵ فوریه) برگزار شد میدان جدال اسرائیل و عربستان علیه جمهوری اسلامی ایران بود. بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل در ابتدای سخنرانی خود با اشاره به حادثه مونیخ در المپیک سال ۱۹۷۲ که طی آن ۱۱ ورزشکار اسرائیلی ربوده و به طرز فجیعی به قتل رسیدند و همچنین کشتار یهودیان معروف به هولوکاست، حکومت ایران را با رژیم نازی‌ها در

رسید، وی به اظهارات نتانیاهو واکنش نشان داد و آن را «سیرک مسخره» توصیف کرد و گفت ارزش پاسخ دادن ندارد و باید به مسائل جدی‌تر پرداخت، اما مدعی شد اسرائیل برای فرار از بن‌بست و انزوای منطقه‌ای دست به چنین اقداماتی می‌زند.

ظریف که به نظر هیچ تلاشی برای درک واقعیتی که جمهوری اسلامی در آن قرار گرفته نمی‌کند بار دیگر

را تغییر دهد. او گفت جمهوری اسلامی ایران بیش از ۹۰ درصد از مواد منفجره گروه‌های تروریستی را تامین می‌کند. وی همچنین به پناه دادن برخی از رهبران القاعده و خانواده بن لادن از سوی حکومت ایران اشاره کرد.

الجبیر همچنین گفت ایران با دخالت‌های خود تلاش می‌کند که ثبات را در سوریه، عراق، یمن و



بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل



عادل الجبیر وزیر خارجه عربستان

لبنان به هم بزند. به گزارش شبکه تلویزیونی CNBC آمریکا، الجبیر در حاشیه کنفرانس مونیخ تاکید کرده «ما معتقدیم که بخش بزرگی از اقتصاد ایران توسط سپاه پاسداران هزینه‌های نظامی را انجام دهند. وی بدون توجه به نقش بی‌ثبات کننده جمهوری اسلامی همچنین تاکید کرد «ما می‌توانیم با مسائل ساده‌تر همچون ارتقاء گردشگری، سرمایه‌گذاری‌های مشترک یا حتی کارگروه‌های مشترک بر سر مسائلی از جمله ایمنی هسته‌ای، آلودگی هوا و مدیریت بحران آغاز کنیم.»

پایگاه شبکه الکوثر وابسته به جمهوری اسلامی نوشت که جان کری وزیر خارجه پیشین آمریکا بعد از سخنرانی‌اش برای شنیدن سخنان ظریف در سالن ماند.

● **الجبیر: ایران به رهبران القاعده پناه داده**

به گزارش العربیه عادل الجبیر وزیر خارجه عربستان نیز در سخنان خود به شدت به جمهوری اسلامی حمله کرد. بخشی از مواضع او شبیه حرف‌هایی بود که نتانیاهو زد به اضافه اینکه وی بر این نکته تاکید کرد که «مشکلات منطقه با انقلاب خمینی آغاز شد» و گفت «فشارها را بر ایران ادامه می‌دهیم تا رفتارش

آلمان مقایسه کرد و گفت: «ایران بارها تمایل خود را برای نابودی اسرائیل را اعلام کرده و می‌خواهد بر منطقه مسلط شود، ایران می‌خواهد دنیا را تحت کنترل خود بگیرد.»

وی با تاکید بر اینکه کشورش حضور نظامیان ایران در سوریه را تحمل نخواهد کرد، هشدار داد که «نخواهیم گذاشت حکومت سوریه طناب‌دار دور گردن ما ببیند.»

نتانیاهو ادامه داد رژیم ایران می‌خواهد یک امپراتوری از تهران تا طرطوس ایجاد کرده و دریای کاسپین را به مدیترانه وصل کند. او با اشاره به تهدیدات علی جعفری فرمانده سپاه و حضور نیروهای قدس سپاه در سوریه، جمهوری اسلامی را تهدیدی جدی برای کل منطقه خواند و گفت اسرائیل مصمم است جلوی نفوذ ایران در منطقه را بگیرد.

نخست وزیر اسرائیل همچنین با اشاره به توافق هسته‌ای کشورهای پنج‌بلاعه یک با ایران افزود توافقی که قرار بود باعث صلح و امنیت جهانی شود، رژیم ایران را جسورتر کرده است.

نتانیاهو در این کنفرانس یک قطعه از پهباد سپاه را که اخیراً در حوالی مرزهای اسرائیل سرنگون شده به همراه داشت که آن را به حاضرین نشان داد و خطاب به وزیر خارجه جمهوری اسلامی گفت «آقای ظریف، این را می‌شناسید؟ باید بشناسید. این متعلق به شماست. می‌توانید آن را با خود به تهران برگردانید. یک پیام هم برای ظالمان در تهران دارم: اراده اسرائیل را امتحان نکنید!»

او در پایان گفت «از غزه بیرون رفتیم، ایران از طریق حماس وارد آن شد، از لبنان بیرون رفتیم، ایران با حزب‌الله وارد شد، پس لازم است که ما امنیت منطقه را در دست بگیریم.»

دارالترجمه بین المللی فریس

زیر نظر و با مسئولیت دکتر ناصر رحیمی
(استاد دانشگاه)

ترجمه رسمی شناسنامه، قبالة ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی، تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی

تلفن: 020-8735 6500 / 020-8222 8884 / 020-8222 8831
فکس: 020-7760 7160

www.assot.co.uk
Email: assot@aol.com

Suite 611, Britannia House, 11 Glenthorne Road
Hammersmith, London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

پیشنهاد ظریف برای سرمایه‌گذاری‌های مشترک در حوزه امنیت وقتی نوبت به سخنرانی ظریف

گفتگوی اختصاصی کیهان لندن با شاهزاده رضا پهلوی:

مقاومت مدنی کلید عبور از این نظام است



«برای دیدن ویدئو، روی عکس کلیک نموده و با سایت کیهان لندن مراجعه نمایید.»

بسیاری از کسانی که در گذشته امید به اصلاحات داشتند، امروز به این نتیجه رسیده‌اند که نمی‌توان انتظاری از این نظام داشت. جوانانی که به خیابان آمدند، در آینده خود امیدی نمی‌بینند و نمی‌توانند تا ابد سکوت کنند و صدایشان در نیاید. مبارزه با این نظام اجباری است زیرا هرگز داوطلبانه از قدرت کناره‌گیری نخواهد کرد.

مقاومت مدنی کلید عبور از این نظام است و مردم باید بتوانند در فضای باز سیاسی با مراجعه به صندوق رای در مورد آینده‌شان تصمیم بگیرند. تشکیل نهادهی که ورا اندیشه های متفاوت، گذار از نظام کنونی را مدیریت کند باید در اولویت قرار گیرد. گستردگی اتحاد نظرات مختلف، چشم‌های مراقب برای اینکه در آینده بار دیگر دیکتاتوری احیاء نشود را افزایش خواهد داد. ایران در هفته‌های اخیر شاهد تحولات بسیاری بوده است که وظایف حساسی را بر عهده نیروها و شخصیت‌های سیاسی مخالف نظام کنونی، چه در داخل کشور و چه خارج از مرزها، گذاشته است. خیزش مردمی دی‌ماه، نافرمانی مدنی زنان علیه حجاب اجباری،

شاهزاده رضا پهلوی، بدون شک یکی از مطرح‌ترین شخصیت‌های سیاسی در این برهه زمانی است. نام او در جریان خیزش دی‌ماه بارها در تظاهرات‌هایی که از جنوب تا شمال و از شرق تا غرب کشور برگزار شدند، مطرح شد. احمر رأفت در واشنگتن با شاهزاده رضا پهلوی گفتگویی اختصاصی انجام داده که در آن وضعیت کنونی ایران، مبارزات و خواست‌های مردم، و نقشی که نیروها و شخصیت‌ها باید منافع ملی را در اولویت قرار دهند تا در فضای آزاد سیاسی مردم بتوانند برای آینده خود تصمیم بگیرند.

اعتراض‌ها و تجمعات کارگران و کارمندان و مزدبگیران، و مقاومت مردم از نظام کنونی و قطع امید آنها از اصلاح‌طلبان دارد. شخصیت‌ها و نیروهای مخالف نظام باید در شرایط کنونی نقشه راه گذار از جمهوری اسلامی و آماده ساختن شرایط برای تعیین سرنوشت از راه مراجعه به صندوق رای را ترسیم کنند. این نیروها و شخصیت‌ها باید منافع ملی را در اولویت قرار دهند تا در فضای آزاد سیاسی مردم بتوانند برای آینده خود تصمیم بگیرند.

علی خامنه‌ای: اعتراف می‌کنیم که در عدالت مشکل داریم و عذر خواهی می‌کنیم



علی خامنه‌ای در سخنرانی ۲۹ بهمن

● «حضور مردم بعد از سه دهه در راهپیمایی ۲۲ بهمن یک معجزه است، آنها گلایه دارند اما پای انقلاب و نظام ایستادند، چنین چیزی در هیچ کجای دنیا نیست.»
● «خدمات انقلاب به ایران بسیار زیاد است و پیشرفت به معنی واقعی کلمه اتفاق افتاده!»

صبح یکشنبه، ۲۹ بهمن، علی خامنه‌ای در سخنانی حضور طرفداران انقلاب در راهپیمایی حکومتی ۲۲ بهمن را «شبهه معجزه» دانسته و گفته مردم گله‌مندند اما پای انقلاب و نظام ایستاده‌اند.

رهبر جمهوری اسلامی در عبارتهای پرطمطراق بدن آنکه تظاهرات سراسری و اعتراضی را به روی خود بیاورد درباره تظاهرات فرمایشی حکومت گفت «در هیچ جای دنیا چنین چیزی وجود ندارد که بعد از قریب چهار دهه، خود مردم وارد میدان شوند، خیابان‌ها را پر کنند و خودشان شعار بدهند و حضور خود را نشان بدهند و از انقلاب‌شان دفاع کنند؛ این در هیچ کدام از انقلاب‌های چندقرن اخیر وجود نداشته است، در هیچ‌جای جهان چنین چیزی نیست؛ این مخصوص ایران است!»

خامنه‌ای در بخشی از سخنان خود تأکید کرد: «انتقاد مردم، فقط از دولت و مجلس و قوه قضائیه نیست؛ نه، ممکن است از شخص حقیر هم انتقاد داشته باشند اما این انتقاد منافاتی ندارد با ایستادگی پای نظام اسلامی و نظام انقلابی که با فداکاری این ملت به وجود آمده است.» و همچنین بی‌اعتنا به نارضایتی مردم به ویژه در عرصه اقتصادی افزود: «خدمات انقلاب به ایران، بسیار زیاد است؛ لکن مهمترین

کار اصولی انقلاب، تبدیل نظام طاغوت سالار به نظام مردمسالار، آنهم با الهام از تعالیم اسلامی و قرآن است.»

سخنرانی امروز رهبر جمهوری اسلامی در «بیت» او برگزار شد و حاضرین گروهی دستچین شده از تبریز بودند که به مناسبت سالگرد تظاهرات ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ علیه رژیم پهلوی در این شهر به دیدار خامنه‌ای برده شدند.

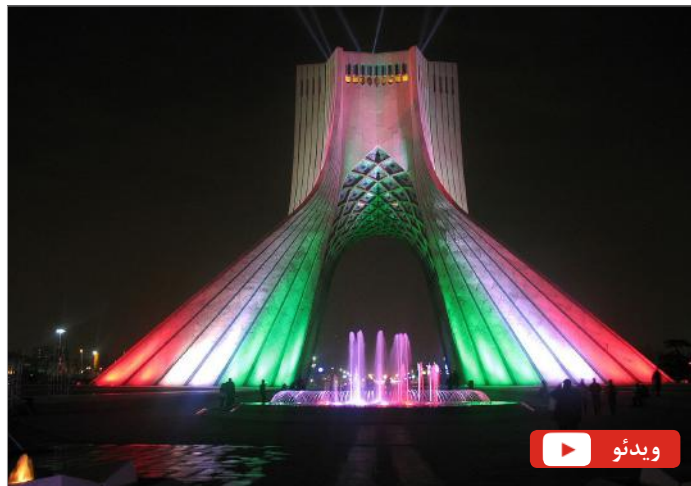
رهبر جمهوری اسلامی در بخش دیگری از سخنان خود این را گفت که نتیجه مردمسالاری، پیشرفت است و «ما دهه سوم انقلاب را دهه پیشرفت و عدالت نامگذاری کردیم» و مدعی شد

«پیشرفت به معنی واقعی کلمه اتفاق افتاده اما درباره عدالت مشکل داریم، خودمان اعتراف می‌کنیم، باید کار کنیم و باید از مردم و خدا عذرخواهی کنیم.» ادعای «پیشرفت به معنای واقعی کلمه» که از سوی خامنه‌ای مطرح شد همزمان با سقوط هواپیمای شرکت آسمان با ۶۶ سرنشین است که او در این سخنرانی هیچ اشاره‌ای به آن نکرد، اما پس از پایان سخنرانی پیام تسلیتی منتشر به این متن:

«بسمه تعالی
ساخته‌ی مصیبت‌بار سقوط هواپیمای مسافربری که به جان باختن چندین نفر از هم‌میهنان عزیزمان انجامید دلها را لبریز از اندوه و تأسف کرد. اینجانب مراتب تأثر عمیق و همدردی صمیمانه‌ی خود را با خانواده‌های داغدار آنان ابراز می‌دارم و صبر جمیل و اجر جزیل برای آنان و رحمت و مغفرت الهی برای جان‌باختگان از خداوند متعال مسألت می‌کنم. مسئولان ذیربط لازم است همه‌ی تلاش و همکاری خود را برای اقدام‌های لازم در این مورد بکار برند و امکان تکریم و تشییع پیکرهای آنان را فراهم سازند.»

پیشینه‌ی عذر خواهی با لفظ «ما»
علی خامنه‌ای ۱۹ مهر سال ۱۳۹۱ هم در قبال کنترل جمعیت ایران عذر خواهی کرد. او گفته بود، «یکی از خطاهای که خود ما کردیم این بوده که تحدید نسل از اواسط دهه ۷۰ به این طرف باید متوقف می‌شد. مسئولان کشور در این باره اشتباه کردند و خود بنده هم سهیم هستم. این را خدای متعال و تاریخ بر ما ببخشد.» او در هر دوباری بار که عذر خواهی کرده خودش را «ما» خوانده است.

در جمهوری اسلامی نمی‌توان رفراندوم آزاد برگزار کرد



«برای دیدن ویدئو، روی عکس کلیک نموده و با سایت کیهان لندن مراجعه نمایید.»

برای برگزاری هر انتخابات یا همه‌پرسی باید شرایط فعالیت‌های رسانه‌ای و سیاسی آزاد آماده شود، در غیر این صورت مراجعه به آرای عمومی، آزاد و دموکراتیک نخواهد بود. جمهوری اسلامی ایران احتمالاً تنها زمانی که چند قدم بیشتر با فروشی فاصله نخواهد داشت انجام رفراندومی آزاد و با نظارت بین‌المللی را خواهد پذیرفت.

امیرحسین اعتمادی در گفتگو با کیهان لندن می‌گوید از دو نظر با طرح همه‌پرسی مطرح شده در بیانیه ۱۵ نفر مخالف است زیرا اگر نظام کنونی در مرحله فروپاشی باشد برگزاری چنین رفراندومی لزوم ندارد، مضاف بر آنکه رفراندوم آری و نه به جمهوری اسلامی معنایی ندارد.

شخصیت‌ها و نیروهایی که معتقد هستند نظام کنونی پاسخگوی خواست‌های مردم نیست باید ترسیم نقشه راه گذار از جمهوری اسلامی ایران را در دستور کار قرار دهند. بحث و گفتگو در رابطه با بیانیه ۱۵ نفر از فعالان سیاسی و مدنی ایرانی داخلی و خارج از کشور با تقاضای

برگزاری رفراندومی برای گذار مسالمت‌آمیز از جمهوری اسلامی ایران ادامه دارد. این بیانیه و پیشنهاد همه‌پرسی، هواداران و مخالفان بسیاری در درون و برون مرزهای ایران داشته است. برخی معتقد هستند که در جمهوری اسلامی ایران امکان برگزاری یک رفراندوم آزاد وجود ندارد زیرا قبل

از هرگونه همه‌پرسی، باید موافقان و مخالفان بتوانند با دسترسی به رسانه‌های مستقل و با تشکیل سازمان‌ها و گروه‌های غیروابسته به نظام امکان فعالیت پیدا کنند. احمد رأفت با امیرحسین اعتمادی، سردبیر پایگاه اینترنتی «تقاطع» و از فعالان سیاسی ساکن واشنگتن گفتگویی انجام داده است.

علم الهدی: وقتی گفتم راهپیمایی ۲۲ بهمن در قرآن آمده، مسخره‌ام کردند

شرکت کردند.»
بنابراین بحث مردم‌سالاری سکولار با این مردم غلط است وی سپس گفت مطرح کردن رفراندوم در چنین شرایطی توسط رئیس جمهوری حاکی از گرایش او به مردم‌سالاری سکولار است. ضمن آنکه رفراندوم که خواسته رئیس جمهوری است طبق اصل ۵۷ قانون اساسی اجازه ولی فقیه و ولی‌امر را لازم دارد و باید پرسید حواله دادن مردم به رفراندوم چه چیزی را در ذهن متبادر می‌کند و شما که طرفدار مردم‌سالاری سکولار هستید به خاطر خوشایند یک اقلیت لائیک و وابسته به غرب اساس نظام و انقلاب را به باد اشکال نگیرید.

او انتقاد کرده که قوای سه‌گانه مملکت زیر نظر رهبری است که حجت امام زمان است و فرمان همه‌پرسی هم در اختیار ولی‌امر است. حواله دادن مردم به رفراندوم در سیل حرکت آنها در ۲۲ بهمن نشان از طرفداری رئیس جمهوری

علم الهدی در ادامه صحبت‌هایش به نکاتی در رابطه با شیطان و زیرکی‌ها و زرنگی‌های او اشاره کرده که مستقیماً به خود وی و همفکران و هم لباسانش برمی‌گردد. وی گفت: «شیطان محاسبه کرده که انسان همیشه می‌خواهد سرور باشد بنابراین از قدرت‌خواهی و مقام‌خواهی بشر سوءاستفاده کرده و او نفوذ می‌کند که در واقع همان نفوذی است که خود او و همکارانش سال‌هاست به دنبال آن هستند.»

علم الهدی گفت: «به دنبال انتقاد از من به خاطر اشاره به این آیه بی‌بی‌سی و رسانه‌های خارج با انتشار این مطالب غرض‌ورزانه سعی کردند انقلاب و نظام را از مردم جدا کنند در حالی که مردم با همه مشکلات و گلایه‌هایی که در زمینه مسائل معیشتی خود دارند در راهپیمایی

بلوکه کردن حساب‌های بانکی برای مهار بازار دلار در ایران



● آخرین باری که مقامات ایران این‌گونه به بازار ارز و دلالتان حمله کرده بودند در سال ۲۰۱۲ بود که کشور با تحریم‌های فلج‌کننده، تورم افسار گسیخته و سقوط ارزش ریال دست و پنجه نرم می‌کرد.

مقامات ایرانی در بزرگترین عملیات تأییدی در شش سال گذشته بیش از یک‌صد نفر از دلالتان و سفته‌بازان در بازار ارزی را دستگیر کرده و حساب‌های بانکی مرتبط به ارزش بیش از ۵ میلیارد و سیصد میلیون دلار را مسدود کردند.

به گزارش فایننشال تایمز این عملیات با هدف جلوگیری از سقوط ارزش ریال انجام شده که در سال جاری بیش از ۱۰٪ از ارزش خود را به دلیل کمبود ارز در بازار و به تبع آن نگرانی کسب و کارهای وابسته به ارزهای خارجی، از دست داده است. ایران از سویی با تهدیدات جدیدی از طرف واشنگتن برای تجدید تحریم‌هایی که در سال ۲۰۱۵ لغو شده بودند مواجه است و از سوی دیگر شایعاتی نیز مبنی بر هماهنگی و همکاری میان آمریکا و کشورهای حاشیه خلیج فارس در جهت اعمال فشار بر ایران و محدود کردن دسترسی این کشور به ارزهای خارجی به گوش می‌رسد. ایرانی‌ها اغلب دلار آمریکا را از طریق امارات متحده عربی تأمین می‌کنند.

به گفته یکی از مقامات مالی سابق «آمریکا مجدداً در حال اعمال فشار بر ایران است» و «حواله‌های بانکی و تأمین دلار به صورت نقدی از کشورهای منطقه دچار اختلال شده است.» هرچند بیشتر تحریم‌های بین‌المللی پس از توافق هسته‌ای لغو شده‌اند، اما بیشتر بانک‌های بین‌المللی علاقمند به داد و ستد با ایران ندارند. جامعه کسب و کار ایران یا با بانک‌های رده چندم

اروپا و آسیا در حال معامله است و یا با تکیه بر واسطه‌های معتمدی که غالباً در امارات متحده عربی هستند، برای اجتناب از سیستم‌های مالی متداول، به فعالیت مشغول هستند.

به گفته یک تحلیلگر مالی «ما همچنان مانند دوران تحریم‌ها در حال منتقل کردن دلار با گونی به کشور هستیم. بازار ارز همیشه اولین جایی است که بروز بحران را نشان می‌دهد.» پلیس تهران می‌گوید بیش از ۹۰ نفر از دلالتان دلار در روز چهارشنبه گذشته طی عملیاتی با هماهنگی بانک مرکزی دستگیر شدند. ۱۰ صرافی پلمپ شده و بیش از ۱۶ صرافی دیگر اخطار گرفته‌اند. خبرگزاری فارس نیز که نزدیک به یک میلیارد دلار در سال) مسدود شده است. دولت ایران در روزهای اخیر به تکرار از مردم خواسته که از هجوم برای خرید دلار یا سفته‌بازی اجتناب کنند. خیلی از صرافی‌ها از فروش بیش از ۱۰۰۰ دلار به هر شخص اجتناب می‌کنند.

ریال ایران که پس از برداشته شدن تحریم‌ها از ثبات نسبی برخوردار شده بود طی هفته‌های گذشته حدود ۱۴٪ از ارزش خود را در بازار آزاد از دست داده است که باعث ایجاد نگرانی مردم در خصوص ایجاد تورم شده است. نرخ دلار در روز چهارشنبه گذشته در صرافی‌های تهران به قیمت ۴۸۳۰۰ ریال در مقایسه با نرخ رسمی ۳۷۰۵۴

ریال به فروش رسید. به گفته یکی از صرافی‌ها «هر مقدار یورو یا پوند استرلینگ برای فروش موجود است اما دلار خیر!»
آخرین باری که مقامات ایران این‌گونه به بازار ارز و دلالتان حمله کرده بودند در سال ۲۰۱۲ بود که کشور با تحریم‌های فلج‌کننده، تورم افسار گسیخته و سقوط ارزش ریال دست و پنجه نرم می‌کرد.

دولت حسن روحانی که ایجاد ثبات در بازار ارز را به عنوان بخشی از برنامه احیای اقتصادی پیش‌بینی کرده بود، در خصوص کمبود دلار در بازار توضیحی ارائه نکرده است.

اما مقامات ایران موضوع بازی با نرخ ارز و تفاوت عمده بین نرخ رسمی و آزاد را با هدف برطرف کردن کسری بودجه دولت قبل از شروع سال جدید در کشور را رد کردند. ولی‌الله سیف رئیس کل بانک مرکزی ایران مسئول نوسانات نرخ ارز را دولت آمریکا عنوان کرده که هدفی جز بی‌ثبات کردن اقتصاد ایران ندارد.
یکی از مقامات آمریکا عنوان کرده که امارات متحده عربی در خصوص دسترسی ایران به منابع ارزی مصمم است: «همه آنها (مخصوصاً امارات و عربستان سعودی) به دنبال ایجاد اهرم‌های فشار بر ایران هستند» و «این موضوع از نظر ما خیلی خوب است. هرچه تبعات بیشتری در زمینه رفتار منطقه‌ای ایران وجود داشته باشد بهتر است. این دقیقاً همان چیزی است که ما می‌خواهیم.»

لیلا حاتمی در جشنواره فیلم برلین:

شرم آوراست که در کشورم مردم فقط به بهای جان خود می توانند اعتراض کنند



لیلا حاتمی در کنفرانس مطبوعاتی فیلم «خوک» از برخورد با معترضان دی ماه امسال انتقاد کرد
عکس از کیهان لندن ©kayhan.london

مطبوعاتی این فیلم با حضور مانی حقیقی، حسن معجونی، لیلا حاتمی، علی مصفا، لیلی رشیدی و محمود کلاری مدیر فیلمبرداری این فیلم برگزار شد. این فیلم داستان یک کارگردان شناخته شده و ممنوع‌الکار به نام حسن است که در پی قتل زنجیره‌ای کارگردانان سینما هر لحظه امکان کشته شدن خود را می‌دهد. «خوک» یک پارودی-کمدی از وضعیت تراژدی-کمدیک این روزهای ایران است که فجع‌ترین اتفاقات در آن عادی و بدیهی جلوه می‌کنند.

دی‌ماه امسال واکنش نشان داد و گفت که «می‌خواهم از این فرصت استفاده کنم و خشم و اندوه عمیق خودم را از شیوه برخوردی که اخیراً با معترضان در ایران شد اعلام می‌کنم.» وی گفت «شرم‌آور است که در کشور من مردم فقط می‌توانند به بهای جان خود اعتراض کنند.» لیلا حاتمی همچنین یادآوری کرد که این اولین اظهار نظر سیاسی وی است. فیلم پارودی-کمدی «خوک» ساخته مانی حقیقی روز گذشته اولین نمایش خود را در بخش مسابقه فستیوال فیلم برلین داشت. کنفرانس

● لیلا حاتمی از شیوه برخورد با معترضان در تظاهرات سراسری دی‌ماه انتقاد کرد.

لیلا حاتمی بازیگر سینمای ایران در کنفرانس مطبوعاتی فیلم «خوک» در فستیوال فیلم برلین می‌گوید خجالت‌آور است که در کشور من مردم فقط می‌توانند به بهای جان خود اعتراض کنند. لیلا حاتمی در کنفرانس مطبوعاتی فیلم «خوک» تازه‌ترین ساخته مانی حقیقی نسبت به اعتراضات سراسری



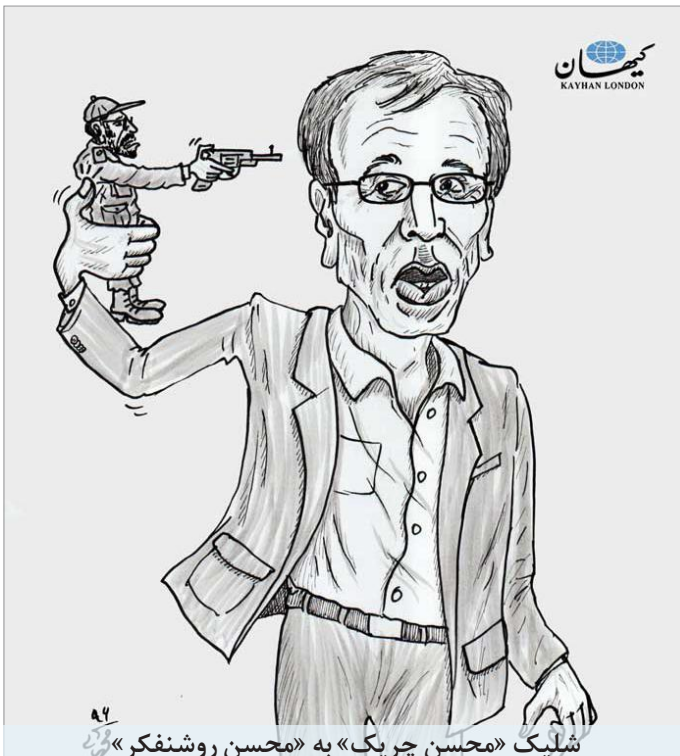
ویدا موحدا، اولین دختر خیابان انقلاب

بانوی انقلاب ...

(کیا کرمانشاهی)

- چون سرو سر بلند
- با قامتی فراز
- با رایتی سپید
- که از سر گشاده
- بر سر چوبی نهاده
- کاوهار
- «بانوی انقلاب»
- مغرور و استوار
- بر جایگاه بلند ایستاده است
- دردیست در دلش
- بغضیست در گلویش
- بر لب صدایش نیست ولی
- کوهیست در خرویش
- فریاد او رساست
- فریاد برزن است
- فریاد قرن‌هاست
- فریاد هر زن است

محسن مخملباف علیه محسن مخملباف



محسن مخملباف شنبه فیلم‌هایش بود. او در کتاب «گنگ خوابیده» تحول فکری خود را در چهار مرحله بررسی می‌کند. مرور آن چهار دوره نشان می‌دهد که وی در زندگی خود چگونه سرسخت و استوار بر خویش شوریده است. چگونه به مجسمه‌ای که خود و دیگران از او می‌ساختند یورش برده و بت خود را در پای معیارهای انسانی‌اش خرد کرده است. او با فیلم «توبه نصوح» یک بسجی خام و مذهبی است که همه چیز را در گستره‌ی مذهب معنی می‌کند و چنان تنگ‌نظرانه به جهان پیرامون خود می‌نگرد که کمتر کسی می‌تواند از روزنه‌های ال‌ک‌ایدئولوژیک او بیرون بجهد. آن محسن، بی‌نمازان را دشمن خدا فرض می‌کند. زنان آزاد و موافشان در باد را در مقابله با مذهب قلمداد می‌کند و آنقدر در درون مذهب متصلب ذوب می‌شود که از سخنانش انکار بیشتر خلق‌الله بیرون می‌چکد. در نگاه آن محسن همه کافرند مگر کسانی که مو به مو فرایض دینی را انجام بدهند! اما طولی نمی‌کشد که نگاه وی به هستی تغییر می‌کند. او با ساخت هر فیلم گامی به جلو برمی‌دارد و تحول بزرگ خود را به رخ همگان می‌کشد چندان که فیلم «توبه عاشقی» و «شبهای زاینده‌رود» مجوز اکران در سینماهای ایران را کسب نکرده و این محسن به عنوان روشنفکر و مخالف سیاست‌های فرهنگی نظام معرفی می‌شود. او که یک بسجی و به تعبیر خودش چریک اسلحه به دست بود و عدالت و آزادی را در میان سفیر رگیار یا زخم جاقوها جستجو می‌کرد، چنان تغییر می‌کند که بر جنازه‌ی باورهای پوسیده‌ی خود مرثیه می‌خواند. در فیلم «تان و گلدون» «محسن چریک» در به در دنبال پاسبانی می‌گردد که بع او آسیب رسانده است. در پایان فیلم بدین نتیجه می‌رسد که باید برای پاسبان (مخالف خود) به جای گلوله گل تعارف می‌کرد و او را در اغوش می‌فشرد. این تغییر آنقدر سریع و ناباورانه است که همه را در بهت فرو می‌برد. حالا دیگر محسن مخملباف، فیلمساز خوب نظام نیست که بخواد در تبلیغ ایدئولوژی انقلاب تلاش کند و از اینجاست که او یافی تلقی شده و از درون حاکمیت بیرون

محسن فرهنگی - کاش محسن مخملباف شبیه فیلم‌هایش بود. او در کتاب «گنگ خوابیده» تحول فکری خود را در چهار مرحله بررسی می‌کند. مرور آن چهار دوره نشان می‌دهد که وی در زندگی خود چگونه سرسخت و استوار بر خویش شوریده است. چگونه به مجسمه‌ای که خود و دیگران از او می‌ساختند یورش برده و بت خود را در پای معیارهای انسانی‌اش خرد کرده است. او با فیلم «توبه نصوح» یک بسجی خام و مذهبی است که همه چیز را در گستره‌ی مذهب معنی می‌کند و چنان تنگ‌نظرانه به جهان پیرامون خود می‌نگرد که کمتر کسی می‌تواند از روزنه‌های ال‌ک‌ایدئولوژیک او بیرون بجهد. آن محسن، بی‌نمازان را دشمن خدا فرض می‌کند. زنان آزاد و موافشان در باد را در مقابله با مذهب قلمداد می‌کند و آنقدر در درون مذهب متصلب ذوب می‌شود که از سخنانش انکار بیشتر خلق‌الله بیرون می‌چکد. در نگاه آن محسن همه کافرند مگر کسانی که مو به مو فرایض دینی را انجام بدهند! اما طولی نمی‌کشد که نگاه وی به هستی تغییر می‌کند. او با ساخت هر فیلم گامی به جلو برمی‌دارد و تحول بزرگ خود را به رخ همگان می‌کشد چندان که فیلم «توبه عاشقی» و «شبهای زاینده‌رود» مجوز اکران در سینماهای ایران را کسب نکرده و این محسن به عنوان روشنفکر و مخالف سیاست‌های فرهنگی نظام معرفی می‌شود. او که یک بسجی و به تعبیر خودش چریک اسلحه به دست بود و عدالت و آزادی را در میان سفیر رگیار یا زخم جاقوها جستجو می‌کرد، چنان تغییر می‌کند که بر جنازه‌ی باورهای پوسیده‌ی خود مرثیه می‌خواند. در فیلم «تان و گلدون» «محسن چریک» در به در دنبال پاسبانی می‌گردد که بع او آسیب رسانده است. در پایان فیلم بدین نتیجه می‌رسد که باید برای پاسبان (مخالف خود) به جای گلوله گل تعارف می‌کرد و او را در اغوش می‌فشرد. این تغییر آنقدر سریع و ناباورانه است که همه را در بهت فرو می‌برد. حالا دیگر محسن مخملباف، فیلمساز خوب نظام نیست که بخواد در تبلیغ ایدئولوژی انقلاب تلاش کند و از اینجاست که او یافی تلقی شده و از درون حاکمیت بیرون

حسین بتهوون، سازنده ۱۸۰ موسیقی فیلم بدون سواد موسیقی



حسین واثقی

دهان اجرا می‌کرد با ویلن می‌نوخت و می‌نوشت و برای ضبط تنظیم می‌کرد. حسین واثقی بعد از انقلاب در سال ۱۳۶۱ برای فیلم جانبازان موسیقی ساخت. او در سال ۱۳۶۳ همراه خانواده‌اش به اتریش و سپس به آمریکا رفت اما پس از چند سال به ایران بازگشت. در سال ۱۳۷۳ برای فیلم‌های «حال چه می‌شود»، «حامی»، «حسرت دیدار»، «سر بلند» و «مرضیه» موسیقی فیلم ساخت. او در سال‌های پایانی زندگی درباره فعالیت‌های خود در زمینه موسیقی گفته: بدون آنکه یک روز به کلاس موسیقی رفته باشم، نه نت می‌دانم و نه اینکه سازی می‌زنم. ۲۵۰۰ آهنگ و موزیک متن ساختم. تمام آثارم را با دهانم خلق کرده‌ام. بیشتر کارهایم در زمینه موسیقی فیلم بوده و ۱۷۰ قطعه از آهنگ‌هایم را آقای ایرج خواجه حسینی خوانده است.

حسین واثقی در دنیای موسیقی. او نه سواد موسیقی داشت و نه سازی می‌نوخت. حسین وقتی کار ساختن موسیقی فیلم را در جوانی شروع کرد فیلم را در استودیو برای وی نمایش می‌دادند و او با دست روی میز ضرب می‌گرفت، با دهانش ملودی می‌نوخت و یک نفر این صداها را به صورت دیکته موسیقی می‌نوشت و نت آن را تنظیم می‌کرد. حسین در سال ۱۳۱۴ در تبریز به دنیا آمد. از نوجوانی به موسیقی علاقه زیادی داشت و به پدرش گفت دوست دارد وارد این رشته شود اما پدر متعصب به او گفت اگر بخوای مطرب شوی سرت را می‌برم! او گفته بوده وقتی ۱۵ ساله بودم مادرم عازم سفر زبارتی به مشهد بود خیلی از او خواهش و تمنا کردم مرا هم با خود ببرد. آن روزها سفر از تبریز به مشهد یک هفته طول می‌کشید. در تهران چند روز منزل یکی از بستگان خانواده ماندیم بعد به مشهد رفتیم. دو هفته در آنجا بودیم اما در راه بازگشت به تهران به مادرم گفتم با او به تبریز باز نخواهم گشت. مادرم گفت پولی به او نمی‌دهم، به او گفتم مهم نیست ۵ ریال پول دارم. مادرم رفت. آدرس پسرخاله‌ام را داشتیم، پیش آنها رفتیم و چند روز بعد در یک ساعت‌سازی سرگرم کار شدم. بعد در تاترهای لاله‌زار شروع به خواندن کردم. آهنگی هم ساختم که بعدها آن را به ایرج خواننده معروف دادم. حسین کم کم وارد کار آهنگسازی و ساخت موسیقی فیلم می‌شود اما چون با نواختن هیچ سازی آشنا نبوده و نت‌نویسی هم نمی‌دانسته شیوه عجیبی ابداع می‌کند. علی‌عظیمی نژاد منتقد موسیقی به خبرنگاری این‌لنا گفته از اسماعیل واثقی برادر حسین شنیده است که وقتی شعری را به او می‌دادند ظرف نیم ساعت ملودی آن را آماده می‌کرد. حسین اسماعیل را که در زندگی

حسین واثقی پدیده‌ای است استثنایی در دنیای موسیقی. او نه سواد موسیقی داشت و نه سازی می‌نوخت. حسین وقتی کار ساختن موسیقی فیلم را در جوانی شروع کرد فیلم را در استودیو برای وی نمایش می‌دادند و او با دست روی میز ضرب می‌گرفت، با دهانش ملودی می‌نوخت و یک نفر این صداها را به صورت دیکته موسیقی می‌نوشت و نت آن را تنظیم می‌کرد. حسین در سال ۱۳۱۴ در تبریز به دنیا آمد. از نوجوانی به موسیقی علاقه زیادی داشت و به پدرش گفت دوست دارد وارد این رشته شود اما پدر متعصب به او گفت اگر بخوای مطرب شوی سرت را می‌برم! او گفته بوده وقتی ۱۵ ساله بودم مادرم عازم سفر زبارتی به مشهد بود خیلی از او خواهش و تمنا کردم مرا هم با خود ببرد. آن روزها سفر از تبریز به مشهد یک هفته طول می‌کشید. در تهران چند روز منزل یکی از بستگان خانواده ماندیم بعد به مشهد رفتیم. دو هفته در آنجا بودیم اما در راه بازگشت به تهران به مادرم گفتم با او به تبریز باز نخواهم گشت. مادرم گفت پولی به او نمی‌دهم، به او گفتم مهم نیست ۵ ریال پول دارم. مادرم رفت. آدرس پسرخاله‌ام را داشتیم، پیش آنها رفتیم و چند روز بعد در یک ساعت‌سازی سرگرم کار شدم. بعد در تاترهای لاله‌زار شروع به خواندن کردم. آهنگی هم ساختم که بعدها آن را به ایرج خواننده معروف دادم. حسین کم کم وارد کار آهنگسازی و ساخت موسیقی فیلم می‌شود اما چون با نواختن هیچ سازی آشنا نبوده و نت‌نویسی هم نمی‌دانسته شیوه عجیبی ابداع می‌کند. علی‌عظیمی نژاد منتقد موسیقی به خبرنگاری این‌لنا گفته از اسماعیل واثقی برادر حسین شنیده است که وقتی شعری را به او می‌دادند ظرف نیم ساعت ملودی آن را آماده می‌کرد. حسین اسماعیل را که در زندگی

● حقوق زنان و اقلیت‌های مذهبی در کنار تشکیل نهادهای مدرن، بر تارک خدمات دو پادشاه پهلوی می‌درخشد. همان حقوقی که سال‌هاست از رژیم‌گدایی می‌شود که اتفاقاً با همین هدف آمد که آنها را از میان بردارد! پس، آنکه از آغاز در برابر جمهوری اسلامی، حتا پیش از تأسیس آن، ایستاده بود، نه «روشنفکران» و مدعیان آزادی و عدالت بلکه اتفاقاً پهلوی‌ها بودند! امروز نیز خطر نه از سوی شخصیتی آزادی‌خواه که فرصتی باقی‌مانده از همان سلسله تجددطلب است، بلکه در ادامه و بقای رژیم است که به مانع اصلی پویایی و شکوفایی کشور و جامعه تبدیل شده است.

● آنکه از آغاز در برابر جمهوری اسلامی، حتا پیش از تأسیس آن، ایستاده بود، اتفاقاً آن «پدر و پسر» بودند!

از چه می‌ترسید؟! آمدن پادشاه یارفتن جمهوری اسلامی!؟



محمدرضاشاه (ولیعهد) و رضاشاه پهلوی در یک مدرسه دخترانه در مازندران

گذاشته شده است، به بهترین شکل و محتوای ممکن اجرا کند. چرا نقش و موقعیت «شاهزادگی» مهم است؟ اتفاقاً به همان دلیلی که بسیاری از کینه‌جویان آن را سر و ته مطرح می‌کنند: ایران دو هزار و پانصد سال تاریخ مدون پادشاهی دارد که پس از حمله اعراب و در طول هزار و چهارصد سال تسلط اسلام بر ایران نیز ادامه داشته است. کسانی که «اسلام» را به مثابه یک فرهنگ، به دلیل پیشینه هزار و چهارصد ساله از ایران نازدودی می‌شمارند، نمی‌توانند مدعی زدودن فرهنگی شوند که نه تنها دست کم هزار سال پیش از آن قدمت دارد، بلکه پایه پای آن و به مراتب پربرتر از آن در جامعه حضور تعیین‌کننده داشته و دارد.

همین که هر چه زمان گذشت، موضوع شاهزاده رضا پهلوی بیشتر برای جمهوری اسلامی و منتقدان و مخالفان آن مطرح شد، نشان می‌دهد که نمی‌توان با انکار واقعیت حکم به نبودن آن داد.

موضوع شاهزاده رضا پهلوی از یک زاویه تاریخی و نقش روحانیت نیز اهمیت پیدا می‌کند و آن اینکه تا پیش از انقلاب اسلامی، نهاد روحانیت در کنار نهاد پادشاهی، حتا پیش از اسلام، در دوران موبدان زرتشتی، از اعتبار و منزلتی برخوردار بود که جمهوری اسلامی آن را به گونه‌ای گسترده و تصویب‌ناپذیر بر باد داد. هیچ عجب نخواهد بود اگر بخشی از روحانیت، که من فکر می‌کنم هر چه می‌گذرد بر شمار آنها افزوده خواهد شد، به دنبال باز یافتن امنیت و اعتبار دین و نهاد خویش در کنار نهاد پادشاهی باشد.

در این صورت یک بار دیگر شاهد جایجایی جمهوری خواهان صد درصدی خواهیم شد که برای دفاع از «جمهوری» به زیر عبا این رژیم خواهند رفت چرا که در تناقضی که خودشان نیز قادر به توضیح‌اش نیستند، این حکومت، به هر حال، «جمهوری» است! کدام تناقض است که اینان نمی‌توانند توضیح دهند؟ این، که وقتی از جمهوری‌هایی نام می‌برید که بدتر از هر سلطنت هستند، اینان مدعی می‌شوند: اینها که جمهوری نیستند! از جمله جمهوری اسلامی هم جمهوری نیست! ولی وقتی خودشان در برابر انتخاب یک پادشاهی ممکن و یک جمهوری اسلامی عملاً موجود قرار می‌گیرند، این جمهوری را ترجیح می‌دهند! این نازل‌ترین سطح برخورد از سوی کسانی است که مشکل‌شان ظاهراً فقط یا نام «جمهوری» است یا پهلوی‌هایی که هیچ جمهوری واقعی نمی‌تواند به بررسی تاریخ معاصر ایران بپردازد و دستاوردهای سلسله آنان را نادیده بگیرد!

امروز، خطر نه از سوی شاهزاده رضا پهلوی که بیشتر یک فرصت باقی‌مانده از همان سلسله‌ای است که در برابر بنیانگذاران جمهوری اسلامی می‌ایستاد، بلکه در بقا و ادامه جمهوری اسلامی است. شاهزاده رضا پهلوی را باید به مثابه امکانی سنجدید که بدون وی صحنه سیاست ایران قطعاً نه تنها پررتر نخواهد شد بلکه انصراف یا نبود وی، آن را بسی حقیر خواهد کرد چرا که همچنان با همان گروه‌های قانونی و غیرقانونی روبرو خواهیم بود که تا کنون بوده‌ایم و جز خطا و خیانت از آنها ندیده‌ایم. شاید تنها فرصت یک همگرایی فراتر از خود، که شاهزاده رضا پهلوی برای آن تلاش می‌کند، بتواند آنها را از طلسم ناکامی‌های مکرر برهاند. فرصتی که می‌تواند جامعه را به سوی شرایطی هدایت کند که هر کس این امکان را بیابد که با رأی خود راه را به سوی دموکراسی بگشاید. ولی من می‌دانم آنها از این رأی هم می‌ترسند مگر آنکه مانند خمینی اطمینان داشته باشند که به حساب آنها ریخته خواهد شد! اینجاست که شاهزاده رضا پهلوی از نظر ادعا و تعهد به دموکراسی یک سر و گردن بالاتر از آنها قرار می‌گیرد زیرا بدون داشتن آن اطمینان به صراحت و بدون اگر و مگر اعلام کرده است بر رأی مردم، هر چه باشد، گردن خواهد نهاد!

۱۳ ژانویه ۲۰۱۲

شدند و به قدرت رسیدند چه بر سر ملت و مملکت آوردند. این، مظفرالدین شاه بود که با امضای فرمان مشروطیت، ضربه محکمی بر قدرت فاسد روحانیت در حکومت فرود آورد و پهلوی‌ها بودند که در عمل و با اقدامات ترقی خواهانه

ایستاد، «روشنفکران» و احزاب و گروه‌های چپ و آتئیست و مذهبی ملی مدعی آزادی نبودند، بلکه پهلوی‌ها بودند که اتفاقاً هم دیکتاتور شده بودند و هم به دین اسلام و شیعه جعفری اثنی عشری ارادت داشتند! با

به این ترتیب، آنکه از آغاز در برابر جمهوری اسلامی، حتا پیش از تأسیس آن، ایستاده بود، اتفاقاً آن «پدر و پسر» بودند! کسی که نخواهد این واقعیت را ببیند، این را نیز درک نمی‌کند که اگر بی‌درنگ پس از انقلاب مشروطه،

در مورد اینکه شاه باید سلطنت کند و نه حکومت، باید قانون اساسی مشروطه را رعایت می‌کردند و در مورد «مذهب رسمی» کشور با توجه به اقدامات حقوقی و اصلاحاتی که از جمله در زمینه حقوق زنان و اقلیت‌های مذهبی انجام می‌گرفت، باید آن را زیر پای نهادند!

این اما بر عهده تاریخ‌نویسان است که با توجه به شرایط آن دوران و نفوذ روحانیت در دستگاه سیاسی کشور، به بررسی این تز بپردازند که آیا پهلوی‌ها می‌توانستند بدون زیر پا گذاشتن اصل سلطنت، به محدود کردن قدرت آخوندهایی بپردازند که در ساختار سیاسی و دستگاه دولتی و امنیتی نفوذ داشتند و هراسان از تغییر و تحولاتی که می‌دیدند، به پشتوانه همان «مذهب رسمی» می‌خواستند همچنان احکام شریعت را در جامعه اعمال کرده و نفوذ خود را حفظ نمایند؟!؟

آن دو پهلوی در برابر رژیم کنونی ایستادند!

کسانی که انقلاب مشروطه را می‌ستایند اما سلسله پهلوی را در ادامه آن انقلاب نه تنها آگاهانه قیچی می‌کنند بلکه حتا مصیبت‌های آینده را نیز به گردن آن می‌اندازند، از یک سو نقش تفکر کج و معوج و ویرانگر خود را در شکل‌گیری جمهوری اسلامی و بقای آن منکر می‌شوند و از سوی دیگر نشان می‌دهند که نه تنها تاریخ نمی‌دانند و از آن نمی‌آموزند، بلکه از مباحث حقوقی و فلسفی «مستولیت» و «علت و معلول» نیز بی‌خبرند.

دوران پهلوی هنوز از حافظه معاصر جامعه فراموش نشده است. حقوق زنان به ویژه کشف حجاب و حق رأی که هر دو نه یک تصمیم فردی و خودسرانه بلکه پاسخ به نیاز و خواست موجود در جامعه رو به ترقی ایران بود، به همراه حقوق اقلیت‌های مذهبی در کنار شکل‌گیری نهادهای مدرن سیاسی و قضایی، بر تارک خدمات دو پادشاه پهلوی می‌درخشد. همان حقوقی که جمهوری اسلامی با خشونت تمام زیر پای نهاد و «روشنفکران» کوردل و تاریخ‌ستیز سال‌هاست آن را از رژیم‌گدایی می‌کنند که اتفاقاً با همین هدف آمد که آنها را از میان بردارد!



آتاتورک و رضاشاه



رضاشاه و همسر و دخترانش، ۱۷ دی ۱۳۱۴

خود در برابر این رژیم ایستادند، آن هم پیش از آنکه احزاب و گروه‌های سیاسی ایران دست چپ و راست خود را بشناسند. ولی همین احزاب و گروه‌ها و «روشنفکران» در برابر پهلوی‌ها و شخصیتی مانند دکتر شاپور بختیار، دست به دست هم دادند و در مقابل روح‌الله خمینی یا همان شیخ فضل‌الله نوری هفتاد سال پیش از انقلاب اسلامی، پشت خم کردند و این رژیم را روی کار آوردند و با این همه نه تنها از زیر بار مسئولیت سنگین خود در می‌روند بلکه حتا یک بار نیز یادآوری نمی‌کنند که ادعاهای آنان تا کنون همگی پوچ و ناکام مانده‌اند!

این پهلوی یک فرصت دیگر است من تا کنون از رضا پهلوی به مثابه یک شخصیت سیاسی عمدتاً بدون عنوان «شاهزاده» نام می‌بردم. ولی در



محمدرضاشاه و شهبانو فرح پهلوی



شاهزاده رضا پهلوی

اقدامات ترقی خواهانه و ایستادگی شاهان پهلوی در برابر زیاده‌خواهی آخوندها و روحانیت نبود، ایران در چنگ «رتجاع سرخ و سیاه» درست مانند افغانستان، یا طعمه کودتای روسی (بهار ۱۳۵۶) می‌شد و یا پیچیده در چاقچور به دامن طالبان وطنی می‌افتاد. این، بنییه نیرومندشدن جامعه ایرانی به ویژه زنان در دهه‌های پس از انقلاب مشروطیت و در دوران پهلوی بود که اجازه نداد حکومت اسلامی به شیوه طالبان در ایران پیاده شود. تلاشی که جمهوری اسلامی همچنان از آن دست بر نداشته و همان بنییه به یادگار مانده از رژیم پیشین است که در برابر آن مقاومت می‌کند. به، تلخ است، ولی حقیقت تاریخی است که آنکه در برابر خمینی و زمامداران بعدی جمهوری اسلامی

سقوط پرابهام: گروهی از فعالان و پژوهشگران محیط زیست مسافر هواپیمای آسمان بودند



عکس آرشیوی از هواپیمای ART متعلق به شرکت هواپیمایی آسمان

شرح است: محمد فهیمی، کارشناس حیات وحش در NGO خزندگان پارس و خواهرزاده هوشنگ ضیایی از پیشکسوتان حوزه محیط زیست علی فرزانه، از فعالان سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور سیدرضا فاطمی‌طلب، محقق کشاورزی و منابع طبیعی و عضو گروه محیط زیست دانشگاه آباد احمد چرمیان، عضو گروه محیط زیست دانشگاه آباد خلیل‌انگران، عضو گروه محیط زیست دانشگاه آباد مژگان نظری، دانش‌آموخته مقطع کارشناسی ارشد در رشته برنامه‌ریزی، مدیریت و آموزش محیط زیست و از فعالان این حوزه پنهان بزرگ، سرپرست نمایندگی حفاظت محیط زیست شهرستان بیله‌سوار

تا ۱۷ هزارپایی کم شده است. بعضی کارشناسان مطرح کرده‌اند که خلیان در موقعیت اورژانسی قرار گرفته که چنین درخواستی که در نمونه‌های مشابه در چنین شرایطی تقاضای فرود شده اما مسؤولان سازمان هواپیمایی جمهوری اسلامی در این باره سکوت کرده‌اند.

وبسایت خبری «کن نیوز» که یکی از برجسته‌ترین پایگاه خبری حوزه صنایع هوایی در ایران است و از نزدیک سانحه را دنبال می‌کند به نقل از متخصصان مسائل مشکوک دیگری را نیز مطرح کرده است. متخصصان پرسیده‌اند «چرا با وجود پیدا نشدن هواپیمای ATR هیچ نهاد و یا سازمان و یا کارشناسی از سیستم ELT این هواپیمای حرفی نمی‌زند؟ طبیعتاً با وجود سیستم ELT و ارسال سیگنال، پیدا کردن موقعیت هواپیمای کار سختی نیست مگر اینکه:

۱. ELT هواپیمای خراب بوده باشد.
۲. اصلاً ELT نصب نبوده که کاملاً از موارد تخلف به شمار می‌رود.
۳. آبنومان دریافت سیگنال‌های ELT به شرکت‌های متبوع پرداخت نشده و در نتیجه ELT شرکت آسمان از لیست دریافت‌کنندگان سیگنال حذف شده باشد.
۴. در آخرین خبرها، طبق اعلام رییس اورژانس، هلی‌کوپترهای امدادی در محل حضور دارند اما هنوز لاشه هواپیمای پیدا نکرده‌اند. رئیس اورژانس پزشکی کهگیلویه و بویراحمد گفته است «هنگام گشت‌زنی در ارتفاعات روستای بیده بیش از ۱۰ نقطه سیاه را مشاهده کرده‌ام ولی اینکه به طور حتم لاشه هواپیمای باشد، قطعی نیست.» این شایعه که احتمال دارد هواپیمای پیش از برخورد با کوه در آسمان منفجر شده باشد نیز مطرح شده است.
۵. کارشناسان هواشناسی داده‌اند فرود سه‌شنبه، یکم اسفند، برف و کولاک دوباره در منطقه آغاز خواهد شد و بارش برف در ارتفاعات منطقه تا ۱۰ روز آینده بیش از یک متر خواهد شد و اگر امدادگران تا فردا موفق به پیدا کردن بقایای هواپیمای نشوند، با توجه به مدفون شدن هواپیمای زیر برف بعید است بشود بعداً به راحتی آن را پیدا کرد.
۶. در این مدت نمونه‌گیری ژنتیک از خانواده سرنشینان هواپیمای آغاز شده است. صدا و سیما جمهوری اسلامی گزارش داده بخشی از کوهستان دچار بهمین شده و برف و بوران در ارتفاعات کار را برای پرواز هلی‌کوپترها بسیار سخت کرده است.
۷. همزمان با سفر عباس آخوندی وزیر راه که به محل سانحه رفته و عملیات جستجو را زیر نظر دارد ایسنا نوشته است که طرح استیضاح دو وزیر تقدیم هیات رییس مجلس شده و در صورتی که ربیعی و آخوندی استعفا ندهند این استیضاح‌ها به جریان می‌افتد.

● با اعلام اسامی جان باختگان سقوط هواپیمای مشخص شده دست‌کم ۱۶ فعال محیط زیست مسافر این پرواز نافرجام بودند.

● متخصصان صنعت هواپیمای خواسته‌اند که مسؤولان پاسخ دهند چرا از سیستم ELT برای ردیابی محل سقوط استفاده نمی‌شود؟

با گذشت بیش از ۲۴ ساعت از سقوط هواپیمای متعلق به شرکت «آسمان» در کوهستان‌های جنوب اصفهان، تا روز دوشنبه، ۳۰ بهمن، ساعت ۱۴:۰۰ (به وقت محلی) تیم‌های امدادی موفق به پیدا کردن بقایای آن نشدند.

این در حالیست که خبرگزاری‌های رسمی به نقل از معاون پشتیبانی استاندار کهگیلویه و بویراحمد خبر دادند که لاشه هواپیمای در منطقه دنگزولو در پادانای سمیرم پیدا شده اما دقایقی بعد تکذیب شد.

سقوط این هواپیمای مسافربری با ۶۵ سرنشین پر از ابهام است. در شرایطی که نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی و مشخصاً سازمان اطلاعات سپاه گروهی از فعالان زیست محیطی را به اتهام واهی جاسوسی و اقدامات امنیتی بازداشت کرده و مرگ مشکوک کاووس سیدامامی فعال شناخته‌شده‌ی محیط زیست در زندان اوین همچنان در صدر اخبار قرار دارد با اعلام فهرست مسافران پرواز تهران- یاسوج مشخص شده تعداد زیادی از آنها از فعالان و کارشناسان و پژوهشگران محیط زیست بوده‌اند.

این خبر را اولین بار محمدرضا تابش رییس فراکسیون محیط زیست مجلس شورای اسلامی ساعاتی بعد از سقوط هواپیمای اطلاعاتی‌های عنوان کرد و بدون اشاره به اسامی و تعداد فعالان محیط زیست که در سانحه هوایی یاسوج کشته شده‌اند نوشت: «حادثه تأسف‌بار سقوط هواپیمای در مسیر یاسوج که منجر به جان باختن ده‌ها تن از سرنشینان و کادر هدایت‌کننده هواپیمای شد، و جمعی از متخصصان متعهد و از خود گذشته محیط زیست و منابع طبیعی که در روزهای اخیر با حضور در مجلس شورای اسلامی از تلاشگران این عرصه و فعالیت‌های آنها مستنداً دفاع نمودند را به کام مرگ کشید، موجب تأسف و تأثر فراوان شد.»

سرنخ‌های که تابش داد باعث شد تا رسانه‌های داخل ایران روی موضوع حساس شوند و در نهایت معلوم شد دست‌کم هفت نفر از کشته‌شدگان دارای فعالیت رسمی در حوزه محیط زیست بوده‌اند و تعدادی دیگر از آنها سابقه فعالیت زیست محیطی داشتند. اسامی و موقعیت شغلی و اجتماعی این جان‌باختگان سانحه‌ی سقوط هواپیمای به این

در درگیری‌های خیابان پاسداران ۵ نفر کشته و ۳۰۰ نفر دستگیر شدند



درگیری در اطراف محل زندگی نورعلی تابنده «قطب» در اویش گنابادی

کرده تلاش ماموران برای مذاکره با سران معترضین و جمع‌آوری آنها از بی‌نتیجه ماند.

سختگوی پلیس تهران گفته است: در اعتراضات در اویش گنابادی در خیابان پاسداران روز دوشنبه سه نفر از نیروهای انتظامی و دو عضو بسیج کشته شدند.

سردار منتظرالمهدی در کانال تلگرام خود نوشته خرافه‌پرستان همکاران ما و دو مامور بسیج را به شدت کتک زدند و با اتومبیل زیر گرفتند. در این حوادث مامور دیگری نیز با ضربات چاقو از پای درآمد. سی مامور پلیس هم در این زد و خوردها مجروح شدند.

وی افزوده درگیری‌ها ساعت ۴ صبح پس از بازداشت ۳۰۰ تن از تظاهرکنندگان خاتمه یافت. او تأکید

ادعای سختگوی هیات رییس مجلس:

بازداشت «دراویش سارق» علت درگیری‌های پاسداران بوده!



ویدئو

«برای دیدن ویدئو، روی عکس کلیک‌نموده و بایه‌سایت کیهان لندن مراجعه‌نمایید.»

مدارای حداکثری نیروهای عملیاتی به ویژه نیروی انتظامی قردانی کرد» و تهدید نمود که «برخوردهای خشونت‌آمیز و اهانت به پلیس را که حافظ نظم و امنیت جامعه است، به هیچ وجه تحمل نمی‌کنیم.»

روحانی با اشاره به لزوم احترام به همه عقاید و افکار و پذیرش تنوع‌های فکری و فرهنگی، رفتارهای خشونت‌آمیز از طرف هر گروهی را به شدت محکوم کرد. البته معلوم نیست چرا دولت روحانی با تکیه بر گزارش وزارت اطلاعات بر لزوم احترام به همه عقاید تأکید می‌کند اما در مقابل، نهادهای امنیتی دیگر در اویش را متهم به سرقت می‌کنند و اعتراضات مسالمت‌آمیز آنها را به خشونت می‌کشاند.

اتهام سرقت به درویش در حالیست که در هفته‌های اخیر به فعالین بازداشت شده محیط زیست اتهام جاسوسی زده شده و به معترضان نیز گفته شده که مزدوران خارجی و کشورهای بیگانه هستند و همچنین ادعا شده که بازداشتی‌ها و زندانی‌هایی که جان خود را به مرگ مشکوک در زندان‌ها از دست داده‌اند، معتاد بوده و خودکشی کرده‌اند!

اعتراضات در اویش در تهران تا شب سه‌شنبه هم ادامه داشت. تصاویری که به تدریج از درگیری‌های دوشنبه و سه‌شنبه در تهران منتشر می‌شود حاکی از آن است که تنها مربوط به درگیری در اویش نبوده و شهروندان زیادی به این اعتراضات پیوسته‌اند. ویدیوها نشان می‌دهد گروه زیادی از مردم علیه رژیم شعار داده‌اند از جمله شعارهایی علیه فرزند‌خامنه‌ای با این مضمون که «مجتبی بمری رهبری رو نبینی» و «بسیجی بی‌شرف حیاکن، حیاکن».

درگیری در اویش پس از تلاش نیروهای سپاه برای بازداشت نورعلی تابنده قطب در اویش گنابادی که منزل او در خیابان پاسداران تهران است آغاز شد. در اویش اعلام کردند بازداشت او خط قرمز ماست و اگر قرار به این کار باشد نظام باید هزینه آن را با گذشتن از روی اجساد ما پرداخت کند.

● از نگاه جمهوری اسلامی در اویش «سارق» هستند، فعالین محیط زیست جاسوس‌اند و معترضان اوباش و معتاد.

● حسن روحانی در جلسه هیات دولت از «مدارای حداکثری نیروی انتظامی» در برخورد با درویش قردانی کرده و گفته برخوردهای خشونت‌آمیز با پلیس را به هیچ وجه تحمل نمی‌کنیم.

● نورعلی تابنده قطب در اویش در بیانیه‌ای از فقرا خواسته به تهران نیاند.

● خبرها حکایت از جان‌باختن تعدادی از درویش زخمی در بیمارستان دارد.

گروهی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی روز چهارشنبه، دوم اسفند، با مسؤولان انتظامی و اطلاعاتی استان تهران برای بررسی اعتراضات اخیر در اویش گنابادی در گلستان هفتم پاسداران [خیابان سلطنت‌آباد سابق] و درگیری‌های خونین آنها با پلیس و بسیج تشکیل جلسه دادند.

به گزارش خبرگزاری خانه ملت بهروز نعمتی سختگوی هیات رییس مجلس گفته «لاریجانی در این نشست درباره اغتشاشاتی که توسط درویش گنابادی رخ داده بود، گزارشی ارائه داد که شامل اقداماتی است که نیروی انتظامی و دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی انجام داده‌اند.»

آنطور که نعمتی گزارش داده و قبل از او هم سختگوی پلیس اعلام کرد، در این درگیری‌ها ۳۰۰ نفر از درویش دستگیر شده و ۳ نفر از بسیج کشته و ۳۵ نفر از نیروهای انتظامی نیز زخمی شده‌اند.

سختگوی هیات رییس مجلس مدعی شده «بازداشت درویش سارق» علت درگیری‌های خیابان پاسداران بوده و کسی که ماموران نیروی انتظامی را با اتوبوس زیر گرفته برادر سارق بازداشت شده بوده است. صدا و سیما جمهوری اسلامی پیش از برگزاری نشست غیرعلنی مجلس همین گزارش را به همراه تصاویر درگیری‌ها در بخش‌های مختلف خبری پخش کرد و مدعی شد در اویش مرتکب سرقت شده بودند و گروهی از آنها برای نجات سارقین که در حال انتقال به کلانتری بود درگیری را آغاز کردند.

موضوع درگیری در اویش و امنیتی‌ها به نشست روز چهارشنبه هیات دولت کشید. در این جلسه وزرای کشور و اطلاعات از حوادث اخیر گزارش دادند و حسن روحانی با تسلیت به خانواده‌های ماموران کشته شده «از مدیریت سنجیده و

زنان شاخص

درایه درخشش



درایه درخشش فرزند دکتر محمد درخشش است که در دوران محمدرضا شاه پهلوی برای مدتی سمت وزیر فرهنگ را داشت. او از پنج سالگی در مدرسه فرانسوی تهران به آموختن زبان فرانسه پرداخت و از همان کودکی با ذوق و اشتیاقی که به تدریس آن زبان از خود نشان می‌داد، روشن بود که در آینده این حرفه را دنبال خواهد کرد. دکتر درخشش از دانشگاه سوربون پاریس دانشنامه فوق لیسانس و دکتری خود را دریافت کرد. تحقیق و پژوهش وی به‌ویژه درباره ادبیات فرانسه در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم است. درایه درخشش علاوه بر نوشتن چندین کتاب به زبان فرانسه از جمله «و زولا زن را آفرید»، «امابواری اسرارآمیز»، «شباهت‌های نوشته‌های صادق هدایت با آثار چند نویسنده فرانسه»، مؤلف ده‌ها مقاله و نقد کتاب نیز می‌باشد. او همچنین نخستین مترجم اشعار فروغ فرخزاد به زبان فرانسه است. او درحال حاضر مشغول نوشتن کتاب

عوامل عجیب ابتلا به بیماری های قلبی

چاقی و عدم تحرک، این عوامل تنها عواملی نیستند که می‌توانند خطر ابتلا به انسداد شراین را افزایش دهند. بسیار اتفاقی افتاده که عوامل به ظاهر بی‌خطر مانند زندگی عاشقانه، چگونگی گذراندن دوران کودکی و حتی سنی که اولین قاندهای تان رخ داده است می‌تواند بر خطر بیماری های قلبی موثر باشد. اگر واقعا تمایل دارید خطر ابتلا به بیماری های قلبی را در خود کاهش دهید، نباید فقط به عوامل خطر زایی که همه با آنها آشنایی دارند توجه کنید بلکه همچنین باید عوامل عجیب و غریب را نیز مد نظر داشته باشید. در ذیل متخصصین قلب و عروق، عوامل خطر زایی که هر زن لازم است بداند را به اشتراک گذاشته اند.

۱. قاندهای در سن کمتر از ۱۲ سال هر چه زودتر به بلوغ برسید، خطر ابتلا به بیماری های قلبی در شما افزایش می‌یابد. در واقع یافته های جدید قلب نشان داده اند زنانی که اولین قاندهای شان قبل از دوازده سال بوده است، احتمال ابتلا به بیماری های قلبی شان ۱۰ درصد بیشتر از افرادی است که در سن ۱۳ سال یا بالاتر آن را تجربه کرده اند.

۲. مصرف قرص های رژیمی به گفته بسیاری از خانم ها قرصهای رژیمی اثری ندارند. اما بدتر از بی اثر بودن ممکن است شما را به کشتن دهند. هر قرصی دارای یک اثر تحریک کننده است، از جمله آنها قرص های رژیمی هستند که ممکن است به قلب آسیب برسانند. این قرص ها فشار خون و ضربان قلب را بالا برده و سبب بروز حالت استرس در قلب می شود.

۳. اخیرا به آنفولانزای خونی مبتلا شده اید براساس یافته های منتشر شده در مجله پزشکی نیو انگلند؛ ابتلا به آنفولانزا خطر حمله قلبی را شش برابر حداقل یک سال پس از آلوده شدن افزایش می‌دهد. اگر هنگام دراز کشیدن به سختی نفس می‌کشید یا پس از سرماخوردگی و آنفولانزا دچار تورم شده اید، فوراً به بیمارستان مراجعه کنید. برخی عفونت‌های باکتریایی و ویروسی ممکن است به قلب شما حرکت کنند و سبب بروز بیماری قلبی یا حتی نارسایی شوند.

۴. تنها هستتید طبق اطلاعات منتشر شده در مجله قلب؛ احساس تنهایی و انزوای اجتماعی خطر ابتلا به بیماری های قلبی را ۳۰ درصد افزایش می‌دهد مانند کاری که مصرف دخانیات انجام می دهد. خوشبختانه پیشگیری از عوامل خطر زای بیماری‌های قلبی کار بسیار راحتی می باشد. توصیه می شود شبکه‌های اجتماعی را کنار

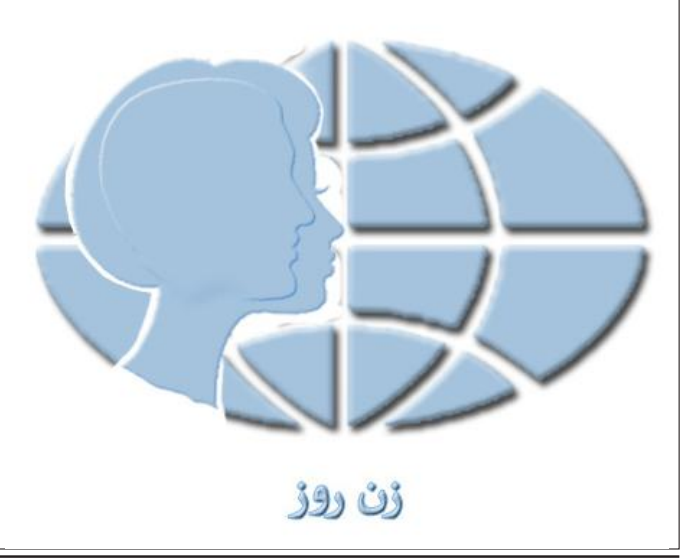


خاصیت های درمانی گردو

گردو از بهترین دانه های روغنی سرشار از خاصیت است که مزایای فراوانی برای سلامتی ما دربردارد. برای پیشگیری از آلزایمر می‌توانید از گردو استفاده کنید. افراد دیابتی بهتر است در وعده های غذایی خود از این دانه روغنی بیشتر استفاده کنند. گردو میوه درختی دارای سه پوست جداگانه است که هر کدام خواص خاص خود را دارند مثلا پوست سبز گردو در رنگرزی استفاده می‌شود. قسمت خوراکی آن مغز گردو است که دارای ترکیبات روغنی بسیار غنی و سرشار از ویتامین های A, B, E و از همه مهمتر املاحی نظیر آهن، روی، فسفر و مس دارد. از دیدگاه طب سنتی گردو در درجه دوم گرمی و در درجه اول خشکی قرار دارد هر چه خشک شود، حرارت آن زیاد شده و از رطوبت آن کاسته می‌شود. مغز گردو بسیار لطیف بوده و به هضم غذا کمک می‌کند و داروی مقوی معده به شمار می‌رود. خوردن گردو با انجیر کوبیده در رفع یبوست افراد بسیار موثر است و به عنوان ضد سم محسوب می‌شود. گردو از داروهای بسیار خوب برای تقویت مغز به شمار می‌رود و در رفع فراموشی کمک کننده است؛ گردو با انجیر و مویز در افراد با سن بالا توصیه می‌شود و برای تقویت بارداری نیز مفید است. گردو بسیار مغذی و سرشار از املاح معدنی و ملین بوده و برای افراد دیابتی نیز توصیه می‌شود. خوابیدن در زیر درخت گردو با توجه به پخش کردن برخی ترکیبات فرار توسط درخت، توصیه نمی‌شود. روغن گردو برای بیماری‌های سردرد، فلج و درد مفاصل ناشی از سردی توصیه می‌شود. مصرف زیاد گردو موجب جوش صورت و بیماری‌های ناحیه دهان (زورم لوزه‌ها و بثورات دهانی) می‌شود و مصلح گردو آب انار و رب انار است.

بر اساس بررسی ارائه شده در نشست علمی سالانه انجمن قلب و عروق آمریکا در سال ۲۰۱۷، افسردگی نه تنها خطر ابتلا به بیماری‌های قلبی، بلکه خطر مرگ بر اثر بیماری قلبی را دو برابر افزایش می‌دهد. مشخص نیست دقیقا چه ارتباطی میان آنها وجود دارد اما افرادی که افسرده هستند اغلب کورتیزول بالا دارند که با بیماری قلبی مرتبط است.

۹. به عنوان یک کودک از شما سوء استفاده شده بود زنانی که سه رویداد جراحی یا بیشتر را در کودکی تجربه کرده اند،



زن روز



سیمین بهبهانی

من با تو ام ای رفیق! با تو همراه تو پیش می‌نهم گام در شادی تو شریک هستم بر جام می‌تو می‌زنم جام... پیوند گذشته های پر رنج اینسان به توام نموده نزدیک هم بند تو بوده ام زمانی در یک قفس سیاه و تاریک رنجی که تو برده ای ز غولان بر چهر من است نقش بسته زخمی که تو خورده ای ز دیوان بنگر که به قلب من نشسته تو یک نفری... نه! بشمارای هر سو که نظر کنم، تو هستی...

چطور با پول کم لباس های زیادی داشته باشیم

تمایل به پوشیدن لباس‌های مشابه داشته باشید، سعی کنید همین تکه لباس‌های تکراری را با هم منطبق و ترکیب کنید. مثلا شلوار سیاه یا سفید را با پیراهن سیاه و سفید بپوشید. از کمر بند استفاده کنید. ژاکت و شلوار بپوشید. بلوز رنگی و ژاکت را با هم ترکیب کنید. شما براحتمی‌توانید با ترکیب و تطبیق لباس‌هایی با طیف‌های مخالف و مختلف به یک تیپ و ظاهر جدید برسید.

زیورآلات خود را بازسازی کنید

به عنوان مثال، گردنبندهای قدیمی خود را دوباره استفاده کنید. یک روبان زیبا به انتهای هر کدام آنها بزنید. یک تکه جدید به آنها بیفزایید. به کیف دستی خود پارچه رنگی اضافه کنید. این کارها شکل جدیدی به وسایل قدیمی

آماده می‌کنند. با پیوستن به لیست ایمیل فروشگاه‌های مورد علاقه‌تان می‌توانید از حراج‌های فصلی آنها باخبر شوید. به طور معمول فروشگاه‌ها در ماه مارس فروش بهاری را آغاز خواهند کردند و در ماه آوریل نیز همچنان این حراجی‌ها ادامه دارد. جولای ماه‌های پاییز در ماه سپتامبر تا اکتبر آغاز خواهد شد. فروش زمستانی دقیقا پس از جشن شکرگزاری آغاز خواهد شد و حراج در دوران تعطیلات ابتدایی سال ادامه خواهد یافت.

خرید از انبار فروشگاه‌ها

برخی از فروشگاه‌ها ممکن است کارت ویژه خریداران همیشگی را به شما بدهند و این امکان را فراهم کنند تا از تخفیف ویژه برخوردار شوید.



شما می‌دهد. کیف دستی خود را عوض کنید شما به راحتی می‌توانید به نزدیکترین مغازه تعمیر کیف بروید و تکه‌های جدیدی به کیف قدیمی خود اضافه کنید. تعمیر و بازسازی کیف منجر به کاهش هزینه برای تهیه وسایل تازه می‌شود. خلاقیت بیشتری در نوسازی کیف خود به خرج دهید و کیف‌های کهنه برند را نیز چنان بازسازی کنید که دیگر قدیمی به نظر نرسند.

کلاسیک‌ها را فراموش نکنید

اگر روی لباس‌های کلاسیک سرمایه‌گذاری کنید، هرگز پشیمان نمی‌شوید. این لباس‌ها در هر فصلی قابل استفاده هستند و هرگز از مد نمی‌افتند. کلاسیک‌ها اگر چه کمی گران‌تر از لباس‌های مد روز هستند ولی شکل و رنگ کلاسیک‌ها چنان ماندگار و همیشگی است که ارزش هزینه‌شان را دارد. به این ترتیب می‌توانید بیش از یک فصل از آنها استفاده کنید.

شما همچنین می‌توانید لباس‌های قدیمی خود را به این مغازه‌ها بدهید تا برای کمک به فقرا استفاده کنند و مبلغی را نیز به شما می‌پردازند. این کار باعث می‌شود تا مبلغ اندکی برای به روزرسانی کمدلباس‌های خود داشته باشید.

زیورآلات تزئینی جدید بخرید

داشتن ظاهری متنوع به معنای خرید مکرر لباس نیست. شما می‌توانید با تغییر زیورآلات تزئینی خود راحت‌ترین راه را برای به روز رسانی کمد لباس خود و مد روز بودن انتخاب کنید. می‌توانید زیورآلات ارزان‌قیمت بخرید و با لباس‌های قدیمی خود اضافه کنید. این کار باعث می‌شود تا ظاهر قدیمی خود را بشکنید و بودجه زیادی را هم هدر ندهید. معمولا داشتن زیورآلات و کیف‌های کوچک جالب برای تغییر خوب باشد.

ترکیب و مطابقت

لباس‌های خود را ترکیب و مطابق‌سازی کنید. اگر همیشه

باید موارد ساده زیر را داشته باشید: یک لباس سیاه و سفید، یک پیراهن سفید، یک ژاکت ساده، دامن پایین زانو، شلوار سیاه، یک شلوار جین، یک پیراهن راه راه، یک ژاکت بلند، یک جفت کفش پاشنه‌دار، یک جفت چکمه، یک جفت کفش عروسکی، یک جفت کفش مناسب مهمانی و یک کیف دستی.

این فهرست پایه و اساس هر کمد لباس خوب است. به طور معمول، می‌توانید این موارد را با هم ترکیب و مطابقت دهید تا لباس‌های گوناگون و متنوعی برای هر مناسبت و مهمانی داشته باشید، آن هم بدون هزینه زیادی که برای خریدن لباس‌های جدید باید کرد. پس مطمئن شوید که این لباس‌ها را در خانه دارید.

مزایای خریدهای پایان فصل

فروشگاه‌ها در پایان هر فصل به طور فزاینده‌ای کالاهای قدیمی خود را به حراج می‌گذارند و محصولات جدید فصل آینده را

مانند مورد سوء استفاده قرار گرفتن، شاهد آسیب دیدن دیگران بودن، قربانی درگیری بودن سندرم قلبی را در بزرگسالی افزایش می‌دهد. در حالی که متخصصان هیچ نظری در خصوص اینکه چرا این ارتباط وجود دارد ندارند، همچنان یک دلیل دیگر برای مبارزه با زخم های احساسی وجود دارد.

۱۰ اختلال بیش فعالی کمبود توجه

داروهای رایجی که برای درمان اختلال بیش فعالی کمبود توجه استفاده می‌شوند، محرک هستند و می‌توانند ضربان قلب و فشار خون شما را افزایش دهند و فشار بیشتری به قلب شما وارد نمایند. درحالی که لازم است تحقیقات بیشتری در این خصوص صورت گیرد، بررسی منتشر شده در BMI استفاده ی طولانی مدت از داروهای اختلال بیش فعالی کمبود توجه، خطر ابتلا به بیماری های قلبی را در کودکان افزایش می‌دهد. با پزشک خود در مورد وزن و خطرات احتمالی این داروها صحبت کنید.

۸. افسرده هستتید

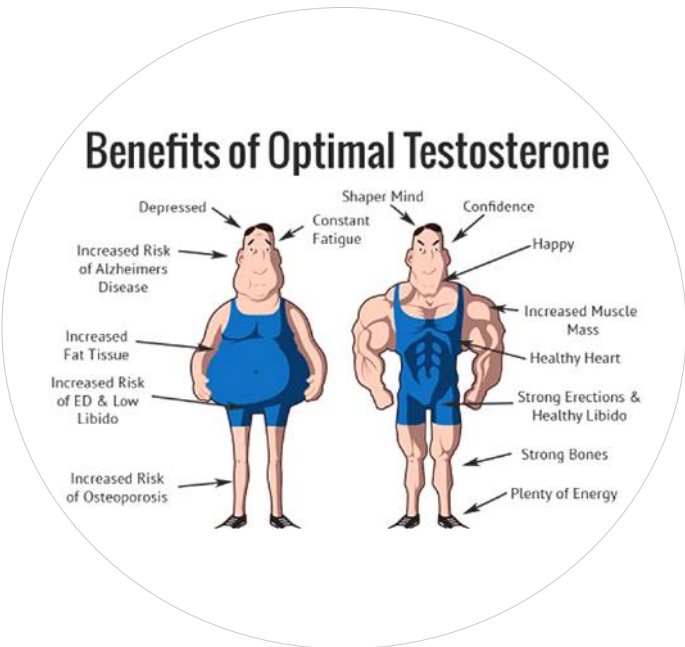
مردان شاخص



محمد حجازی (۱۳۵۲ - ۱۳۷۹)

محمد حجازی، نویسنده، رمان نویس، نمایشنامه‌نویس، مترجم، سیاست‌مدار و روزنامه‌نگار معاصر ایرانی بود. سید محمد حجازی، ملقب به مطیع‌الدوله، فرزند نصرالله مستوفی، پدرش مستوفی دربار قاجار بود. محمد حجازی تحصیلات مقدماتی خود را در مدرسه سن لویی در تهران انجام داد. پس از گذراندن دوران تحصیلی متوسطه به فرانسه رفت در آنجا دانشنامه مهندسی در تلگراف بی‌سیم گرفت و پایان‌نامه خود را در برلین به فارسی ترجمه کرد. در مراجعت به ایران به استخدام وزارت پست و تلگراف درآمد. سپس عهده‌دار سمت‌های مختلفی شد، از جمله مدیر مجله «ایران امروز» و «پست و تلگراف» و تلفن، شد و مقالات خود را در نشریات آن زمان بخصوص باباشمل، به چاپ می‌رساند. حجازی صاحب سبکی نو و دلنشین در نویسندگی است همین امر او را در زمره (زیگموند فروید)

نویسندگان درجه اول قرار می‌دهد. داستان‌ها و نمایشنامه‌های زیر اثر برجسته اوست: هما، پریچهر، زیبا، آئینه، پروانه، آهنگ، نسیم، محموداقا را وکیل کنید، هزار سخن، آرزو، میهن ما، خلاصه تاریخ ایران، پیام ساغر، زیبا، شادکامی. محمد حجازی کتب زیر را نیز ترجمه نموده است: حکمت ادیان، شادکامی، سلامت روح، رشد شخصیت و رؤیا (زیگموند فروید)



تستوسترون و رفع مشکلات روحی

دانشمندان هلندی درباره ساخت نوشیدنی مخصوصی که به افراد خجالتی کمک می‌کند با اعتماد به نفس تر باشند، خیر دادند. این دارو امکان می‌دهد افراد از هراس اجتماعی خلاص شوند. اختلال اضطراب اجتماعی در ترس افراد از موقعیت‌های اجتماعی تظاهر می‌کند، در عین حال آن‌ها حتی ممکن است دچار ترس پانیک شوند. این مشکل، متخصصان از دانشگاه نیمینگن هلند را نگران کرد، و آنها توانستند برای آن راه حل پیدا کنند. دانشمندان می‌گویند: نوشیدنی حاوی چند قطره تستوسترون اعتماد به نفس را بالا می‌برد و روحیه فرد را بهبود می‌بخشد. شایان ذکر است دانشمندان هلندی به اطلاعات بدست آمده از یک تحقیق در سال ۲۰۱۲ استناد کردند، در آن زمان مشخص شد سطح تستوسترون در بزاق افراد دچار ترس اجتماعی به طور قابل توجهی کمتر از میزان طبیعی است. دانشمندان از دانشگاه نیمینگن ۳۸ زن را به دو گروه مساوی تقسیم کردند، در یکی از آن‌ها زنان مبتلا به این اختلال وجود داشت و در گروه دیگر چنین افرادی نبود. پس از مصرف نوشیدنی حاوی تستوسترون به زنان دچار ترس اجتماعی شروع به نشان دادن عکس‌های صورت افراد کردند و آنها را زیر نظر گرفتند که آیا از تماس چشمی اجتناب می‌کنند یا خیر. اجتناب از تماس چشمی یکی از خصوصیات ویژه اختلال اجتماعی است. همچنین به این زنان پلاسبو (شبه دارو) دادند. سپس نتایج را مقایسه کردند. معلوم شد آن‌ها پس از مصرف این نوشیدنی کمتر از تماس چشمی اجتناب کردند. آزمایش مشابه در گروه دوم انجام شد، اما در آن گروه هیچ تغییری مشاهده نشد. دانشمندان قصد دارند این آزمایش را در آینده نزدیک بر روی مردان انجام دهند.



فریدون فرخزاد

مشکل نبود اول در عشق جان سپردن چون عشق رفت از دست رفت ارزوی مردن گفتم که زندگی چیست گفتا یکی اشاره گفتم که نیک باشد در ساحتش فسردن ساعات روز و هفته چون ماه و سال گردند سرگشته میتواند هر لحظه را شمردن با آسمان بگویی مرغ بلند پرواز میل غنودنش نیست در اشیانه من پرواز او بلند است اما زمانه درسی است کز بیز شاهوارش چشمی نبوده ایمن ما را ببین و بگذر ما باد پاییم جان بر تو میسپارم بر حسرت زمین تن چون عشق رفت از دست میل کتابت امد اما دگر مرا نیست حرفی برای گفتن

کدام یک از اعضای بدن غیر حیاتی هستند؟

که برداشتن هر دو بیضه می‌تواند منجر به افزایش امید به زندگی در مردان شود. **روده بزرگ** (colon) روده بزرگ یا کولون (colon) لوله ای به طول ۱٫۸ متر است و وظیفه اصلی آن، جذب آب و آماده سازی مدفوع از طریق فشردن است. ابتلا به سرطان یا سایر بیماری‌ها می‌تواند منجر به برداشتن بخش یا تمام روده بزرگ شود. به افراد پس از عمل جراحی برداشتن روده، رژیم غذایی نرم توصیه می‌شود تا روند بهبودی به طور کامل طی شود. **کیسه صفرا** (Gallbladder) در زیر کبد و سمت راست بالای شکم، درست در زیر دنده‌ها قرار دارد. صفرا به طور مداوم برای کمک به تجزیه چربی تولید می‌شود و زمانی که برای صفرا برای هضم نیاز نباشد، درون کیسه صفرا ذخیره می‌شود.

است. عدم تشخیص و درمان به موقع منجر به مرگ فرد می‌شود. وقتی به داخل طحال نگاه می‌کنید، (این اندام) دارای دو رنگ قابل توجه است: رنگ قرمز تیره و رنگ سفید. قرمز، مسئول ذخیره سازی و بازیافت گلبول‌های قرمز است و سفید مرتبط با ذخیره سازی گلبول‌های سفید و پلاکت است. امکان ادامه حیات بدون طحال وجود دارد؛ به این دلیل که کبد نقش مهمی در بازیافت گلبول‌های قرمز و اجزای آن ایفا می‌کند. به طور مشابه، بافت‌های لنفوئیدی در بدن به عملکرد ایمنی طحال کمک می‌کنند. **معده** (stomach) چهار عمل اصلی: هضم مکانیکی از طریق منقبض شدن، هضم شیمیایی از طریق آزاد کردن اسید معده برای کمک به تجزیه غذا، جذب و ترشح را انجام می‌دهد. تروما یا ابتلا به سرطان، دلایل

برخی از اعضای بدن غیر حیاتی هستند و اگر آن‌ها در بدن نباشند مشکل خاصی برای ادامه زندگی به وجود نخواهد آمد. اندام‌های مانند طحال، معده و روده بزرگ غیرحیاتی هستند و می‌توان بدون آن‌ها هم زندگی کرد. روده بزرگ یا کولون (colon) لوله ای به طول ۱٫۸ متر است و وظیفه اصلی آن، جذب آب و آماده سازی مدفوع از طریق فشردن است. ابتلا به سرطان یا سایر بیماری‌ها می‌تواند منجر به برداشتن بخش یا تمام روده بزرگ شود. به افراد پس از عمل جراحی برداشتن روده، رژیم غذایی نرم توصیه می‌شود تا روند بهبودی به طور کامل طی شود.



هنگامی که چربی را تشخیص می‌دهد، هورمونی آزاد می‌شود که باعث منقبض شدن کیسه صفرا و رها شدن صفرا درون روده برای کمک به هضم چربی می‌شود. ایجاد سنگ صفرا می‌شود. سنگ‌های صفراوی با عمل جراحی موسوم به کولسیستکتومی برای خارج کردن کیسه صفرا درمان می‌شود. **آپاندیس** (appendix) یک ساختار کرمی شکل در محل تقاطع روده بزرگ و کوچک است. در حال حاضر اعتقاد بر این است که این زائده، محل امنی برای باکتری‌های خوب روده است. با توجه به ماهیت آپاندیس (انتهای بن بست این زائده)، زمانی که محتوای روده وارد آن می‌شود، خارج شدن از آن دشوار بوده و منجر به التهاب آپاندیس می‌شود. که به آن، آپاندیسیت گفته می‌شود. در موارد حاد، با انجام عمل جراحی، زائده آپاندیس خارج می‌شود.

خارج کردن معده از بدن محسوب می‌شوند. زمانی که معده برداشته می‌شود، جراحان مستقیماً مری را به روده کوچک پیوند می‌زنند. به مرور، این دسته از افراد می‌توانند رژیم غذایی طبیعی همراه با مکمل‌های ویتامین داشته باشند. **اندام‌های تولید مثل** (reproductive organs) در زنان و مردان شامل بیضه‌ها و تخمدان‌ها هستند. این اندام‌ها جفت بوده و افراد با یک بیضه یا تخمدان سالم هم می‌توانند صاحب فرزند شوند. در مردان، سرطان، تروما ناشی از درگیری، ضربات در ورزش یا تصادفات رانندگی، علت‌های اصلی برداشتن بیضه محسوب می‌شوند. در زنان، انجام عمل هیستروکتومی (برداشتن رحم و تخمدان در اثر ابتلا به سرطان) باعث توقف چرخه قاعدگی پیش از دوره یائسگی می‌شود. در زنان، برداشتن تخمدان‌ها منجر به کاهش امید به زندگی نمی‌شود، اما برخی مطالعات نشان می‌دهند

شود تا روند بهبودی به طور کامل طی شود. بدن انسان فوق‌العاده انعطاف‌پذیر است. هنگامی که یک واحد خون اهدا می‌کنید، حدود ۳٫۵ تریلیون گلبول قرمز از دست می‌دهید، اما بدن به سرعت آنها را جایگزین می‌کند. برخی اندام‌ها نیز وجود دارند که در نبود آنها، بدن همچنان می‌تواند به فعالیت خود ادامه دهد. به عنوان مثال، افراد می‌توانند با نیمی از مغز، زندگی نسبتاً طبیعی داشته باشند. برخی اندام‌ها دیگر نیز در بدن وجود دارند که بدون آنها، فرد همچنان می‌تواند به زندگی خود ادامه دهد. این دسته از اندام‌ها، اندام‌های غیر حیاتی (non vital organs) نامیده می‌شوند. **طحال** (spleen) در سمت چپ شکم و در زیر دنده‌ها قرار دارد. این اندام اغلب در نتیجه جراحت و آسیب دیدگی برداشته می‌شود. از آنجا که طحال در نزدیکی دنده‌ها قرار دارد، مستعد ترومای شکمی



لوازم آرایشی را آزمایش نمی‌کنند. از سوی دیگر، اداره غذا و دارو خطرات احتمالی مواد شیمیایی مانند فتالات برای سلامتی را در وبسایت خود منتشر کرده است. در این بخش آمده که پس از انجام مطالعات متعدد و بررسی داده‌های موجود، این سازمان قادر به یافتن یک اصل علمی برای حمایت از اقدام قانونی علیه مواد آرایشی حاوی فتالات شده است. بدتر از همه، شرکت‌هایی که محصولات معطری و بهداشتی تولید می‌کنند، حتی مجبور نیستند که همه مواد اولیه محصولات خود را افشا کنند. چرا که براساس قانون‌های تجاری، این شرکت‌ها مجبور نیستند همه عناصر محصولات خود را که به عنوان راز تجاری استفاده می‌کنند، افشا کنند. پس در نهایت نمی‌توانید مطمئن باشید که لیست طولانی از مواد شیمیایی که در قفسه محصولات بهداشتی و آرایشی خود دارید، به جز خوشبو و خوش تیپ کردن شما خاصیت خوب دیگری داشته باشند.

برنامه ملی سم‌شناسی ایالات متحده، گزارشی درباره استایرن، یک ماده شیمیایی که در تعدادی از کالاهای مصرفی از جمله مراقبت شخصی و محصولات خانگی ساخته شده است، منتشر کرد. در این تحقیقات "شواهد قانع کننده‌ای" وجود دارد که استایرن می‌تواند منجر به بروز سرطان در بدن انسان شود. تحقیقات در حیوانات مصرف‌کننده این ماده نشان داده که استایرن با بروز مشکلات ریه، پستان، معده و سرطان کبد مرتبط است. رابین داودسون یک دانشمند محقق در سازمان پژوهشی غیر انتفاعی سازمان محیط زیست در آمریکا، می‌گوید: این مهم است که در مورد استایرن بیشتر مطلع باشیم اما صدها مواد شیمیایی رایج دیگری وجود دارد که ممکن است سرطان‌زا باشند. او گفته که ما درباره دیگر مواد محصولات بهداشتی و آرایشی اطلاعاتی نداریم، زیرا آنها را آزمایش نکرده‌ایم.

که آنها صدای زنگ خطر بالقوه این ماده شوینده شیمیایی را به صدا در آوردند. محصولات معطر و شیمیایی برای سلامتی چه خطراتی دارند؟ دکتر اشتاین‌من استاد مهندسی دانشگاه ملبورن استرالیا می‌گوید: مشکلات تنفسی، حملات آسم، سردرد میگرنی، سرگیجه، خارش، تهوع و بسیاری از دیگر مشکلات فیزیکی مشکلاتی هستند که استفاده از محصولات بهداشتی و آرایشی شیمیایی بوجود می‌آورند. در مطالعه‌ای که سال ۲۰۱۷ توسط اشتاین‌من صورت گرفته، حتی این نتیجه بدست آمده که ۳۳ درصد از مردم استرالیا بواسطه استفاده از محصولات معطر مانند خوشبوکننده هوا و پاک‌کننده‌ها دچار میگرن و حملات آسم شده‌اند. با اینکه شاید این نتایج غیرواقعی بنظر برسند، ولی اشتاین‌من فارغ از این تحقیق نیز نسبت به محصولات رایج بهداشتی ابراز نگرانی می‌کند. دکتر هدر پاتیسال استاد علوم

دبیر کمیته المپیک:

آموزش لازم به ورزشکاران و مربیان برای روبرو نشدن با اسرائیل داده شود!



علیرضا کریمی یکی از ستاره‌های کشتی ایران که سیاست زندگی او را دستخوش حاشیه و شکست کرده است

شاهرخ شهنازی دبیر کمیته ملی المپیک ایران در یک مصاحبه زنده تلویزیونی گفت اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسیم و با ورزشکاران آنها نیز روی سکو نمی‌رویم. در حالی که کشتی ایران به دلیل سیاسی کاری‌های جمهوری اسلامی و مسابقه ندادن با ورزشکاران اسرائیل در آستانه تعلیق قرار گرفته و با دوندگی‌های رسول خادم و خوش‌شانسی و ارفاق اتحادیه جهانی کشتی به جای تعلیق با محرومیت شش ماهه علیرضا کریمی و محرومیت دو ساله حمیدرضا جمشیدی مربی تیم کشتی آزاد موقتاً نجات پیدا کرده، مسئولان ورزش ایران اما همچنان روی مواضع غیرورزشی و سیاسی- عقیدتی خود پافشاری می‌کنند.

دبیر کمیته المپیک چهارشنبه، دوم اسفند، در یک مصاحبه تلویزیونی تاکید کرد که باید در خصوص عدم مبارزه با ورزشکاران اسرائیلی، آموزش لازم به ورزشکاران، مربیان و سرپرستان تیم‌های ما داده شود تا در مواقع پیشتر رسول خادم، رئیس فدراسیون کشتی ایران گفته بود «اگر سیاست کشور بر به رسمیت

نشاختن اسرائیل و عدم مبارزه با ورزشکاران اسرائیلی است، پس پنهانی به حریف قبلی باختن و برای تهیه گواهی بیماری، به درمانگاه‌ها و پزشکان خارج از کشور مراجعه کردن، چه معنایی دارد؟»
در واکنش به این موضع‌گیری وثوق احمدی عضو کمیته حقوقی اتحادیه جهانی کشتی در گفتگو با ایسنا تاکید کرده اگر یک بار دیگر موضوع رو در رو نشدن کشتی‌گیران ایران با

دیپورت «مدافع حرم» و لیدر پرسپولیس از فرودگاه دوحه



اسماعیل بیگی در استادیوم آزادی تهران



اسماعیل بیگی کلاشنیکف به دست در خیابان‌های سوریه

● **عباس اسماعیل بیگی همان لیدری است که علی دایی را وقتی سرمربی تیم پرسپولیس بود همراه با توهین مورد تهدید قرار داد.**
● **نام اسماعیل بیگی به گفته خودش در لیست سیاه قرار دارد.**

عباس اسماعیل بیگی لیدر و مدیر کانون هواداران تیم فوتبال پرسپولیس که برای حضور در اردوی این تیم به قطر رفته بود توسط مسئولان فرودگاهی این کشور دیپورت شد.
رسانه‌های جمهوری اسلامی از جمله فارس و پایگاه خبری شبکه العالم این اقدام را عجیب توصیف کردند، اما این را هم نوشتند که او مدتی «مدافع حرم» بوده و برای جنگ به سوریه اعزام شده و نام اسماعیل بیگی در لیست سیاه قرار دارد.

خود اسماعیل بیگی در یک پیام ویدیویی که از فرودگاه دوحه داده اعلام کرده نامش در لیست سیاه قرار دارد: کانون هواداران دو باشگاه استقلال و پرسپولیس سال ۱۳۸۶ با هدف سازماندهی هواداران دو تیم تحت نظارت «دفتر امور فرهنگی سازمان تربیت بدنی» تشکیل شد و لیدرهای اصلی دو تیم تحت کمیته‌ای سازماندهی شدند تا بتوانند از طریق آنها بر اعمال و رفتار تماشاگران به‌خصوص شعارهای گروهی در ورزشگاه‌ها نظارت کنند.

به بعضی از این لیدرها به پاس خوش‌خدمتی امتیازات ویژه‌ای داده می‌شود از جمله همراهی رایگان با تیم‌های باشگاهی و تیم ملی فوتبال در سفرهای خارجی و اسکان رایگان و حقوق‌های ماهیانه که با توجه به اینکه بسیاری از آنها از اقشار ضعیف



نجمه خدمتی

فروردین ماه باید به مسابقات جام جهانی کره برویم و در اردیبهشت‌ماه آینده هم رقابت‌های جهانی مونیخ در پیش است. این مسابقات در واقع مرحله انتخابی بازی‌های آسیایی جاکارتا است. نجمه افزوده امیدوارم مشکل فشنگ هرچه زودتر حل شود تا بتوانیم مدال بگیریم. در حال حاضر استعدادهای خوبی به جمع ما پیوسته‌اند.

نجمه خدمتی عضو تیم تیراندازی زنان ایران و دارنده مدال طلای آسیا می‌گوید تیراندازان ایران بعد از سال‌ها حضور در رقابت‌های بین‌المللی همچنان برای تهیه فشنگ و تمرین مشکل دارند. او گفت: برای شرکت در بازی‌های آسیایی دو ماه است در اردو هستیم ولی نداشتن فشنگ برای تمرین مانند اردوهای گذشته در سال‌های پیش است. آخر

بازیکن تیم ملی والیبال:

وضع لیگ دختران بسیار افتضاح است



مهسا صابری

مهسا صابری بازیکن تیم ملی والیبال بانوان ایران و تیم بهمنیر مازندران گفته: لیگ والیبال خانم‌ها در فصل جاری بسیار افتضاح است و از شروع لیگ انتخاب بین بد و بدتر بود و نمی‌توانستیم انتخاب خوبی داشته باشیم.

تیم‌ها پول نداشتند و یا اینکه اولین سال حضور آنها در لیگ بود و انتخاب ما درست شبیه هندوانه سر بسته بود. بهترین پیشنهاد به من نسبت به سال گذشته بسیار کمتر بود.

متأسفانه مجبور شدم با تیمی قرارداد بنویسم که هیچ‌گونه شناختی نسبت به آن نداشتم ولی خوشبختانه نتایج خوبی به دست آوردیم.

خادم: برای روبرو نشدن با اسرائیلی‌ها در ۸ مسابقه آینده «سحر»ی بلد نیستیم!

ندارد، بلکه آنقدر عقب می‌ایستند که اصلاً دیده نشوند. آن وقت در صفحات داخلی و خارجی شبکه‌های اجتماعی می‌بینی که به علیرضا کریمی ناسزا گفته‌اند، مربی‌اش را تحقیر کرده‌اند و فدراسیونش را بی‌عرضه خوانده‌اند.

خادم افزوده خیلی جالب است پس از چنین اتفاقاتی فدراسیون کشتی در داخل کشور از سوی مراجع مسئول، با خط و خطوط دادن به بعضی رسانه‌ها چوب می‌خورد که چرا کشتی‌گیر شما قرعه‌اش با کشتی‌گیر صهیونیستی افتاده و فدراسیون نتوانسته است با کمک الهامات غیبی این مسئله را قبل از قرعه‌کشی حل کند؟! وی افزود خلاصه کلام اینکه ۸ مسابقه جهانی در پیش داریم، ۸ بار قرعه‌کشی، هیچ «سحر»ی بلد نیستیم تا قرعه را تغییر دهیم. اگر توان مردانه ایستادن پای اعتقادات و تصمیماتتان را ندارید، حداقل پای کشتی‌گیر و مربی‌اش بایستید. بگذارید بدون منت کشتی از دیگران، با حفظ عزت، صادقانه تعلیق شویم و یا اگر معتقد نیستید، حداقل حرف جدیدی بزنید.

وی در پایان گفت: سه سال شبانه‌روز زحمت کشیدیم تا توانستیم برای کشتی ایران با نهایت عزت، در انتخابات اتحادیه جهانی کشتی کرسی را صاحب شویم. کرسی که قرار بود کرسی دفاع از حقوق کشتی ایران باشد. کرسی کمک به توسعه کشتی در دنیا، کرسی کمک به حفظ کشتی ایران و کرسی خواهش و تقاضا، برای جلوگیری از تعلیق کشتی ایران.

من توانایی نشستن بر چنین کرسی را ندارم. من می‌نویسم از کرسی «عدم تفاهم» یا «تفاوت افتکار» کناره‌گیری کردم. شما بخوانید «کرسی خواهش»، «کرسی انفعال».



مهدی صابری

یکدیگر روبرو شوند. نکته قابل توجه این است که با اتفاقی که در جریان کشتی کریمی در لهستان اتفاق افتاد دیگر نمی‌توانیم گواهی پزشک تهیه کنیم. دیگر نمی‌توانیم به حریف پیشین ببازیم بلکه باید بر اساس سیاست‌های کشورمان رسماً از روبرویی با رقیبان اسرائیلی خودداری کنیم و صادقانه تبعات ناشی از آن را بپذیریم. بعد هم به دنبال هزینه کردن همه داشته‌های بین‌المللی خود نباشیم که ما را تعلیق نکنند.

خادم اضافه کرده چگونه می‌توان عضو هیئت رئیسه اتحادیه جهانی کشتی بود و تمام اندوخته حاصل از مناسبات بین‌المللی خود را به جای کمک به بهبود شرایط، موقعیت فنی کشتی کشور، کمک به ارتقاء جایگاه ایران در داور، کاهش حق‌کشی‌ها، کمک به توسعه کشتی در دنیا و حفظ کشتی در ایران و خواهش برای تعلیق نشدن کشتی ایران و اجازه ادامه فعالیت و حضور کشتی کشور خود در عرصه بین‌المللی کرد؟

نکته جالب‌تر اینکه همه کسانی که مسئولان اصلی این تصمیم‌گیری هستند در این شرایط نه تنها کوچک‌ترین نقشی در کمک به ورزشکار، مربی و فدراسیون مربوطه

از منت کشیدن از اعضای فدراسیون جهانی کشتی خسته شده‌ام.

به دنبال محرومیت شش ماهه علیرضا کریمی کشتی‌گیر وزن ۶۸ کیلوگرم تیم ملی و ۲ سال محرومیت مربی او از حضور در رقابت‌های بین‌المللی و رهایی کشتی ایران از تعلیق، رسول خادم رئیس فدراسیون کشتی که در ماه‌های اخیر برای جلوگیری از تعلیق کشتی ایران به هر راهی متوسل و به هر دری زده است روز دوشنبه گفت: اگر سیاست حکومت بر به رسمیت نشناختن ورزشکاران اسرائیلی و عدم روبرویی با تیم‌های منتخب آن کشور است پس باختن پنهانی به حریف پیشین و مراجعه کردن به پزشکان ایرانی خارج از کشور برای تهیه گواهی بیماری یا ضرب‌خوردگی چه معنایی دارد؟! اگر قرار است روبرو نشدن با قهرمانان ورزشی اسرائیل اصل باشد پس چرا باید زمین و آسمان را به هم دوخت و هر آنچه داشت هزینه کرد تا بتوان برای توجیه چرایی حاضر نشدن مقابل حریفان اسرائیلی برای نهادهای بین‌المللی که به لطف ارسال فوری تمامی اخبار از داخل کشور مستنداتی بیش از ما در اختیار دارند از تنبیه و تعلیق گریخت؟

خادم که با خبرگزاری ایسنا صحبت می‌کرد گفت: برای اطلاع مردم عزیز ایران از تیرماه سال ۱۳۹۷ تا حدود مهرماه همین سال، کشتی ایران ۸ مسابقه جهانی در رده‌های نوجوانان، جوانان، امید و بزرگسالان در رشته‌های آزاد و فرنگی پیش رو دارد. در تمامی این هشت مسابقه تیم‌های کشتی اسرائیل حضور خواهد داشت. کشتی‌گیران ما نیز در این مسابقه‌ها شرکت می‌کنند و ممکن است با

در آستانه دربی تهران تعمیرات سکوهای استادیوم آزادی تمام نشده



تعمیرات تونل ورزشگاه آزادی

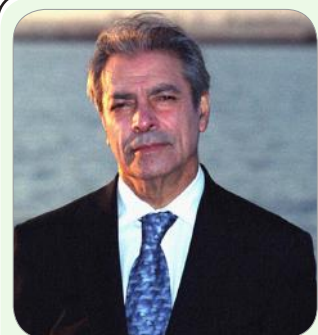
در حالی که دربی دو تیم فوتبال استقلال و پرسپولیس قرار است پنج‌شنبه، ۱۰ اسفند، برگزار شود، هنوز تعمیرات سکوی تماشاگران در طبقه دوم استادیوم آزادی (آریامهر) ضلع شمال غربی تمام نشده است.

بازسازی اساسی این استادیوم از خرداد ۱۳۹۶ آغاز شد. یک ماه قبل از آغاز این تعمیرات فرهاد نیکوخصل مدیر مجموعه ورزشی آزادی قول داد پروژه بازسازی در عرض هفت ماه یعنی ماه آذر تمام شود و کل هزینه آن ۱۶۰ میلیارد تومان برآورد شد.

ترمیم و نصب صندلی‌های طبقه دوم نیز ۱۲ آبان شروع شد اما با گذشت این مدت هنوز پروژه به اتمام نرسیده و از آنجا که این تعمیرات سمت طرفداران تیم پرسپولیس است خیلی از آنها نگرانند که مثل دربی دور رفت، نتوانند بازی را داخل استادیوم ببینند چون ظرفیت بلیت‌فروشی به هواداران

عدم تعمیر و بی‌توجهی به نگهداری مناسب و نبود ورزشگاه جایگزین باعث شده استادیوم آزادی چهار دهه بار فوتبال ایران را بر دوش بکشد بدون آنکه در این مدت تعمیر و تیمار شود.

این تیم کاهش می‌یابد. ساخت استادیوم صدهزار نفری تهران با طراحی عبدالعزیز فرمانفرمایان در ۲۶ مهرماه ۱۳۵۰ آغاز شد و ۱۰ شهریور ۱۳۵۳ و همزمان با بازی‌های آسیایی سال ۱۹۷۴ تهران افتتاح شد.



داریوش همایون
(۵ مهر ۱۳۰۷، تهران - ۸ بهمن ۱۳۸۹، ژنو)

داریوش همایون روزنامه‌نگاری برجسته، نظریه‌پردازی جستجوگر و نوچو، و سیاستمداری ملی‌گرا و میهن‌دوست بود که بر نقش موثر ایران در مناسبات منطقه‌ای و جهانی آگاهی داشت. وی سال‌های طولانی در روزنامه‌های معتبر ایران قلم زد و از بنیانگذاران اصلی روزنامه‌ی «آیندگان» بود که صفحه‌ای نوین در تاریخچه‌ی روزنامه‌نگاری ایران گشود. همایون مهارت روزنامه‌نگاری و تسلط خود بر زبان فارسی را با ایده‌های سیاسی خویش در هم آمیخت و از دهه‌ی ۳۰ خورشیدی به این سو، نوشته‌هایی از خود بر جای گذاشت که بنا بر شرایط موجود در خاورمیانه، بسیاری از آنها همچنان معتبرند و گویی همین امروز نگاشته شده‌اند. مقالات قدیمی‌وی در دهه‌های سی تا پنجاه خورشیدی همچنین بازتاب مستند موقعیت سیاسی و اجتماعی ایران هستند. از همین رو ما به بازنشر گلچینی از آثار داریوش همایون می‌پردازیم که در سال‌های تبعید پس از انقلاب ۵۷ با کیهان لندن نیز همکاری نزدیک داشت. مقالاتی که در این ستون می‌خوانید، از آرشیو کیهان لندن انتخاب شده‌اند.

جائی که می‌توان گفت بدان دست کم اهمیتی به‌اندازه بحران خطرناک اتمی می‌دهند. علاوه بر اقدامات گسترده سرکوبگرانه، بیشتر سیاست‌های داخلی احمدی‌نژاد مستقیم یا نا مستقیم به جنبش سبز ارتباط دارد. بستن دانشگاه‌ها، تعطیل علوم انسانی، بردن دانشگاه‌ها از تهران و تلاش برای کاستن از جمعیت تهران از آن جمله است. برداشتن یارانه‌ها که خانواده‌ها را مستقیماً دست به دهان حکومت خواهد کرد از این نظر نیز در اولویت قرار گرفته است. پیروزی در این پیکار پیروزی همه خواهد بود زیرا هدف، رساندن فرد فرد ایرانیان به حقوق برابر انسانی است. آزاد کردن همگان است که دنبال مقاصد شخصی خود - با حفظ حقوق دیگران - برونند. در ایران از بابت پشتیبانی عمومی از جنبش سبز نگرانی نیست و در بیرون اگر هم در جاهائی نباشد اهمیتی ندارد. بهتر است ما دیگر در بند کسانی نباشیم که روشن‌ترین نقطه امیدشان شکست خوردن جنبش سبز یا از آن بدتر حمله آمریکا به ایران است. می‌دانم که ما در بیرون هستیم و طبعاً به بیرون توجه داریم. ولی نگاه به منظره کلی ما را از این دلمشغولی نیز آزاد خواهد کرد.

● زیر فشار و قدرت تخریب حکومت اسلامی که کشور را هر چه بیشتر به قعر می‌برد، قابل تصور و حتا قابل درک است که بخشهایی از مردم در هراس بدتر شدن اوضاع و به‌امید متوقف ساختن روند از هم پاشی شیرازه‌های کشور به دنبال نیروهائی برونند که وعده «تغییر سریع» می‌دهند.

- ما هنوز چگونگی تغییر سریع و راه ماینر را از کسی نشنیده‌ایم. هر تغییری سریع از بیرون می‌تواند بیاید. بدترینش جنگ و کم زبان‌ترینش تحریم صادرات نفت ایران (که با بودن چینی‌ها آن نیز اثر لازم نخواهد کرد). پارهای تغییرات سریع از وضع کنونی بدتر خواهند بود. مردم ما کنترلی به چنان راه حل‌ها ندارند و می‌باید به نیروی خود تکیه کنند. بدتر شدن اوضاع احتمالی است که برخلاف سال ۵۷ پشت بسیاری ذهن‌هاست و هیچ مبالغه‌ای در آن نیست. سناریوهای بدتر از جمهوری اسلامی نیز هست و ما علاقه‌ای به گزینش میان آنها نداریم مگر واداران کنند.

● نیروها و گرایش‌های خواهان دگرگونی ایران بسیار گوناگونند و هر کدام منطق این تغییر و راه‌های آن را در دستگاه فکری و سیاسی خود و هدفهایی که برگزیده‌اند می‌بینند، می‌فهمند و می‌خواهند. از طرفداران چه انتظاری غیر از این می‌توان داشت؟ چگونه می‌توان هم جزئی از دستگاه فکری و گرایش سیاسی بود و هم پرسشگر و منتقد آن؟

- چیکه این پرسش امکان و توانائی انتقاد از خویش‌تن و فاصله گرفتن از باورهای خود تا مرز بت‌شکنی است. همه فریاد مَدْرِنِیْتِه را می‌توان در همین خلاصه کرد. «من می‌اندیشم پس هستم» و وقتی می‌اندیشم اعتبار هیچ پدیده‌ای دور از دستبرد من نخواهد بود. دستگاه فکری و گرایش سیاسی را بالای حقیقت و خیر عمومی نمی‌باید گذاشت و بهترین گرایش‌ها اندیشه‌ها نیز نیاز به بازنگری در پرتو تجربه‌های تازه دارند. آن پانصد سال ما را به دور از منطق و خرد و اخلاق بار آورد. نخست از دیگران ترسیدیم و از پرسش و انتقاد دست برداشتیم و به‌زودی از خودمان نیز ترسیدیم: با «تکن درست باشد» یا «تکن بدترین ادعاها را پذیرفتیم» و عمل کردیم. در این جنبش سبز می‌بینیم که یک توده عظیم بیشتر جوان سخن‌تام استوار دارد که نمایش آرکادای او به دل گرفته است: لحظه‌ای است که می‌بینی آن چه می‌دانستی اشتباه بوده است.

مصاحبه داریوش همایون با تلاش آنلاین یک چشم به منظره کلی

کیهان لندن شماره ۱۳۴۰ - ۲۳ دی ماه ۱۳۸۹

تلاش: از برآمد جنبش سبز افزون بر سالی می‌گذرد. در این صدا چه مانده است و چه تغییر کرده است؟ کم نیستند کسانی که «سکوت» کنونی در خیابانها و دانشگاه‌های کشور را به نشانه تمام شدن و یا حتا شکست جنبش و بعضاً ناتوانی سرآمدان در شعله‌ور نگه داشتن اعتراضات مردم در داخل کشور ارزیابی می‌کنند.

- صدای بیرونی جنبش که در خیابانها می‌پیچید طبعاً به آن بلندی نیست. صدای جنبش را اکنون در اعلامیه‌ها، تظاهرات موضعی؛ شعارها در گوشه و کنار؛ روزنامه‌ها از هرگونه و با هر درجه آزادی که بتوانند؛ شعرها و نقش‌هایی که هنرمندان فراوان می‌آفرینند، رنگ سبزی که به هر بهانه به رخ رژیم هراسان از همه چیز کشیده می‌شود؛ و در سکوت رعدآسای زندانیان و زندان‌ها می‌شنویم - در هر جا کمترین امکان باشد. صدایی است که اکنون در راهروهای قدرت نیز طنین‌انداخت؛ در دسته‌بندی‌ها؛ اختلاف‌هایی که به دشمنی کشیده است؛ ائتلاف‌هایی که شکل می‌گیرد. صدای بلند یک سال و نیم پیش در زیر سرکوب خونین، به یک گفتگوی ملی فراروئیده است که بنیاد نه تنها جمهوری اسلامی بلکه یک جهان‌بینی مسلط پانصد ساله را به لرزه می‌اندازد. یک «نقطه جابجایی» واقعی روی داده است. رأی من کو دیگر جز گوشه کوچکی از تصویر دگرگون شونده این بحث ملی نیست. تاریخ و فرهنگ من کو، بزرگی و سروری من کو، هویت ایرانی من کو، آزادی و حقوق من کو، شادی و زیبایی زندگی من کو، بهروزی و سهم من از این کشور کو؟ این پرسش‌هاست که در یک سال و نیم گذشته ذهن‌ها را گرفته است. اگر «دسیبل» صدای پائین آمده‌تر فاو گستره آن از اندازه‌گیری گذشته است و کنترل کردنی نیست، به‌گفتار یک شاعر دوره مشروطه «ملتی به هوش آمده» است. جنبش سبز ممکن است برای حاشیه‌نشینانی شکست خورده بنماید، ولی برای خامنه‌ای‌ها و احمدی‌نژادها چنین نیست. هنگامی که «فتنه» از زبان خامنه‌ای و دیگران در رژیم نمی‌افتد و جنگ نرم و انقلاب رنگین کاپوس هر شبه آنها شده است چگونه می‌توان سخن گفت؟ سرآمدان جنبش در تنگناتی که در بیرون حس نمی‌شود آنچه را که می‌توانند می‌کنند و می‌باید متقاعدشان کرد که با انباشته شدن مشکلات حکومت بر هم، بیشتر نیز می‌توانند. اما بزرگترین دستاورد آنان در این ماه‌های به‌یاد ماندنی، دریافتن و به خود گرفتن گوهر پیام جنبش سبز بوده است که از آنها سرآمدان بسیار بهتری ساخته است - یک پیروزی دیگر برای جنبش سبز.

● بسیاری از تحلیلگران نقطه آغاز جنبش سبز را بسیار پیش‌تر از برآمد آن در همان چند ماه اول سال ۸۸ می‌برند. عده‌ای حتا آن را به مطالبات معوق مانده - مقدم بر هر چیز - می‌دانند. با استبداد - از انقلاب مشروطیت و در ادامه آن جنبش ملی شدن نفت، انقلاب اسلامی و جنبش دوم خرداد نسبت می‌دهند. چنین جنبشی در عین برنفسی باید همچنین بسیار بر خطا بوده باشد که هنوز به نتیجه «دلخواه» نرسیده است.

- نقطه جابجایی که در آن سخن رفت هیچ گاه ناگهانی نیست و ریشه در دگرگشت‌های کوچک و بزرگ دارد. جامعه‌شناس آمریکائی گزارنده این نظریه آن را به ویروسی مانند می‌کند

تلاش: از برآمد جنبش سبز افزون بر سالی می‌گذرد. در این صدا چه مانده است و چه تغییر کرده است؟ کم نیستند کسانی که «سکوت» کنونی در خیابانها و دانشگاه‌های کشور را به نشانه تمام شدن و یا حتا شکست جنبش و بعضاً ناتوانی سرآمدان در شعله‌ور نگه داشتن اعتراضات مردم در داخل کشور ارزیابی می‌کنند.

- صدای بیرونی جنبش که در خیابانها می‌پیچید طبعاً به آن بلندی نیست. صدای جنبش را اکنون در اعلامیه‌ها، تظاهرات موضعی؛ شعارها در گوشه و کنار؛ روزنامه‌ها از هرگونه و با هر درجه آزادی که بتوانند؛ شعرها و نقش‌هایی که هنرمندان فراوان می‌آفرینند، رنگ سبزی که به هر بهانه به رخ رژیم هراسان از همه چیز کشیده می‌شود؛ و در سکوت رعدآسای زندانیان و زندان‌ها می‌شنویم - در هر جا کمترین امکان باشد. صدایی است که اکنون در راهروهای قدرت نیز طنین‌انداخت؛ در دسته‌بندی‌ها؛ اختلاف‌هایی که به دشمنی کشیده است؛ ائتلاف‌هایی که شکل می‌گیرد. صدای بلند یک سال و نیم پیش در زیر سرکوب خونین، به یک گفتگوی ملی فراروئیده است که بنیاد نه تنها جمهوری اسلامی بلکه یک جهان‌بینی مسلط پانصد ساله را به لرزه می‌اندازد. یک «نقطه جابجایی» واقعی روی داده است. رأی من کو دیگر جز گوشه کوچکی از تصویر دگرگون شونده این بحث ملی نیست. تاریخ و فرهنگ من کو، بزرگی و سروری من کو، هویت ایرانی من کو، آزادی و حقوق من کو، شادی و زیبایی زندگی من کو، بهروزی و سهم من از این کشور کو؟ این پرسش‌هاست که در یک سال و نیم گذشته ذهن‌ها را گرفته است. اگر «دسیبل» صدای پائین آمده‌تر فاو گستره آن از اندازه‌گیری گذشته است و کنترل کردنی نیست، به‌گفتار یک شاعر دوره مشروطه «ملتی به هوش آمده» است. جنبش سبز ممکن است برای حاشیه‌نشینانی شکست خورده بنماید، ولی برای خامنه‌ای‌ها و احمدی‌نژادها چنین نیست. هنگامی که «فتنه» از زبان خامنه‌ای و دیگران در رژیم نمی‌افتد و جنگ نرم و انقلاب رنگین کاپوس هر شبه آنها شده است چگونه می‌توان سخن گفت؟ سرآمدان جنبش در تنگناتی که در بیرون حس نمی‌شود آنچه را که می‌توانند می‌کنند و می‌باید متقاعدشان کرد که با انباشته شدن مشکلات حکومت بر هم، بیشتر نیز می‌توانند. اما بزرگترین دستاورد آنان در این ماه‌های به‌یاد ماندنی، دریافتن و به خود گرفتن گوهر پیام جنبش سبز بوده است که از آنها سرآمدان بسیار بهتری ساخته است - یک پیروزی دیگر برای جنبش سبز.

دو قرن فراز و نشیب مطبوعات در ایران (۵۸)

(کیهان لندن شماره ۱۲۳۹)

احمد احرار

مساعدت ورزند تا بتواند دولت روس را در راه ترقی و افتخار رهنمون باشد. خدای بزرگ روسیه را یادی دهد». امپراتور مستعفی، سپس برادرش میشل را به‌وسیله تلگرافی از تصمیم خود مطلع کرد: «علیحضرت امپراتور میشل - بطرودگراد: پیشامدهای ناگهانی ایام اخیر مرا از اتخاذ تصمیم فوق‌العاده ناگزیر ساخت. از این که فرصت نبود تا تو را از تصمیم خود مطلع کنم پوزش می‌خواهم. من همواره برای تو یک برادر صدیق و وفادار خواهم بود. فعلاً به استوکا مراجعت می‌کنم و تا چند روز دیگر به تزارسکوی سلو می‌رویم. آرزو دارم که خداوند تو و ملت ترا در پناه خود محفوظ بدارد - نیکالا»
دوما، در اکتبر سال ۱۹۰۵ به‌دنبال شورش‌هایی که در آن سال رخ داد و با هدف آرام کردن ناراضیان تشکیل شده بود و یک مجلس مشورتی محسوب می‌شد که نه قانونگذار بود و



تزار نیکلای دوم امپراتور روسیه
گراندوک میشل

نه برخوردار از حمایت جدی امپراتور. پس از کناره‌گیری نیکلای دوم، دوما قدرت زیادی به‌دست آورد و میشل به‌تصور آن که خواهد توانست با کمک دوما بر اوضاع ناآرام روسیه مسلط شود، به یک کمیته سه‌نفره که از سوی «دوما» انتخاب شده بود اختیار داد که بر کلیه امور مملکتی نظارت کند. به صلاح‌دید همین کمیته، میشل قبول مسؤلیت از جانب خود را به تشکیل مجلس مؤسسان و کسب نظر از برگزیدگان ملت موکول کرد. رئیس دوما - رودزیاکو - شدیداً با چنین تصمیمی مخالف بود و آن را نشانه ضعف و تردید می‌دانست اما کرنسکی نماینده سوسیال رولوسیونر که با نطق‌های آتشین خود محبوبیت و قدرت و نفوذ زیادی کسب کرده بود از آن حمایت می‌کرد و سرانجام، فرمانی به این شرح از سوی میشل صادر شد:

هموطنان

مسؤلیت سنگین تاج و تخت را اراده برادرم هنگامی به من تفویض می‌کند که کشور علاوه بر جنگ بی‌سابقه خارجی، دستخوش اختلالات داخلی است. اینجانب چون مانند سایر هموطنان سعادت مملکت بزرگ خود را مافوق همه امال و آرزوها می‌دانم قبول مسؤلیت را به تشکیل مجلس مؤسسان که با اراده ملت قوانین اساسی کشور را تدوین خواهد کرد، موکول می‌نمایم.
با توجه به عنایات خداوند یکتا، از کلیه هموطنان خود تقاضا می‌کنم تا انتخاب نمایندگان مجلس مؤسسان که در اسرع اوقات، با کمال آزادی و به‌وسیله رأی مستقیم و مخفی کلیه افراد ملت تعیین خواهند شد و تکلیف نوع حکومت را بر حسب اراده ملت معین می‌کنند، اوامر حکومت موقتی منتخب مجلس دوما را که دارای کلیه اختیارات قانونی است اطاعت کنند - میشل»
مجلس مؤسسان هرگز تشکیل

بزرگ جنبش سبز را خوب می‌دانند، تا

چه می‌دانستی اشتباه بوده است.

مسافرت سرکار علیه

از تمام مسافرت‌هایی که انجام گرفت مسافرت سرکار علیه مادر شهبانوی ایران جالب‌تر بود. به محض اطلاع از این تصمیم نامه مفصلی به معظم لها نوشته و آنچه مربوط به تشریفات مسافرت و یادبود و غیره بود شرح دادم. مثلاً تأکید کردم که دیگر قالی و قالیچه نیاورند و پیشنهاد کردم که از جواهرات فیروزه ایران استفاده شود. با دربار و مقامات مراکش نیز مذاکرات خود را انجام داده و محل اقامت را تعیین کردیم. چندین‌بار به وسیله تلگراف از تهران روز ورود و نام شرکت هواپیمایی را سؤال کردم. هیچ پاسخی نمی‌آمد و معلوم نبود در چه ساعتی وارد می‌شوند. ده‌ها تلگراف فرستادم زیرا دربار مراکش نمی‌دانست چه روز و ساعتی باید تشریفات در فرودگاه انجام شود. بالاخره جواب تلگراف به امضای آقای خوانساری رسید که فقط روز ورود را تعیین می‌کرد. مجدداً تلگرافات زیادی مخابره کردم و جواب آمد با همان طیاره‌ای که ساعت ۸ بعد از ظهر به رباط می‌رسد. این پاسخ کافی نبود بنابراین با تمام شرکت‌های هواپیمایی تماس گرفتم و معلوم شد که فقط در آن روز ساعت ۸ یک هواپیمای ایرفرانس از پاریس به رباط می‌آید و بنابراین به همین ترتیب مقامات مراکشی را مطلع کردم.

روز معهود فرا رسید و من بعد از ظهر در دفتر کارم مرتباً به ساعت نگاه می‌کردم که لااقل یک ساعت قبل به فرودگاه بروم. ساعت ۵ بعد از ظهر تلفن صدا کرد. یکی از بانوان همراه سرکار علیه که همسر یکی از تیمساران بود با اعتراض گفتند ما یک ساعت است که به رباط رسیده‌ایم و هیچ کس از سفارت یا از مقامات مراکشی اینجا نیستند و در یک اتاق ایستاده یا نشسته منتظر حوادث هستیم. چون در پای تلفن جای بحث و صحبت نبود، گفتم فوراً به فرودگاه خواهم آمد. با عجله به فرودگاه رسیده و به سالن کوچکی که مدعوین در آنجا بودند رفته و خود را به سرکار علیه که تا به حال ایشان را ندیده بودم معرفی کردم. همراه ایشان ده دوازده نفر بانوان رجال و دوستان ایشان حضور داشتند و آقای صدری استاندار فارس و بانوی ایشان که از قوم و خویش‌های فامیل دلبا بودند نیز جزو مسافران بودند. مراتب را به سرکار علیه شرح دادم و گفتم مراکشی‌ها تصویری ندارند، اگر قصوری شده متوجه مقامات ایرانی است زیرا ساعت ورود را ساعت ۸ تعیین کرده و اسم شرکت هواپیمایی را هم نداده‌اند. مقامات مراکشی از ساعت ۸ استقبال رسمی خواهند نمود. نیم ساعتی گذشت یکی از بانوان کمی فصول با وجود توضیحات من در گوش سرکار علیه مطلبی گفتند و معظم لها به من فرمودند: آقای بهرامی پس ما سوار هواپیمای دیگری شده و مراجعت می‌کنیم. گویا اولین بار بود که من از نزاکت دست کشیده و با صدای بلند گفتم: نخیر تشریف نخواهید برد زیرا موضوع مناسبات دو کشور در میان است.

کم کم میهمانداران مراکشی به فرودگاه آمده و قالی‌های قرمز را پهن کرده و چند نفر از وزراء و رئیس کل تشریفات هم سر و کله‌اشان پیدا شد. چند دقیقه بعد والا حضرت مولای عبدالله برادر ملک حسن دوم نیز به سالن وارد شدند و مراسم معرفی به عمل آمد و همگی سوار اتومبیل‌ها شده به موجب تشریفات که قبلاً تعیین شده بود برای اقامت و صرف شام به قصر مولای عبدالله در شهر محمدیه که نزدیک رباط است حرکت کردیم. بعد از جایجا شدن همه دور هم در سالن گرد هم آمدیم. هوای خوبی بود و درخت‌ها و گل‌ها جلوه مخصوصی داشتند. سرکار علیه کم کم متوجه شدند که روابط مولای عبدالله با من مثل دو دوست قدیمی و صمیمی است که بازوی یکدیگر را گرفته و به هم فقط تورا به جای شما استعمال می‌کنیم. شب بسیار خوبی گذشت.

خاطراتی از دکتر احمدعلی بهرامی: «در جست و جوی عدالت و انسانیت» (۳)

- بر اثر اهمال از سوی مقامات ایرانی مادر شهبانوی ایران و همراهان در فرودگاه معطل مانده بودند
- ملک حسن: وقتی ایران به الجزایر کمک نظامی بدهد تقریباً تمام اسرار نظامی ما مکشوف خواهد گردید

خاطرات دکتر احمد علی بهرامی، وزیر و سفیر و دولتمرد دوران پیش از انقلاب در کتابی با عنوان «در جست و جوی انسانیت و عدالت» به کوشش عطا آیتی در تهران چاپ شده است.

بخشی از این خاطرات به دوران سفارت دکتر بهرامی در مراکش مربوط می‌شود که برای مطالعه شما برگزیده‌ایم.

فرمای آن به محمدیه رفته که سایر برنامه‌ها و بازدیدها را اجرا کنیم. به سرکار علیه عرض کردم من این موضوع را مسکوت نمی‌گذارم و به وسیله تلگراف از دربار و وزارت خارجه توضیح خواهم خواست و مقصر را پیدا خواهم کرد. سرکار علیه فرمودند: آقای بهرامی، من همان چند ساعت پیش شما را به خوبی شناختم ولی اگر شما چنین تلگرافی بکنید بسیار به ضرر آقای خوانساری تمام خواهد شد زیرا ایشان مسئول تهیه این مسافرت بوده‌اند و ما میل داریم همیشه به ایشان کمک کنیم. ولی من راضی نشده و همان روز با ذکر تمام مدارک و شماره‌های تلگراف‌ها نامه‌ای تهیه کردم و جریان را شرح دادم و نوشتم که یقیناً به سرکار علیه برخورد است و به علاوه مقامات مراکشی را ناراحت کرده است. باید روشن شود که چرا به تلگرافات سفارت جوابی داده نشده است. منتهی برای اینکه حرف سرکار علیه را نیز گوش کرده باشم نام گیرنده تلگراف یعنی نام آقای خوانساری را ننوشته و به ذکر مقام محترم معاونت وزارت امور خارجه تلگراف را ارسال کردم.

برنامه دید و بازدیدها کاملاً به خوبی اجرا شد و در همه جا والا حضرت مولای عبدالله در خدمت سرکار علیه بودند، گویا اعلیحضرت



نظامی بود. زیرا سفارت الجزایر می‌دانست که دولت ایران یک هیئت نظامی برای چند سال به مراکش اعزام نموده و مشغول کار هستند.

روزی، به مناسبتی که یادم نیست اعلیحضرت ملک حسن با من مذاکراتی باز هم کاملاً محرمانه انجام دادند و پرسیدند: آیا می‌توانی با پادشاه صحبت کرده و به ایشان ثابت کنی که کمک نظامی به الجزایر برای مغرب گران تمام خواهد شد، زیرا وضع ما با آنها کاملاً روشن نیست و از طرف دیگر لابد هیئت نظامی ایران در مغرب از جزئیات وضع ما آگاهی یافته‌اند و وقتی ایران به الجزایر کمک نظامی بدهد تقریباً تمام اسرار نظامی ما مکشوف خواهد گردید.

باز هم مأموریت وحشتناکی برای من بوجود آمده بود که برای انجام آن باید به بهانه‌های مختلف به تهران بروم و اصل موضوع را منحصراً با اعلیحضرت در میان نهم. بهمین ترتیب عمل کردم و در تهران بحضور اعلیحضرت رسیده و مراتب را عنوان نمودم. فرمودند: عجیب است چرا ملک حسن اینطور فکر می‌کند. اگر من کمک نکنم ممالک کمونیست کمک خواهند کرد و این بیشتر به ضرر مراکش خواهد بود. در هر حال عرایض مرا تصویب فرمودند و من با خوشحالی زیاد تهران را ترک کرده و به رباط رفته که خبر رفتن را به اعلیحضرت ملک حسن بدهم. معظم له در آن تاریخ به شهر ایفران

ایران با عراق و مسئله خلیج فارس از آنجایی که اعلیحضرت همایونی در جلسات اولین کنفرانس اسلامی با رئیس جمهوری الجزایر آشنایی کافی پیدا کرده بودند. الجزایر از ایران



محمد رضا شاه پهلوی و سلطان حسن پادشاه مراکش



فرودگاه رباط

تقاضای همکاری و کمک نموده بود. تقاضاهای الجزایر اولاً مربوط به اعزام تعداد زیادی متخصص امور نفتی بود، قرار شده بود که در حدود ۸۰ متخصص برای مطالعه این امور و تهیه نظامنامه‌های مختلف و تصمیم‌گیری درباره سیاست تجارت نفت به الجزایر اعزام شود. تقاضای دیگر آنها تقاضای کمک

را به دقت خوانده و تمام اوراق آن را آتش زدند که اثری از این اهمال و تقصیر باقی نماند. حال چرا ایشان که همیشه مسلط به مسائل اداری بودند از مسافرت به اغلب شهرهای مراکش قرار شد که مادر شهبانو به دیدار اعلیحضرت و فامیل ایشان بروند.

اعلیحضرت ملک حسن نهایت محبت و احترام را به سرکار علیه

کمک نظامی به الجزایر - روابط

متخصصین نفتی نیز اعزام نخواهند شد.

اعلیحضرت خیلی خوشحال شدند. در این چند روزی که من تهران بودم صدام حسین یا یک ژنرال دیگر به رباط رفته و درباره اختلاف ایران و عراق درباره کشتی‌رانی در شط العرب نظر خود را عنوان نموده و توافق با ملک حسن را اخذ نموده بود. من در تهران به اعلیحضرت همایونی عرض کرده بودم آیا مایل هستید که من نظر موافق و مساعد اعلیحضرت ملک حسن را بگیرم. ایشان رئیس تنها دولت عربی خواهند بود که با نظر ایران موافقت خواهند کرد. منظور اعلیحضرت این بود که ممالک دنیا تصدیق کنند که کشتیرانی در شط العرب باید بموجب موازین حقوق بین‌المللی حل و فصل شود و اصول سنت‌های بین‌المللی در نظر گرفته شود (گویا منظور خط تالوگ بود).

اینست که بعد از اعلام عدم کمک ایران به الجزایر به اعلیحضرت ملک حسن عرض کردم بنده هم خواهشی دارم و آن اینست که اعلیحضرت برای حل اختلافات ایران و عراق اجرای اصول سنت‌های بین‌المللی را اعلام فرمایند. فرمودند: بسیار خوب، در آینده هر وقت موقعیتی پیش آمد همین کار را خواهیم کرد. عرض کردم موقع مناسب است، فرمودند چطور؟ گفتم کدام موقع بهتر از اعلام اینکه اعلیحضرت، سفیر پادشاه ایران را امروز در قصر ایفران پذیرفته و راجع به اختلافات ایران با عراق نظر خود را دال بر احترام سنت‌های بین‌المللی اعلام فرمایند. فرمودند: بسیار خوب، اعلامیه را تهیه نموده و به رئیس دفتر مخصوص آقای دریس اسلاوی در رباط دیکته کنید که فوراً به من اطلاع دهد.

بلافاصله سوار اتومبیل شده و به رباط رفته و آقای دریس اسلاوی را ملاقات و متن اعلامیه را که در راه به زبان فرانسه تهیه کرده بودم به ایشان دادم. ایشان به اعلیحضرت ملک حسن تلفن کرده و متن را خواندند. اعلیحضرت آن را تصویب کردند و فقط اضافه کردند که اختلافات باید به موجب سنت‌های بین‌المللی و روابط حسن همجواری، حل و فصل شود.

فرمای آن روز اعلامیه در جراید منتشر شد و در واقع کاری را که صدام حسین در طول اقامت خود در مغرب انجام داده بود از بین رفت و همه سفرای خارجی در این باره تعجب زیادی کردند. من هم متن اعلامیه ملک حسن را به صورت غیر رمز به تهران مخابره کردم. ناگفته نماند که مرحوم هویدا و جناب اردشیر زاهدی یکی به پاکستان و دیگری به ترکیه رفته و این توافق را از طرف آن دو دولت بدست آورده بودند. ولی توافق اعلیحضرت ملک حسن بعنوان یک پادشاه عربی و رئیس مذهب اثر دیگری داشت.

فرمای آن روز تمام سفرای کشورهای عربی گرد هم آمده و نزد وزیر خارجه رفته و به این امر اعتراض کرده بودند. وزیر امور خارجه آقای اسمیرس رئیس تشریفات را به سفارت فرستاده و از من گلگی فراوانی کردند که شبیه به مؤاخذه بود. هر سفیری باید از طریق وزیر خارجه کشور اقداماتی را که لازم می‌داند انجام دهد. سفیر ایران هر کاری دلش می‌خواهد می‌کند و این درست نیست.

من هم جواب دادم کاملاً صحیح است ولی وقتی پادشاه محبوب شما گاهی امر می‌کنند که من خدمتشان بروم و موضوعاتی را عنوان می‌فرمایند که انجام دهم تصویری از من سر نمی‌زند. شما خودتان باید این امور و روابط را بنحوی که صلاح است تنظیم فرمائید.

مطلب تا همین جا درز گرفته شد و سفرای کشورهای عربی انگشت به دهان مانده بودند. ولی هیچ پاسخ یا عکس‌العملی از تهران واصل نشد و فقط در یکی از روزنامه‌ها به آن اشاره شده بود و آن موقع در یافتن که فقط تلگراف‌های رمز خیلی سری به اطلاع اعلیحضرت همایونی می‌رسد و سایر تلگراف‌ها در تهران به بایگانی می‌رود اینهم خود رسمی بود و درسی هم برای آینده است!

ادامه دارد

با موسیقی فولکلور و بلوز و کانتری در جستجوی قصه‌های تازه



عبدی بهروانفر، ونسان فوزه، سمر رحمتی

فکر مرا به خود مشغول کرد. به ایران برگشتم و شروع به یاد گرفتن دوتار کردم سعی کردم با موسیقی محلی خودم آشنا بشوم و در کنار آن در کافه‌ها می‌نواختم و تجربه‌های مختلف با نوازنده‌های سرنا و کمانچه داشتیم. سعی من این است تا به اندازه‌ای ظرفیت خود از این اقیانوس چیزی کسب کنم؛ تمرکز در حال حاضر روی شعرهای محلی در قالب کانتری و بلوز و مقام‌های شمال خراسان است. عبدی تأکید می‌کند: من در نهایت شاگرد آلماجوقی هستم نه دنباله‌رو او؛ کار من تنها عبور دادن این مجموعه از فیلتر شخصی خودم است تا بتوانم کار جدیدی ارائه کنم. در لندن چون فضای کار بسیار واقعی است و تو شانس این را داری با نوازندگان بسیار خوبی برخورد کنی، از واکنش آنها هم می‌توانی بهیچ‌کس در کجا ایستاده‌ای. اینجا همه تجربیاتی است که متأسفانه در ایران امکان‌پذیر نیست. در ایران در شرایط حاکم بر جامعه اجازه گسترش کار به‌طور حرفه‌ای ممکن نیست و هنرمند با مسائل دیگری درگیر می‌شود که ربطی به کارش ندارد و این چنین فضایی بعضی از هنرمندان به دلیل حساسیت‌های بالایی که دارند شروع به واکنش کرده و ناخواسته ممکن است وارد فضاهایی بشوند که نمی‌خواهند. این واکنش نشان دادن مدام مغز را خسته می‌کند و تو را از هدف دور خواهد کرد. کنسرت عبدی بهروانفر در پاریس به همت کافه خیام برگزار شد. وی در توضیح این کنسرت می‌گوید: یک جور ورق زدن اتفاقاتی است که در زندگی من افتاده، روزهای سپری شده و شاید بتوان گفت قصه‌های قدیمی خود من، چون از زمانی که از ایران بیرون آمدم قصه‌های ندارم؛ قصه‌هایم تمام شده، باید قصه‌های تازه پیدا کنم. این روزها لابلای شعرهای محلی به دنبال قصه خودم می‌گردم. عبدی تأکید می‌کند: وقتی از ایران بیرون هستی، یک‌جوری بریده می‌شوی و باید پاهایت را دوباره به جایی سفت کنیدی و بایستی... دلتنگی من برای ایران تنها برای رفتن به آن فضا و حال و هوای روستاها و دهات خراسان برای شنیدن صدای سازهای محلی است، همین؛ نه چیز دیگری. عبدی در پایان گفتگو با کیهان لندن اضافه می‌کند: اگر بخوایم از تجربه شخصی‌ام با نوازنده‌ها و هنرمندها حرف بزنم دلم می‌خواهد به این نکته اشاره کنم که هر کس باید ابتدا گوشه و کنار جایی را که زندگی می‌کند بشناسد. اگر در تهران زندگی می‌کنی باید تهران را بشناسی؛ تهران فقط مرکز نیست، تهران یک محله است و باید ریشه‌های آن را شناخت. زمانی که در ایران برای گرفتن مجوز آلبوم موسیقی می‌رفتم آن دست آهنگ‌هایی که محلی بود مجوز نمی‌گرفت. و من متوجه شدم اتفاقاً کارهای قدیمی و فولکلور است که قرار است سانسور بشود؛ و در مقابل یک چیز «فیک» و جعلی ارائه بشود که مال تو نیست. هرچه کار غربی‌تر باشد بیشتر مورد پسند و ترجیح می‌دهد. اینجاست که موسیقی محلی ایران به‌طور کلی در حال فراموشی است و این موج سلبریتی‌بازی‌ها هم نشأت گرفته از همین سیاست است.

خراسان را نیز به طور شخصی یاد می‌گیرد. از او می‌پرسم موسیقی محلی ایران تا چه اندازه برای مخاطب غیرایرانی مهم است؟ می‌گوید: تجربیات جدیدی در لندن داشتیم؛ دوتار زدن برای انگلیسی‌ها بسیار جالب بود و فضا در این شهر آنقدر باز است که هر کس شهر دوباره به این موضوع فکر کردم که چطور موسیقی بدون فهم زبان هم می‌تواند ارتباط برقرار کند. من با شعرای اسکاتلندی دوتار زدم. در اجراهای محدودی که در لندن داشتیم سعی کردم جوری حس خودم را با کلمات فارسی منتقل کنم که توسط شنونده درک بشود. تجربه بسیار سختی است؛ گاه کارهای خودم را به انگلیسی و یا به دو زبان اجرا می‌کنم؛ تجربیاتی که در ایران حتی تصورش هم ناممکن بود. در لندن بلوز فارسی می‌خوانم و با نوازندگانی از ملیت‌های مختلف تجربه هم‌نوازی دارم؛ در این میان با آدم‌های عجیبی هم برخورد کردم و واکنش‌های جالبی به کار دیدم و همین انرژی برای ادامه کارم کافی است. باز تأکید می‌کنم اینقدر اینجا فضا باز است که هر کسی کار خودش را می‌کند. به هر حال من هم در حال تجربه هستم بی‌آنکه بدانم نتیجه چه خواهد شد. می‌پرسم: چقدر کار کردن در فضای آزاد نگاه متفاوت و واقعی‌تری می‌تواند به موزیسین بدهد؟ پاسخ می‌دهد: فضای ایران، فضایی خاص است و ما در آنجا رشد کردیم و ساختارهای اولیه موسیقی را یاد گرفتیم. اما خطا زیاد داشتیم؛ من سعی کردم خطاها را تصحیح کنم. در لندن چون تعداد نوازنده زیاد هست و همه هم می‌خواهند خودی نشان بدهند تو هم این فرصت را داری تا به عنوان موزیسین خودی نشان بدهی و نوآوری داشته باشی. عبدی در ادامه اضافه می‌کند که پس از اقامت در لندن یک برگشت عمیق به آنچه در ایران یاد گرفته داشته و به گفته وی بزرگترین سازی که در دست دارد همان دوتاری است که از استاد علی غلامرضایی آلماجوقی همراش است. عبدی با توجه به تجربیاتی که در چند سال اخیر در خارج از ایران داشته می‌گوید: از تلفیق هاست که یک کار نو پدید می‌آید و کاملاً هم مربوط به خود موسیقی می‌شود نه حواشی آن. عبدی اضافه می‌کند: در جامعه‌ای مانند ایران یک هنرمند با میزان حساسیت بالا، تأثیر زیادی از جامعه می‌گیرد و گاه دچار حواشی می‌شود. اتفاقاتی که در اطرافت در ایران رخ می‌دهد ناخواه‌آگاه در کار هنرمند بازتاب پیدا می‌کند. اما خارج از ایران شکل دیگری به خود می‌گیرد. او می‌گوید: من در اینجا تمرکز بر روی خود موسیقی است و سعی دارم به ریشه‌های محلی و بومی برگردم و آنها را بشناسم و روی آنها تمرکز کنم. عبدی ادامه می‌دهد: اولین تلنگر را در ارمنستان خوردم زمانی که آلبوم «شلمرود» را در یک موزه اجرا کردم و آن را به یک نوازنده بسیار قدر آمریکایی-ارمنی که همسرش نیز خواننده موسیقی کانتری است و با هم کار تلفیقی می‌کردند دادم تا نظرش را بدانم؛ بعد از گوش کردن گفت کار خوبی است و مشخص است و توجه به تمام محدودیت‌ها چقدر زحمت کشیده‌ای اما من نمی‌دانم از کجای ایران می‌آیی! و این جمله

● برای مجوز گرفتن آلبوم موسیقی در ایران متوجه شدم این کارهای قدیمی و فولکلور است که قرار است سانسور بشود! هرچه کار غربی‌تر باشد بیشتر مورد پسند و ترجیح سیستم جمهوری اسلامی است. ● از زمانی که از ایران بیرون آمدم قصه‌های ندارم، قصه‌هایم تمام شده و باید قصه‌های تازه پیدا کنم.

کتایون حلاجان - عبدی بهروانفر شورش کلمه است و تکرار «ته» با صدای بلند. تنهایی و انزوای خودخواسته‌اش شاید بهای تکرار همان کلمه است... با هدف تمرکز بیشتر بر موسیقی که هدف اصلی اوست. زمزمه‌های او گاه با زخمه بر دوتار و گاه با گیتار فریاد می‌شود و از اعماق سر بر می‌آورد. عبدی از جهان مدرن سر برآورده، از جغرافیایی مسخ شده، موسیقی‌ما جغرافیا را به سخره می‌گیرد. عبدی بهروانفر صدای حاشیه است... کلماتی که از زیر سنگ قبرهای رپوده شده در سال‌های نه چندان دور هیولا می‌شود. عبدی بهروانفر تمام سال‌هایی را که در فاصله بین مشهد و تهران زیست و در کافه‌ها ساز نواخت و شعر نوشت را به خاطر دارد. در این میان دوستان زیادی را از دست داد که به گفته وی فشارها و سختی‌ها و نبود حداقل‌ها را دوام نیاوردند. بهروانفر موسیقیدان مولف است، او تن به انزوای کار سپرده و از همین رو آثارش در بین خواص جایگاه ویژه‌ای دارد. صدای او پیچیده از درون جامعه‌ای است که خفقان، سرکوب و سانسور استخوان‌هایش را فرسوده است. عبدی برخاسته از نسلی است که بدیهی‌ترین مطالباتشان با تحقیر بی‌پاسخ ماند و صدایشان با سرکوب به دل‌های از خون بدل شد. نسلی که هر یک شیوه‌ای را برای زیست برگزیدند. عده‌ای بساط برچیدند و راهی دیار دیگر شدند، عده‌ای در نشنگی و دود پنهان شدند و... عده‌ای تن دادند و زیر نگین شهرت بر دیوارهای پوسیده شهر می‌درخشند. عبدی جزو آن کسانی است که موسیقی‌اش خاص باقی ماند. او بعد از خروج از ایران سر در گرو یادگیری و تجربه گذاشت و چشم به روی زرق و برق رسانه‌ای و بازاری شدن پوشاند. از همین رو موسیقی عبدی بهروانفر همچنان در میان عده‌ای خاص جایگاه ویژه‌ای دارد. بهروانفر از سال ۲۰۱۱ به دنبال ادامه تحصیل همسر خود سمر رحمتی به لندن آمده و از تجربیاتی حرف می‌زند که در ایران تصورش هم غیرممکن بود. او در تیرماه ۱۳۵۴ در مشهد به دنیا آمد، جایی که لکه‌های درشتی بر تارو پود جانش نشاند، جایی که کودکی‌اش را گذرانده و موسیقی را آغاز کرده است. او از ۲۴ سالگی گیتار به دست گرفت و گروهی را با نام «ماد» در مشهد شکل داد. گروه ماد متشکل از سامان رجبی، نوید اربابیان، علی باغفر، و محسن نامجو بود. این گروه پس از چندین اجرا و لغو چند کنسرت از هم گسست و هر یک از اعضای آن به‌طور مستقل راه خود را در پیش گرفتند. عبدی بهروانفر راهی ارمنستان شد و به گفته خود موسیقی را در پهنه عظیم‌تری شناخت. اولین آلبوم او در سال ۲۰۰۸ با عنوان «شلمرود» عرضه شد و پس از آن دو آلبوم دیگر از وی به دست مخاطبان رسید. کیهان لندن به پهنه اولین کنسرت عبدی بهروانفر در پاریس پای سخنان او نشست. وی ابتدا در پاسخ به این سوال که کار کردن در فضای موسیقی در لندن چگونه است می‌گوید که موسیقی بلوز در این شهر بسیار فعال است و با علاقه‌ای که وی به سبک بلوز و کانتری دارد فرساخته است که غنمیت می‌داند. او در کنار تجربه نواختن با موسیقیدانان انگلیسی دوتار جنوب

Happy birth day to you برلیناله!



ژوری برلیناله ۲۰۱۸

پاتریشیا کلارکسون، امیلی مورتايمر، ویم وندرس، گرتا گروویگ، لیو شرایبر، وس اندرسون، جیسون شوارتس‌مان، اله فانینگ، هایکه ماکاتش و الیاس امبارک از سینماگران شناخته شده آلمان و جهان هستند که در مراسم آغازین و نمایش فیلم در روزهای نخست فستیوال برلین شرکت داشتند. مراسم افتتاحیه برلیناله با اجرای آنکه انگلکه مجری و کم‌دین مشهور آلمانی آغاز شد که برای دوازدهمین دوره پیاپی مسئولیت اجرای این مراسم را به عهده گرفت. اجرای وی با موهایی که به طور عجیبی پشت سرش قرار گرفته بود، مورد توجه حضار واقع شد. در افتتاحیه همچنین از دنیس بوجل روزنامه‌نگار آلمانی - ترک‌تبار روزنامه «دی ولت» یاد شد که یک سال در ترکیه زندانی بوده و بالاخره پس از

در سینما را داشتند و با هشتگ #Me Too و #Times out همراهی خود را با سینماگران هالیوود اعلام کردند. با این همه، مدیریت برلیناله با ایده یکی از فعالان #Me Too برای سیاه شدن فرش قرمز فستیوال امسال موافقت نکرد؛ پیش از این زنان هنرمند هالیوود با لباس سیاه در مراسم گلدن گلوب در اعتراض نسبت به تعرض به زنان در سینما حاضر شدند. برلیناله اما کمپین Speak Up را با هدایت دانیلا استنر (مدیر موزه مستند و فیلم پاریس) به راه انداخته است. در قدم‌های اول این کمپین یک سایت اینترنتی برای ارائه اطلاعات به هنرمندان زن سینما راه‌اندازی می‌کند. به گفته استنر صنعت سینمای اروپا می‌خواهد تأکید کند که آزار و اذیت جنسی دیگر غیرقابل تحمل است.



گوشه و کنار برلیناله

مذاکرات بسیار روز جمعه، ۱۶ فوریه، آزاد شد و به برلین برواز کرد. **افتتاح با «جزیره سگ‌ها»؛ یک انیمیشن کاملاً سیلانی** روزهای نخستین برلیناله با استقبال گرم منتقدان و مردم از فیلم افتتاحیه «جزیره سگ‌ها» ساخته وس اندرسون همراه بود. این بار فستیوال فیلم برلین با یک انیمیشن کار خود را آغاز کرد که ساخته یک کارگردان کارکننده هالیوود است. اندرسون پیش از این نیز در دوره‌های قبل با فیلم «هتل بوداپست» برلیناله را افتتاح کرده بود ولی «جزیره سگ‌ها» اثری سیاسی و کاملاً هنری است که با برلیناله به عنوان یک جشنواره‌ای که در عین ارج گذاشتن به هنر، جنبه‌های سیاسی آن نیز بسیار بارز است، تناسب بنیادین دارد. حضور گروه «جزیره سگ‌ها» روی فرش قرمز برلیناله با استقبال زیادی روبرو شد، طبل‌نوازی بیل مری و وس اندرسون به سبک ژاپنی فیلم و شور و هیجانی که بیل مری در دیدار با تماشاگران آلمانی داشت، افتتاحیه را رنگ و بوی دیگری بخشید. **آواز خوانی بیل موری و جشن تولد در کنفرانس مطبوعاتی!** در جلسه نقد و بررسی «جزیره سگ‌ها» نیز بیل مری بیکار نشست و شروع به خواندن آهنگ Barbara Ann از گروه «بیچ برادرز» کرد که کمی بعد بقیه حاضرین در سالن نیز با او شروع به همخوانی کردند. همین شور حتی باعث شد در کنفرانس مطبوعاتی جشن تولد کویا رانکین صدایشه نوجوان کانادایی این فیلم نیز برگزار شود و همگی برایش ترانه تولدت مبارک را خواندند! برای دریافت جایزه دوربین برلیناله، یکی پرباست مدیر بازار فیلم اروپا اهل سوئیس، کترین اسکوری مدیر اجرایی صندوق فیلم اسرائیل و بیبری منسل کارگردان و بازیگر اهل چک انتخاب شدند.

و اما روز شنبه، ۱۷ فوریه، برلیناله میزبان برنامه‌ای با عنوان «چرا نامه‌گونی رخ می‌دهد» با حضور کمپانی McKinsey و بازار فیلم اروپا بود که به مسئله عدم‌همراهی حقوقی زنان و مردان در دنیای سینما پرداخت. صبح شنبه نیز یک کمپانی سوئدی فیلم که به طور مساوی حقوق



آنکه انگلکه مجری برنامه بازگشایی فستیوال

مادی زنان و مردان را رعایت کرده، دستاوردها و تحقیقات این موزه را درباره این موضوع تشریح کرد. آنا سرنر رئیس آکادمی سوئد به «هالیوود ریپورتر» در این باره گفته که این سیستم نمی‌تواند در دیگر کشورها کپی شود چرا که این روش حتی در باکس آفیس فیلم‌ها و جوایز سوئد نیز رعایت می‌شود. **هالیوود برلیناله را تسخیر کرد: رابرت پتینسون، بیل مری و برابان کرانستون** در نخستین روزهای برلیناله، حضور ستاره‌های هالیوود بیش از هر سال به چشم می‌خورد. بیل مری، برابان کرانستون، جف گلدبلوم، تیلدا سویتن، هلن میرل، هیلی بنت، جیمی پروتینت، هوگو ویونینگ، میا واسکیوفسکا، رابرت پتینسون،

● دوربین برلیناله به سه سینماگر جهان اهدا شد. - حضور بیل موری کم‌دین شناخته شده آمریکایی فضای برلیناله را از خشکی در آورد. ● اتحادیه سینمای اروپا اقدام به راه‌اندازی کمپین Speak up برای خانمه به نابرابری جنسیتی در سینمای اروپا کرد. ● حضور رابرت پتینسون بازیگر شناخته‌شده مجموعه فیلم «گرگ و میش» فرش قرمز امسال را رونق بخشید. ● مدیریت برلیناله با پهن کردن فرش سیاه به جای فرش قرمز برای حمایت از کمپین «من هم همینطور» مخالفت کرد.

آزاده کریمی، علی اشتیاق - شصت و هشتمین دوره فستیوال فیلم برلین با طرح موضوع برابری حقوقی زنان و مردان، راه‌اندازی کمپین Speak Up و گرم‌آبادت دنیس بوجل روزنامه‌نگار آلمانی - ترک آغاز به کار کرده است. از حواشی روزهای این فستیوال، آواز خواندن بیل موری در کنفرانس مطبوعاتی و ترانه Happy

birth day to you برای صدایشه نوجوان «جزیره سگ‌ها» است. فستیوال فیلم برلیناله امسال هم‌آوا با سینمای هالیوود و هشتگ #Me Too دوره شصت و هشتم خود را شروع کرد. این فستیوال که قرار است کمتر از دو سال دیگر با دیتر کسلیک مدیر اجرایی‌اش (از ۲۰۰۱ تا کنون) خداحافظی کند، حضور گسترده ستاره‌های هالیوود را بیش از سال گذشته شاهد است و گرایش روشنی نسبت به سیاست‌های اخیر هالیوود در آن به چشم می‌خورد.

نمایش ۴۰۰ فیلم و رقابت ۱۹ فیلم از پانزدهم فوریه ۲۰۱۸ پایتخت جذاب کشور آلمان، برلین، میزبان بیش از ۴۰۰ فیلم از سراسر جهان است و از شناخته‌شده‌ترین تا ناآشنا‌ترین سینماگران در این شهر گرد آمده‌اند. امسال در بخش مسابقه ۱۹ فیلم به رقابت می‌پردازند و هیات بین‌المللی داوری بهترین آثار را برای دریافت خرس نقره‌ای و طلایی این فستیوال معرفی می‌کند. هیات داوران امسال نیز ترکیبی از کارگردان، بازیگر، تهیه‌کننده، آهنگساز و دو منتقد سینماست: تام تیکور (فیلمساز آلمانی)، سیمیل دوفرانس (بازیگر بلژیکی)، ادل رومانسکی (تهیه‌کننده آمریکایی)، ریوئیچی ساکاموتو (آهنگساز ژاپنی)، استفانی زاکارک (منتقد آمریکایی) و چما پرادو (منتقد اسپانیایی). **راه‌اندازی کمپین Speak up و تلاش برای برابری حقوقی زنان و مردان در سینما** تفاوت این دوره فستیوال با دوره‌های قبل تمرکز بر موضوع برابری حقوقی زن و مرد است؛ موضوعی که مهمانان افتتاحیه در این باره اتفاق نظر دارند. مهمانی افتتاحیه با حضور ۷۰ نفر از مهمانان ویژه برلیناله در هتل Provocature برلین برپا شد که شرکت‌کنندگان در آن درخواست بازنگری نسبت به حقوق زنان و مردان

● سهم سپاه از خشکسالی در ایران چیست؟ کدام شرکت‌ها و هلدینگ‌ها سود می‌برند؟
● آیا فعالان محیط زیست از سودی که به جیب سپاه می‌رود خبردار شدند؟ رابطه شرکت «صافات» و سپاه چیست؟

گزارش اختصاصی کیمهان لندن!

چرا سپاه دل‌باختگی «باروری ابرها» شده؟!



این تصویر مربوط به هواپیمای آنتونوف مستهلکی است که شرکت صافات با آن در عملیات بارورسازی ابرها به وزارت نیرو خدمات می‌داد اما زیر اسم صافات آمده «آزادگان»!

برزو فارسی - خبرگزاری تسنیم، روز ۲۸ بهمن، از آغاز همکاری سه‌جانبه سپاه پاسداران، وزارت دفاع و وزارت نیرو برای توانمندسازی ایران در بارورسازی ابرها خبر داد. این خبر تازگی نداشت و دقیقاً یک ماه پیش، ۲۸ دی، در متنی مشابه که به نقل از رحیم میدانی معاون وزیر نیرو منتشر شده بود روی مستهلک بودن هواپیماهای استیجاری روسی که برای بارورسازی ابرها مورد استفاده قرار می‌گرفتند تاکید و عنوان شد پیروپاترون‌های (فشنگ‌های حاوی یدید نقره) که برای بارورسازی ابرها بسیار مهم است در روسیه ساخته می‌شود و ایران «توان مالی پرداخت هزینه‌اش را ندارد» و نیروی هوافضای سپاه و صنایع هوایی، برای انجام آن فعالیت خود را آغاز کردند.

افزافه بر این رضا اردکانیان وزیر نیرو هم تاکید کرد «سپاه آمده تدارک تجهیزات لازم برای اجرای طرح باروری ابرهاست و این همکاری آغاز شده و امیدواریم به نتایج مطلوب برسیم»
دو سه دقیقه بعد از انتشار خبر تکراری آغاز این همکاری، تسنیم خبر جدیدی دیگری را منتشر کرد با عنوان «برف و باران شدید در ۱۰ استان تا سه‌شنبه» و به نقل از یک کارشناس هواشناسی نوشت «سامانه‌ی بارشی تقویت شده» و شدت بارش‌ها برای استان‌های کرمانشاه، لرستان، خوزستان،

بارورسازی ابرها با شرکتی قرارداد بسته به اسم «صافات» (تهران ایر) که صد درصد آن متعلق به «موسسه مرکزی شرکت‌های احرار» است که خود این موسسه با هلدینگ آزادگان در ارتباط است و یک سر آنها به فرماندهان سپاه می‌رسد و بخشی از سرمایه‌های آن را «آزادگان» تامین کرده‌اند که در چند مقطع سرشان کلاه رفته، و بخش دیگری از سرمایه در دست شرکت‌های مواد غذایی و اتومبیل‌سازی و شرکت‌های سیمان است که چهره شاخص همه آنها ابوترابی‌فرد است که جمعه، ۲۷ بهمن ۹۶، با حکم علی خامنه‌ای به عنوان امام جمعه موقت تهران نخستین نماز جمعه خود را در پایتخت برگزار کرد. تمام این مجموعه تا کنون پشت بارورسازی ابرها قرار داشته است.

ولی آیا به سبب اختلاف‌های درونی سپاه است که بخشی از فرماندهان آن تلاش می‌کنند پروژه بارورسازی ابرها را خارج از چهارچوب دولت و سازمان محیط زیست به انحصار خود درآورند؟ یا اینکه دولت احتمالاً قصد دارد این پروژه عظیم را به بخش‌هایی غیر از اژدهای هفت سر سپاه واگذار کند و به همین دلیل این روزها تحت فشار قرار گرفته است؟ چه ارتباطی میان هواپیماهای وارداتی دست سوم توسط شرکت صافات تحت عنوان استفاده در خطوط هوایی «تهران ایر» و سپاه وجود دارد؟ آیا این شرکت‌ها و هلدینگ‌ها که امروز همکاری به رقبای یکدیگر تبدیل شده‌اند؟

بارورسازی ابرها یک پروژه مهم زیست محیطی به ویژه در کشور خشکی مانند ایران است. آیا ارتباطی میان بازداشت فعالان محیط زیست و مرگ مشکوک دکتر کاووس سیدامینی در اوین وجود دارد که در مورد غیراستاندارد بودن بارورسازی ابرها و تأثیرات منفی زیست

صنعتی مینو و «قاسم» که در سال‌های گذشته اخبار زیادی مبنی بر فساد در آنها منتشر شده زیرمجموعه این بنگاه اقتصادی هستند. آیا فعالیت شرکت احرار فقط به اینها خلاصه می‌شود؟ پاسخ منفی است؛

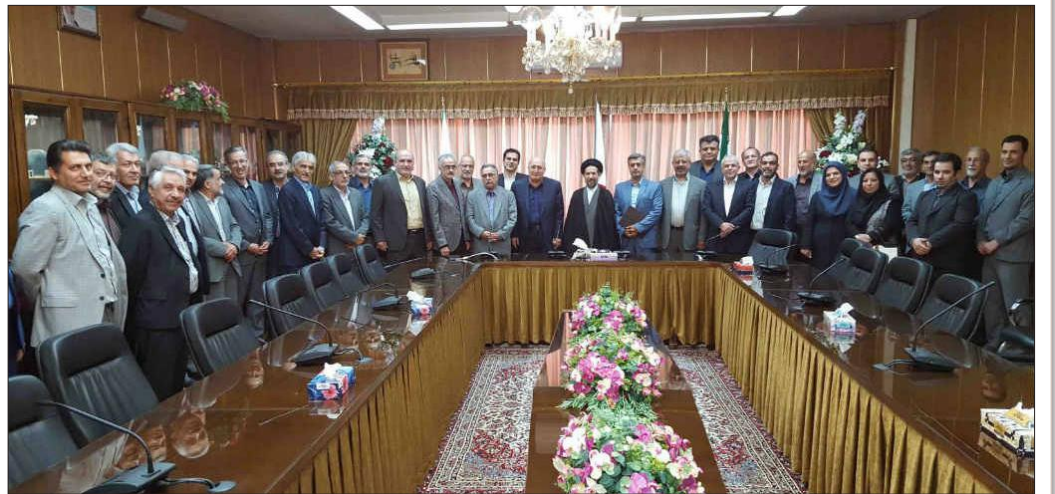
شرکت خدمات هوایی صافات (سهامی خاص) متعلق به «موسسه مرکزی شرکت‌های احرار» است که در سال ۱۳۷۴ تحت شماره ۱۰۱۹۱۹ تاسیس شده و دو فروند هواپیمای آنتونوف ۲۶ که در زمینه باروری ابرها

می‌کند به ویژه در دورانی که منابع و تولید حامل‌های انرژی از زوایای مختلف، از جمله سازگاری با محیط زیست، با بحران روبرو هستند. برای روشن شدن این موضوع کافی است مثلاً به گردش مالی هر مرحله

شرکت خدمات هوایی صافات (سهامی خاص) متعلق به «موسسه مرکزی شرکت‌های احرار» است که در سال ۱۳۷۴ تحت شماره ۱۰۱۹۱۹ تاسیس شده و دو فروند هواپیمای آنتونوف ۲۶ که در زمینه باروری ابرها



این جلسه صبح جمعه ۱۰ آذر سال ۱۳۹۱ برگزار شد و یک روز قبل از آن مجمع عمومی موسسه مرکزی شرکت‌های احرار به اتفاق اعضای شرکت خودکفایی آزادگان با محمود احمدی‌نژاد که آن زمان رییس قوه مجریه بود دیدار داشتند



مراسم تودیع و معارفه مدیرعامل شرکت قاسم ایران ۲۶ خرداد ۱۳۹۵ با حضور سید محمدحسن ابوترابی فرد و سعید اوحدی رئیس سازمان حج و زیارت، مهندس رحیم نعمت پرور مدیرعامل شرکت اقتصادی و خودکفایی آزادگان

محیطی آن تحقیق می‌کردند؟ چرا درست در این شرایط محمدحسن ابوترابی‌فرد با حکم خامنه‌ای به امامت جمعه موقت تهران منصوب شد؟ چرا مدام از زبان مسئولان مرکز ملی تحقیقات و مطالعات باروری ابرها بر «بی‌پولی» و «کمبود نقدینگی» و لزوم همکاری با نیروی هوافضای سپاه تاکید می‌شود؟ چرا جوادیان‌زاده مدیرعامل پیشین این مرکز پس از تغییر «مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای استان یزد» (مقر شرکت صافات) شد؟ چرا شرکتی که در یزد مستقر است به نام «تهران ایر» ثبت می‌شود؟ علت تأخیر یک ساله آغاز فعالیت شرکت تهران ایر چه بوده و چه ارتباطی با تأکید روی آغاز فعالیت آن بعد از عید دارد؟ آیا بر هم خوردن قرارداد دولت روحانی و ایرباس به نفع دست‌های قدیمی شده؟ چرا خبرگزاری‌های تسنیم و فارس به دولت روحانی را متهم می‌کردند ایرباس‌های نه چندان نو وارد می‌کند حالا در مقابل واردات ایرباس دست سوم سکوت کرده‌اند؟! به راستی، سهم سپاه از خشکسالی در ایران چیست؟! و بسیاری ابهامات و پرسش‌های دیگر که نه مقامات و مسئولان خود را موظف به پاسخگویی می‌دانند و نه رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران ایران مجاز هستند درباره آنها کند و کاو و تحقیق کرده و افکار عمومی را درباره آنها آگاه کنند.

آیا رد پای همکاری شرکت خودکفایی آزادگان و موسسه احرار را در جای دیگری می‌توانیم پیدا کنیم؟ پاسخ مثبت است. به عقب برگردیم؛ به ۲۷ اردیبهشت سال ۱۳۹۳ که جمعی از آزادگان سراسر ایران در مقابل «شرکت قاسم پخش» وابسته به شرکت مینو در کیلومتر ۲۰ جاده مخصوص کرج تجمع کرده و ادعا کرده بودند «شرکت مینو سهم آزادگان را بالا کشیده است». وبسایت شهدای ایران پایگاه رسمی است که اخبار مربوط به این فساد را پیگیری می‌کند. آیا باز هم می‌توان سرنخ پیدا کرد؟ پاسخ مثبت است. جلسه سالانه مجمع عمومی موسسه مرکزی شرکت‌های احرار بارها در شرکت تولیدی «هرترب خودرو» برگزار شده است. این جلسه صبح جمعه ۱۰ آذر سال ۱۳۹۱ برگزار شد و یک روز قبل از آن مجمع عمومی موسسه مرکزی شرکت‌های احرار به اتفاق اعضای شرکت خودکفایی آزادگان با محمود احمدی‌نژاد که آن زمان رییس قوه مجریه بود دیدار داشتند خبر دیدار احمدی‌نژاد و این گروه از مدیران را وبسایتی به نام «پیام آزادگان» منتشر کرد؛ موسسه‌ای به ظاهر فرهنگی که بازوی رسانه‌ای هلدینگ‌هایی است که متهم به فساد هستند. وبسایتی که بعدها کاربرد آن توسط آزادگانی که مالشان چپاول شده مورد انتقاد قرار می‌گیرد. به طور خلاصه، وزارت نیرو برای

غول دلالی و واردات و مونتاژ اتومبیل در ایران یعنی «هرترب خودرو» نیز وابسته به موسسه احرار است. وقتی روی وبسایت رسمی موسسه احرار کلیک شود «پایگاه اطلاع‌رسانی آزادگان ایران» باز می‌شود. قسمت بالای وبسایت اخبار و گزارش در حوزه مدافعان حرم، وصیت‌نامه شهدا و خطرات جانبازان و مطالبی از این دست دیده می‌شود اما کمی پایین‌تر ماجرا رنگ دیگری به خود می‌گیرد و اخبار مربوط به «ارزش سهام شرکت اقتصادی و خودکفایی آزادگان» بخشی مجزا را به خود اختصاص می‌دهد. **شرکت اقتصادی و خودکفایی آزادگان (سهامی عام)** محمدحسن ابوترابی فرد نایب رییس پیشین مجلس شورای اسلامی که به تازگی با حکمی از سوی علی خامنه‌ای امام جمعه موقت تهران شده یکی از بنیانگذاران کلان شرکت خودکفایی آزادگان است. این هلدینگ اواخر سال ۱۳۹۳ با تراز مالی ۱۶۰ هزار میلیارد تومان به بازار سرمایه وارد شد و از شرکت‌هایی است که بیشترین سودها را از تحریم‌های جمهوری اسلامی به جیب می‌زد. شرکت خودکفایی آزادگان سهامدار اصلی (مستقیم و غیرمستقیم) ۱۶ زیرمجموعه دارد که شرکت‌های قاسم ایران، مینو شرق، شوکوپارس، صنعتی مینو و پارس مینو از مهم‌ترین آنها محسوب می‌شوند و سود کلانی می‌برند و با توجه به تبلیغات گسترده‌ای که در صدا و سیما جمهوری اسلامی

۱۰ سال با وزارت نیرو همکاری داشته و حالا مستهلک شده‌اند متعلق به این شرکت است. این شرکت هم دارای مجوز (cargo) است و هم مجوز (باروری ابرها) که از هواپیمایی کشوری گرفته و مرکز فعالیت آن در استان یزد است. بخش عمده سهامداران این موسسه فرماندهان و شاغلین سپاه، «آزادگان» و «پنارگران» هستند. موسسه احرار یکی از بزرگترین مالکان زمین و مستغلات در ایران است و دارایی‌های فراوانی دارد که فقط بخشی از آن شرکت هواپیمایی صافات است. مدیران این شرکت اخیراً تحت عنوان «تهران ایر» ایرباس‌های دست سوم یک شرکت روسی را از مجارستان به ایران منتقل کردند و قصد دارند به عنوان یک ایرلاین مسافرتی شروع به فعالیت کنند. در واقع «آزادگان»، «شرکت اقتصادی و خودکفایی آزادگان»، «صافات»، «احرار» و «تهران ایر» همه با هم مرتبط و در بعضی مواقع یکی هستند و بده و بستان‌های زیادی با یکدیگر دارند. تا سال ۹۳ حدود ۴۷ هزار «آزاده» و «ایثارگر» سهامدار موسسه احرار بودند. حساب‌های مالی این شرکت آلوده به فساد آنقدر غیرشفاف و مشکوک است که ده‌ها «آزاده» نسبت به آن اعتراض کردند زیرا اسنادی به دست‌شان رسیده که نشان می‌داد پول‌ها به جیب فقط چند نفر رفته است. سوابق نشان می‌دهد که این شرکت سابقه اختلاس و بالاکشیدن پول «آزادگان» را هم دارد. گروه

بارورسازی ابرها بر اساس ارقامی پرداخته شود که تا کنون منابع رسمی اعلام کرده‌اند. در شهریور سال ۱۳۹۵ محمد مهدی جوادیان‌زاده مدیر مرکز تحقیقات و مطالعات باروری ابرها در مورد پرخرج بودن مراحل این پروژه ادعا کرد که پیش بردن بخشی از عملیات «در یک منطقه هدف» در یک دوره شش ماهه اعتبار ۹۵ میلیارد تومانی لازم دارد. در حالی که یک سال قبل گفته بود «هر پرواز باروری» با احتساب اجاره هواپیما، سوخت، بیمه و هزینه‌های دیگر بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلیون تومان هزینه دارد. هدف از بارورسازی ابرها افزایش ۱۰ تا ۱۵ درصدی بارش در یک منطقه معین است که معمولاً دامنه‌ای به وسعت ۲۰۰ کیلومتر دارد. طبق یک اعلام در سال ۹۴ به طور میانگین سالانه ۸۰ پرواز برای بارورسازی ابرها صورت می‌گیرد؛ با یک حساب ساده مشخص می‌شود که در سال ۹۴ عملیات بارورسازی ابرها ۱۲۰ میلیارد تومان گردش مالی به همراه داشته است. با توجه به اینکه دو هواپیمای روسی مخصوص عملیات بارورسازی زمینگیر و از رده خارج شده، سپاه قصد دارد از هواپیماهای خود برای بارورسازی ابرها استفاده کند. هواپیماهایی که برای بارورسازی ابرها استفاده می‌شدند و حالا از رده خارج شده‌اند دو فروند آنتونوف متعلق به شرکت «صافات» بودند. **پیشینه شرکت هواپیمایی صافات**

کهگیلویه و بویر احمد، البرز و تهران پیش‌بینی می‌شود. اینکه بحران خشکسالی یک دغدغه حیاتی برای کل کشور محسوب می‌شود یک مسئله است و تلاش‌های مشکوک سپاه برای «نمایش کارآمدی و توانمندی» در حوزه بارورسازی ابرها و مبتکر بودن در حیطه محیط زیست، یک مسئله دیگر. مسئله‌ای بسیار مهم! اگرچه الفای اینکه دولت در چنین پروژه‌ای به علت مشکلات مالی «توان» است و سپاه «توانمند» بخشی از پروژه رسانه‌ای سپاه است، اما به خودی خود نشانگر مهر تاییدی بر بی‌اعتباری به اصطلاح دستور علی خامنه‌ای مبنی بر فاصله گرفتن نظامی‌ها از حوزه‌های اقتصادی و «پیگیری واگذاری بنگاه‌های اقتصادی در ارتش و سپاه» نیز هست. همچنان که در ادامه این گزارش فقط گوشه‌ای از فعالیت یک مجموعه‌ی هزارتو و چند لایه‌ای بررسی شده که عملاً در اختیار سپاه و سران نظام است اما در ظاهر به صورت بنگاه‌های مستقل فعالیت می‌کنند. شاید مطرح شود که بارورسازی ابرها چه سنخیتی با «بنگاه‌داری اقتصادی» دارد؟ پاسخ به این پرسش فقط بخش کوچکی از قضیه است که چندان هم پیچیده نیست. حجم گردش مالی در عرصه فعالیت‌های محیط زیست است که آن را از عرصه‌های اقتصادی دیگر پیچیده‌تر

اسماعیل نوری علا - به نظر می‌رسد که یکی از هنرهای «سیاست‌مداران» و «سیاست‌بازان» ما بیان مطلبی شده است که برای افعال مندرج در آن فاعلی وجود ندارد؛ بخصوص وقتی که پای ارائه‌ی پیشنهادی در میان باشد. اینکه اینگونه اظهار نظر کردن‌ها و پیشنهادات، به خاطر روشن نبودن «فاعل» و «انجام دهنده‌ی فعل» هرگز به عمل در نمی‌آیند را نه تنها از لحاظ آن منطق بديهی که در این «فقدان فاعل» موجود است بلکه حتی از نظر عملی نیز در طی لاقال چهل سال گذشته تجربه کرده ایم. در نتیجه، می‌توان از خود پرسید که اگر، منطقاً و عملاً این سخنان به نتیجه‌ای نمی‌رسند چگونه است که اهل سیاست، که قطعاً دارای عقل و شعوری بالاتر از حد متوسط هستند، چرا به این کار ادامه می‌دهند و همچنان به صادر کردن افعال بی‌فاعل مشغولند؟

بار دیگر

«رفراندم»

و «افعال

بی فاعل»



مثلاً، وقتی می‌گوییم «بهتر آن است که در فلان زمینه اینگونه اقدام شود» و معلوم نمی‌کنیم که چه کسی باید این اقدام را عملی سازد، و یا تعیین فاعل را بر عهده‌ی مخاطب می‌گذاریم، در واقع حرفی را زده‌ایم که توخالی و بیهوده و ناشدنی است و اگر عاقلانه چنین کرده باشیم خواسته‌ایم بگوییم که هر کس می‌تواند از «ظن» خود یار ساخت ما باشد که در محدودی سیاست یعنی هیچ! باری، در این مطلب قصد من آن است که با ارائه‌ی تنها یک نمونه‌ی تکراری (که چندین سال پیش در موردش با زنده‌یاد داریوش همایون مناظره ای داشتم)، مطالبی را درباره اینکه چه دلایلی را می‌توان در پس پشت اینگونه سخن گفتن تصور کرد مطرح سازم. نمونه مورد نظر من، ارائه‌ی پیشنهاد اخیر است که در سپهر سیاسی معطل اپوزیسیون همیشه سرگردان ما توفان به پا کرده است: «برگزاری رفراندوم جهت تعیین نوع حکومت، تحت نظارت سازمان ملل متحد» تا از آن طریق «ملت ایران» بتواند، با تعیین نحوه حکومت مطلوب، خود مسئولیت سرنوشت‌اش را بر عهده گیرد». پیشنهادی که با این واژگان تعریف شده است: «راهکار برون‌رفت از مشکلات بنیادین، آوا گذار مسالمت‌آمیز از نظام اسلامی به یک دموکراسی سکولار پارلمانی مبتنی بر آرای آزاد مردم، آوا رعایت کامل حقوق بشر و رفع همه تبعیض‌های نهادینه، بخصوص برابری کامل زنان، قومیت‌ها، ادیان و مذاهب در همه زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی».

این تمام مقدمه‌چینی و نتیجه‌گیری یک جمع ۱۵ نفره سابقاً مشهور به اصلاح‌طلب بودن است که گویا اکنون - و در جوف این پیشنهاد و به عنوان پیش‌زمینه آن به این نتیجه رسیده‌اند که «مجموعه تجربیات ۴۰ ساله حاکی از اصلاح‌ناپذیری نظام اسلامی ایران است». پیشنهاددهندگان هم عبارتند از یک حقوقدان و برنده نوبل حقوق بشر ساکن برون‌مرز (شیرین عبادی) و یک حقوقدان بین‌المللی (پیام اخوان)، دو حقوقدان ساکن ایران (نسرین ستوده و محمد سیف‌زاده، چند فعال سیاسی در ایران (نرگس محمدی، حشمت‌الله طبرزدی، ابوالفضل قدیانی و محمد نوریزاد) و چند خارج‌کشوری دیگر (محسن سازگارا، حسن شریعت‌مداری، کاظم کردوانی) که اغلب منفردانه و بدون تعلق به تشکلات سیاسی عمل می‌کنند. یک فقیه خارج‌کشوری (محسن کدیور) و یک رئیس سابق دانشگاه تهران مقیم ایران (محمد ملکی) و دو سینماگر یکی در ایران (جعفر پناهی) و یکی در خارج (محسن مخملباف). نگاهی به تلاش‌های دیگر این «نخبگان سیاسی»، از یکسو به ما می‌فهماند که آنها ساده‌لوحانه و خوشبینانه به این نتیجه و پیشنهاد نرسیده‌اند، اما از سوی دیگر، به یادمان می‌آورد که همین عده تازه بعد از چهل سال تجربه به این نتیجه رسیده‌اند که نظام اسلامی قابل اصلاح نیست و این

تأخیر در درک واقعیتی که هزاران نفر چهل سال است درباره آن می‌نویسند خود می‌تواند دلیلی بر غفلتی از جانب آنان باشد که لابد با خود دلایلی دارد. اما، پیش از پرداختن به این دلایل، بهتر است برگردم به آن «مفروض اولیه»ای که می‌گوید اینگونه نخبگان بلندند چگونه افعال بی‌فاعلی را ارائه دهند که عملی نیستند اما ممکن است اغراض دیگری را با خود داشته باشند. پیشنهاد این عده شامل چند جزء است:

مشخصات دارو: یافتن راهکاری برای برون‌رفت از مشکلات بنیادین کشور عضو و تحت نظارت خودش رفراندومی را در جهت تعیین نوع حکومت سر عقل آمده‌ی اسلامی؟ سازمان ملل که نهاده‌ی بی‌در و پیکر نیست که سر خود راه بیافتد و در یک کشور عضو و تحت نظارت خودش رفراندومی را در جهت تعیین نوع حکومت سر عقل آمده‌ی اسلامی؟ اما شاید وقتی نظارت سازمان ملل به این جمله سنجاق شده که قرار است، در ظل نظارت مزبور، «ملت ایران» بتواند، با تعیین نحوه حکومت مطلوب، خود مسئولیت سرنوشتش را بر عهده گیرد» اشاره‌ی مکتومی به موضوع «حق ملت‌ها برای تعیین سرنوشت خود» وجود دارد که لابد سازمان ملل باید آن را تضمین کند. اما یک «ملت» که نهاده‌ی منسجم و تشکیلاتی نیست که خود بتواند برای استفاده حقاش رأساً اقدام به دعوت از سازمان ملل کند. لاجرم این دعوت باید یا از جانب حکومتی باشد که قصد خودکشی کرده است و یا از جانب اپوزیسیون منسجمی است، در قامت یک دولت مأموریت یافته است. پس، در این پیشنهاد، فاعل فعل دعوت کردن هم معین نشده است.

ضمناً در سخنانی که این نخبگان، پس از صدور پیشنهاد خود، در مصاحبه‌های گوناگون مطرح کرده‌اند، بارها به مورد افریقای جنوبی و کشورهای پشت پرده‌ی آفرین در اروپای شرقی و اینکه این کشورها توانسته‌اند تحت نظارت سازمان ملل رفراندوم برگزار کرده و به آزادی برسند اشاره شده است. اما همین پیشنهاددهندگان از اشاره به این نکته سر باز زده‌اند که حکومت‌های مورد اشاره‌ی آنها نخست توانسته‌اند با اپوزیسیون به مذاکره بنشینند و به توافق برسند و سپس، مشترکاً، هم از ناظران سازمان ملل دعوت کنند و هم رفراندوم برای تغییر حکومت را انجام دهند. در نتیجه، در این نسخه‌پیچی

و فقهی و هنری ما نیست. آنها که نمی‌توانند در مورد همه‌ی زوایای اینگونه مطالب به جای ما فکر کنند، آنها راه حل را یافته‌اند و لابد منتظرند داوطلبی پیدا شود که این راه حل و چگونگی تحقق آن را پیدا کند. - یک حدس هم ناگفته نماند: شاید این نخبگان فکر می‌کنند که فاعل این عمل سازمان ملل است؛ که باید بر این رفراندوم نظارت نموده و صحت آن را تصدیق نماید. اما در اینجا نیز «فاعل» غایب است و معلوم نیست چه کسی باید سازمان ملل را برای انجام این کار دعوت کند؟ اپوزیسیون یا خود حکومت سر عقل آمده‌ی اسلامی؟ سازمان ملل که نهاده‌ی بی‌در و پیکر نیست که سر خود راه بیافتد و در یک کشور عضو و تحت نظارت خودش رفراندومی را در جهت تعیین نوع حکومت سر عقل آمده‌ی اسلامی؟ اما شاید وقتی نظارت سازمان ملل به این جمله سنجاق شده که قرار است، در ظل نظارت مزبور، «ملت ایران» بتواند، با تعیین نحوه حکومت مطلوب، خود مسئولیت سرنوشتش را بر عهده گیرد» اشاره‌ی مکتومی به موضوع «حق ملت‌ها برای تعیین سرنوشت خود» وجود دارد که لابد سازمان ملل باید آن را تضمین کند. اما یک «ملت» که نهاده‌ی منسجم و تشکیلاتی نیست که خود بتواند برای استفاده حقاش رأساً اقدام به دعوت از سازمان ملل کند. لاجرم این دعوت باید یا از جانب حکومتی باشد که قصد خودکشی کرده است و یا از جانب اپوزیسیون منسجمی است، در قامت یک دولت مأموریت یافته است. پس، در این پیشنهاد، فاعل فعل دعوت کردن هم معین نشده است.

ضمناً در سخنانی که این نخبگان، پس از صدور پیشنهاد خود، در مصاحبه‌های گوناگون مطرح کرده‌اند، بارها به مورد افریقای جنوبی و کشورهای پشت پرده‌ی آفرین در اروپای شرقی و اینکه این کشورها توانسته‌اند تحت نظارت سازمان ملل رفراندوم برگزار کرده و به آزادی برسند اشاره شده است. اما همین پیشنهاددهندگان از اشاره به این نکته سر باز زده‌اند که حکومت‌های مورد اشاره‌ی آنها نخست توانسته‌اند با اپوزیسیون به مذاکره بنشینند و به توافق برسند و سپس، مشترکاً، هم از ناظران سازمان ملل دعوت کنند و هم رفراندوم برای تغییر حکومت را انجام دهند. در نتیجه، در این نسخه‌پیچی

نیز باید روشن باشد که طرف مذاکره با حکومت مستقر در ایران کیست یا چیست؟ آیا اپوزیسیون حکومت اسلامی به چنان انسجام و وحدت رهبری و هدف رسیده است که بتواند چنین نقشی را بازی کند؟ آیا در میان رهبران خودبرانگیخته‌ی فعلی اپوزیسیون کسی هم هست که به عنوان رهبر خیزش ملت ایران، هم با حکومت اسلامی مذاکره کند و هم یکی از دو فاعل دعوت‌کننده از سازمان ملل باشد؟ در نتیجه، دلیل امتناع نخبگان ما از ورود به این جزئیات از کار نیز آن است که در حال حاضر لشکر بی‌شمار اپوزیسیون حکومت اسلامی دارای تشکیلات و مرکزیت و رهبریتی نیست که بتواند حکومت اسلامی را به چنان نقطه‌ای بکشاند که سر میز مذاکره حاضر شود و با انجام رفراندوم برای «گذار مسالمت‌آمیز از نظام اسلامی به یک دموکراسی سکولار پارلمانی» موافقت کند و در امضای دعوت از سازمان ملل نیز با رهبریت اپوزیسیون شریک شود.

در عین حال، دیدیم که اغلب امضاکنندگان این پیشنهاد در مصاحبه‌های مختلف اذعان کرده‌اند که پیشنهادشان ناقص و ناپخته و محتاج تکمیل است. اما نگفته‌اند که چرا و چگونه از یکسو همدیگر را پیدا کرده‌اند، و از سوی دیگر به این نتیجه رسیده‌اند که لازم است هرچه زودتر پیشنهاد شبه‌راه‌حل خود را به اطلاع همگان برسانند. و به همین دلیل فکر می‌کنم که یافتن پاسخی برای پرسش‌های اخیر شاید از محتوای خود پیشنهاد اهمیت بیشتری داشته باشد؛ پاسخی که می‌تواند راهگشای ما برای درک این نکته باشد که ۱۵ آدم عاقل و بالغ و هوشمند و حقوقدان و دانشمند و هنرمند و فعال سیاسی چگونه یک‌باره به چنین اشتراک فکر و عملی رسیده‌اند. بخصوص اینکه خانم شیرین عبادی در مصاحبه‌های اهمیت این پیشنهاد را در آن دانسته است که «مرزهای بین داخل و خارج را از میان بر می‌دارد» و نشان می‌دهد که از این نظر بین کوشندگان اپوزیسیون حکومت اسلامی در خارج و داخل کشور فاصله‌ای وجود ندارد. و همین مضمون را آقای سازگارا هم در مصاحبه‌های خود تکرار کرده‌اند. از نظر من به این موضوع می‌توان از چند دیدگاه نگریست:

زبان‌آور است؛ چرا که اپوزیسیون داخل کشور که زیر سرکوب حکومت بسر می‌برد نمی‌تواند جز سخنان کلی و ارائه‌ی «راه حل‌های بی‌فاعل» و مطالبات رد نشده از خطوط قرمز رژیم حرفی بزند و کاری بکند، حال آنکه اپوزیسیون خارج کشور در آزادی بسر می‌برد و دلیلی برای زبان‌بسته حرف زدن ندارد. اختلاط و یکی کردن این دو گروه هم قطعاً به ضرر گروه خارج کشور است که باید ملاحظه‌ی گروه داخل کشور را بکنند و چنان سخن بگویند که برای داخلی‌ها خطری جدی پیش نیاید. در این مورد من چند سال پیش، وقتی آقای حشمت طبرزدی هوس رهبری اپوزیسیون خارج کشور را کرد و به نمایندگی خود، آقای عباس خرسندی، مأموریت داد که اپوزیسیون خارج کشور را تحت رهبری ایشان گرد هم آورد، مطالبی نوشته‌ام و در اینجا تکرارشان نمی‌کنم.

در عین حال، نه خارج‌کشوری‌های امضاکننده‌ی این پیشنهاد، که هر کدام برای خود شهرت و اهمیتی دارند و نه داخل‌کشوری‌هاشان (جز آقای طبرزدی)، هیچ یک معرفت گروه و سازمانی سیاسی نیستند و گرد هم آمدن شان هم نوید ایجاد یک تشکیلات منسجم اپوزیسیون را، که بتواند به آلت‌رناتیوی در برابر حکومت اسلامی تبدیل شود، با خود ندارد. یعنی، دیده‌ایم که هر یک از همان لحظه که پیشنهاد را امضا کرده‌اند، به راه خود رفته‌اند و به صورت سلحشوران منفردی که به جنگ آسیاب‌های بادی می‌روند عمل کرده‌اند. حال آنکه چنین پیشنهادی (با همه‌ی ضعف‌ها و بی‌هدف بودن‌هایش) می‌تواند و باید زمینه‌ساز اعلام یک تشکیلات اپوزیسیون منسجم باشد تا بتواند برای افعال سرگردان متن این پیشنهاد فاعلی بیابد و معرفی کند.

همچنین می‌توان پرسید که این عده چگونه همدیگر را یافته‌اند؛ چرا که، علاوه بر آشنایی یا دوستی، حتماً باید در بین‌شان وجود داشته باشد تا، مثلاً، یکی‌شان به فکر رفراندوم بیافتد و آن را با بقیه در میان بگذارد و دایره متحدان را از یک به پانزده برساند. یعنی باید دید کدام وجه اشتراکی بین خانم عبادی و آقای ملکی، یا بین خانم ستوده و آقای نوریزاد، و یا بین آقای سازگارا و آقای کردوانی وجود دارد که آنها را به صدور این پیشنهاد رهنمون شده است.

در این مورد من تنها دو دلیل را منطقی یافته‌ام:

الف: وجود زمینه‌ی «اصلاح‌طلبی غیرحکومتی» مشترک. همانطور که می‌دانیم، «اصلاح‌طلبان» به دو دسته تقسیم می‌شوند: آنها که حکومت اسلامی ولی فقیه را با همین قانون اساسی هولناک‌اش قبول دارند اما حاکمان فعلی را خراب‌کننده‌ی انقلاب اسلامی می‌دانند و می‌کوشند تا، با حضور در قدرت، آب رفته را به جوی برگردانند. آنها را اصلاح‌طلبان حکومتی می‌نامیم و می‌توانیم از امثال حجازریان و عبدی و گنجی و نظایرشان یاد کنیم. گروهی دیگر اما در خارج از حوزه‌ی حکومت به صفت اصلاح‌طلب متصف می‌شوند. من فکر می‌کنم آنها را می‌توان «گذار یون» خواند. آنها کسانی هستند که در ابتدا با اسلامی بودن حکومت مشکلی نداشتند و در شکل‌گیری آن هم کم و بیش شراکت کردند اما، رفته رفته، ابتدا با اصلاح‌طلب حکومتی (مثل خاتمی) همراه شدند و، سپس، با طرد شدن این دسته از جانب قدرت‌یافتگان بنیادگرا، از پیروزی اصلاح‌طلبان حکومتی دل‌کنند، بی‌آنکه فراموش کنند که این انقلاب اسلامی بود که آنان را از اعماق گمنامی بیرون کشید و به نخبگان سیاسی تبدیل کرد. به راستی که اگر انقلاب اسلامی نبود اکنون کدام یک از امضاکنندگان این پیشنهاد را کسی می‌شناخت؟ کی به خانم عبادی نوبل می‌داد؟ کی آقای سازگارا را به طراحی سپاه پاسداران می‌کشاند؟ و کی به آقای کدیور کرسی تدریس اسلام‌شناسی در دانشگاه‌های امریکایی اعطا می‌کرد؟ پس اغلب اعضای این گروه مشترکاً می‌دانند که بر سر شاخی نشسته‌اند که نباید آن را از بن برید.

از این احتمال دیگر هم، به قول آخوند‌ها، به موضوع «اسقاط تکلیف» مربوط می‌شود. آنها باید به کسانی که حمایت‌شان می‌کنند و بهشان جایزه و مأوا و حقوق می‌دهند نشان دهند که مشغول فعالیت‌اند و دارند در راستای به قدرت رساندن اصلاح‌طلبانی می‌کوشند که دیگر اما با سکولاردموکرات‌های برانداز معاشر نمی‌شوند و دامن بر طویل «گذار مسالمت‌آمیز» کوئیده و عملاً ملت را در مقابل حکومتی که منشاء اصلی خشونت است خلع سلاح می‌کنند؛ چرا که می‌دانند راستا و نتایج یک انقلاب مردمی را نمی‌توان چندان کنترل کرد اما تظاهرات به اصطلاح مدنی و مسالمت‌آمیز (در وجه واکنش نشان ندادن به خشونت حکومتی) را می‌توان مدیریت کرده و از آن استفاده‌ی بهینه برد. در آن میان، البته کسانی هم هستند که وظیفه و تکلیفی ندارند که بتوانند با انجام اعمالی نمایشی آن را «اسقاط» کنند اما وجوه مشترک دیگر از یکسو و کوشش در عقب‌نماندن از قافله‌ای که سر در منابعی نامریی دارد، از سوی دیگر، جلوی امضا نکردن‌شان را می‌گیرد.

پ: و بالاخره باید، در این میان، برای معمای شرکت آقای پیام اخوان هم پاسخی یافت. من قبلاً در مورد دلایل سیاست اقلیت‌های مذهبی در نزدیکی با اصلاح‌طلبان مطلبی را نوشته‌ام که علاقمندان می‌توانند به آن رجوع کنند. با پایان باید بیافزایم که کشف اینکه اینگونه پیشنهاد دادن‌ها به نفع چه کسی تمام می‌شود موضوع مقاله کنونی نیست و نویسنده نمی‌خواهد وارد اینگونه مباحث شود که: - آیا حکومت اسلامی هم از این مواضع سود می‌برد یا نه؛ - یا آیا این حرکت می‌تواند به ظهور تشکل سیاسی جدیدی در سپهر اپوزیسیون بیانجامد، - یا آیا کوشش امضاکنندگان این پیشنهاد موجب تقویت راهپیمایی کوشندگان راه استقرار سکولار دموکراسی به سوی مقصد ایجاد آلت‌رناتیو منسجمی در برابر حکومت اسلامی خواهد شد و یا، بر عکس، در جهت تضعیف آن عمل خواهد کرد. به نظر من، اینگونه مطالب را می‌توان در چهارچوب مباحثی وسیع‌تر از ماجرای صدور پیشنهاد این پانزده نفر مطرح کرده و به موضوع اندیشیدن خود تبدیل کرد.

روایت کیهان کنونی به زبان انگلیسی

NEWS & VIEWS
FOR A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY



پاسخ سؤالات (۱۰ پرسش و ۱۰ پاسخ) از صفحه ۱۳

۱- ۱۹۸۷-۲ نواد۳ - ساعت‌ساز ۴ - ۱۹۴۷ میلادی ۵ - نوعی مواد مخدر از تیره ماری جوانا ۶ - هنری هشتم ۷ - نیکاراگوئه ۸ - کوکوشانل ۹ - ارسباران در آذربایجان شرقی ۱۰ - لرستان

پاسخ شناسایی شخصیت‌های جیمز باند از صفحه ۱۳

اینان همگی با بازی عمدتاً در نقش‌های کوچکی، در سریال‌های نامبرده شده تلویزیون، به دنیای سینما راه یافتند و به شهرت جهانی رسیدند.



نسل جوان ایران راه آینده را در ریشه‌های تاریخی دور و نزدیک خود می‌بیند و خواستار تجدید ارزش‌های دوران پهلوی است.

در جنبش دی‌ماه ۹۶، مردم با صدای رسا فریاد کردند: «چه اشتباهی کردیم که انقلاب کردیم». مفهوم این شعار تصمیم به بستن پرتتیز ۴۰ ساله حکومت اسلامی و ادامه تاریخ سیاسی پیش از انقلاب ایران با احترام به میراث‌های ملی است که شماری از امضاکنندگان بیانیه مایل و قادر به درک آن نیستند، سهل است که در نهایت «آزادمنشی»، تهدید به اقدام چریکی علیه آن نیز می‌کنند!

در هفتاد شهر ایران مردم فریاد کردند: «اصلاح‌طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا»، «خامنه‌ای بدون به زودی سرنگونه»، «می‌میریم، می‌میریم، ایران رو پس می‌گیریم»، «رضاشاه، روح شاد»، «ولیعهد کجایی، به داد ما بیایی»، «ایران که شاه نداره، حساب کتاب نداره» و... با این وجود، امضاکننده بیانیه درخواست همه‌پرسی، با ذهنیت «آزادمنش» خاص خود و همپالکی‌ها، چشم و گوش خود را نسبت به خواسته‌های مردم می‌بندد و تهدید می‌کند که در صورت بازگشت شاهزاده رضا پهلوی به ایران دوباره «محسن چریک» خواهد شد! او و دوستان او ظاهراً فراموش کرده‌اند که پیش از هجوم اعراب مسلمان، ایران هزاران سال تاریخ تمدن داشته و پیش از به قدرت رسیدن مسلمانان، پادشاهانی چون اردشیر بابکان و کوروش که لوح حقوق شهروندی او سرلوحه حامیان راستین و خادمان واقعی حقوق بشر است در ایران پادشاهی کرده‌اند.

آنها که قامت بلند رضاشاه را در تاریخ معاصر و آغاز دوران تجدد ایران نمی‌بینند چشم‌های خود را تاریک کرده‌اند. نگاه داشته‌اند. آنها که قدرت و رشد اقتصادی، علمی، هنری و فرهنگی ایران را در دوران ۳۷ سال پادشاهی محمدرضا شاه انکار می‌کنند، در تقابل با درک مردم ایستاده و خود را نفی می‌کنند.

شعارهای روشن مردم در تظاهرات سراسری دی‌ماه نشان داد که حکومت اسلامی در تحریف و نفی خدمات پهلوی‌ها شکست خورده. با این وجود صادرکنندگان بیانیه، در مقام کاسه‌های گرم‌تر از آتش، هنوز قادر به هضم و قبول شکست حکومت خود نیستند و در خفا ادامه آن را در لباسی متفاوت طلب می‌کنند.

درخواست برگزاری فراندوم از سوی امضاکنندگان بیانیه، با استناد به بندهایی از قانون اساسی حکومت مذهبی، و به دست کارگزاران حکومت، دادن وعده استحاله و اصلاحات است از درون دیکتاتوری، و نوید «انقلاب خاقانی (جابجایی کارگزاران)»؛ «درخواست» ۱۵ امضاکننده بیانیه، و «پیشنهاد» همزمان حسن روحانی برای برگزاری همه‌پرسی به دست حکومت و درون حکومت، تلاشی است مشترک و انحرافی که به منظور تغییر لباس «اصلاح‌طلبان» وامانده و «عملگرایان» شکست خورده صورت گرفته، در انتلافی پنهان و اتحادی نامقدس.

مردم ایران نیازمند مدعیان فرصت‌طلب و عاقبت‌جو نیستند و از دیکتاتوری مذهبی «درخواست» نمی‌کنند بلکه اراده‌ی خود را تکلیف می‌کنند و همه‌پرسی منطقی آنها نیز برای تعیین شکل دولت ملی و سکولار، متکی بر اراده ملی و خواسته‌های عمومی تنها بعد از فروپاشی دیکتاتوری مذهبی صورت می‌گیرد و نه پیش از آن.



بحثی در مقوله فراندوم درخواستی و بیانیه پانزده اصلاح طلب پشیمان

بعد از هر نوبت درجا زدن، رژه رفتن این خوش‌نشینان عاقبت‌طلب همیشه رو به عقب بوده و مهارت آنها محدود به نوشتن نامه سرگشاده (به امید انتشار) خطاب به ولی فقیه و امضای بیانیه با دریافت هزینه‌ی کار. آنها کار میدانی و تخریبی خود را پیش از انقلاب صورت داده‌اند و امروز «موعظه سرکوهی» خواندن و صدور بیانیه‌های انحرافی و نوشتن نامه سرگشاده به ولی فقیه اشتغال عمده آنهاست.

سند افتخار در کارنامه سیاسی شماری از افراد این گروه سر کردن چندان در زندان حکومتی است

یکی از امضاکنندگان معترف است که با گفتمان ملی مخالف است و روی سخن او و طرف خطاب «بیانیه درخواست برگزاری همه‌پرسی» حکومت است. خوش‌نشین دیگری از امضاکنندگان برون‌مرزی که از منابع کلان خارجی نیز برخوردار بوده، با قوت، حامی «اسلام معتدل» و ادامه راه اصلاحات است در جامعه دیگری. این جمع اضداد مدعی با ترکیبی از جمهوری خواهان و چریک‌های مسلمان سابق که امروز مطرح شدن دوباره خود را مدیون جنبش دی‌ماه مردم‌اند، گوش‌های خود را بر خواست‌ها و شعارهای مردم بسته‌اند.

همچنان بر سجاده اصلاح‌طلبی نماز شکسته می‌خوانند، و اگر مانند عباس عدبی اندکی صداقت، و یا مانند بهزاد نبوی وقاحت بیشتر می‌داشتند یا سرکوب طرفداران جنبش دی‌ماه را به حکومت توصیه می‌کردند و یا خیزش توده‌ها را انکار.

قائد اعظم و عشق اکبر یکی از امضاکنندگان خاتمی است که آشکارا تهدید می‌کند اگر بعد از حکومت اسلامی، ایران پادشاهی شد، دوباره «چریک» خواهد شد و امضاکننده دیگر، در حال و هوای جنبش اعتراضی دهه قبل، همچنان مچ‌بند اصلاحات سبز می‌پوشد.

پادشاهی ایران دست داشتند و یا بعد از انقلاب به بلوغ رسیده و ابتدا مجذوب تبلیغات حکومت شده‌اند. در جمع امضاکنندگان نه نام یکی از کارگزاران دوران پیش از انقلاب به چشم می‌خورد و نه حتی یک فرد متمایل به تجدید پادشاهی مشروطه در ایران.

وجه مشترک شماری از این گروه ناهمگن، نشستن بر مخده عاقبت‌طلبی، خطر نکردن از بیم تحمل هزینه‌ها و تبلیغ «عبور مسالمت‌آمیز» از دیکتاتوری مذهبی ایران است. حاصل سه دهه فعالیت سیاسی آنها نیز دو دهه تبلیغ

● دست کم شماری از امضاکنندگان بیانیه می‌دانند که در رأس حکومت اسلامی ایران هرگز اراده‌ای برای تغییر از درون و شناسایی حق مردم برای انتخاب آزاد وجود نداشته و سراب «همه‌پرسی به دست حکومت» در حیات آن، هرگز واقعیت نخواهد یافت. ● برای درک ماهیت هر اقدام و شناختن هدف‌های واقعی هر طرح، آشنایی با هویت طراحان و مجریان آن وسیله موثری است.

رضا تقی‌زاده - در خواست برگزاری فراندوم برای «عبور مسالمت‌آمیز از جمهوری اسلامی» توسط ۱۵ فعال سیاسی، همزمان با طرح پیشنهاد توسل به راهکاری مشابه از سوی حسن روحانی برای رفع اختلاف‌های درون‌سازمانی و عبور دادن حکومت از بحران، ادامه تلاش‌های شکست‌خورده کسانی است که پیشتر با طرح درخواست «انتخابات آزاد» در درون و به دست دیکتاتوری مذهبی، از واقعیت‌های ملموس و خواسته‌های حقیقی کف جامعه عقب ماندند و امروز با انکار جنبش دی‌ماه و خواسته‌های طبیعی مردم، همچنان حکومت را به معامله و سازش با خود دعوت می‌کنند.

درخواست از دیکتاتوری مذهبی برای برگزاری همه‌پرسی (با نظارت سازمان ملل) تلاش تازه‌ای است برای ایجاد فضای انتظار در جامعه و وقت‌کشی بیشتر با وعده «اصلاح» نظام از درون. تفاوت درخواست امضاکنندگان بیانیه با پیشنهاد حسن روحانی توسل به بند ۵۹ یا ۱۷۷ قانون اساسی حکومت مذهبی است و نه بیشتر از آن.

در وضعیت حاد کنونی که حکومت رو به ضعف گذاشته و جنبش اعتراضی مردم رو به قدرت، و تداوم این روند تغییر توازن نیرو به نفع توده‌ها و فروپاشی نظام را نوید می‌دهد، صادرکنندگان بیانیه از حکومت درخواست می‌کنند که کوتاه آمده و از سر لطف همه‌پرسی دیگری برگزار کند!

اصلاح‌طلبان به حاشیه رانده شده بدون ایفای کوچک‌ترین نقش در شکل گرفتن جنبش دی‌ماه، به قطار در حال حرکت پریده و کالای کهنه و به فروش نرفته و تاریخ مصرف سرآمده «انتخابات آزاد» را در بسته‌بندی متفاوتی (همه‌پرسی) قرار داده و از نظام درخواست برگزاری فراندوم دارند. در توجیه درخواست خود نیز بهانه‌هایی مطرح می‌کنند مانند «پیشگیری از ایجاد خلاء قدرت» و «پرهیز از سوریه شدن ایران».

دست‌کم شماری از این گروه کوچک مدعی می‌دانند که در رأس هرم قدرت حکومت اسلامی ایران هرگز اراده‌ای برای تغییر از درون و شناسایی حق مردم برای انتخاب آزاد وجود نداشته، در آن انتخابات سالم و آزاد بر پایه مساوات و آزادی برگزار نشده، و رویای باطل همه‌پرسی به دست حکومت نیز در حیات آن، هرگز واقعیت نخواهد یافت.

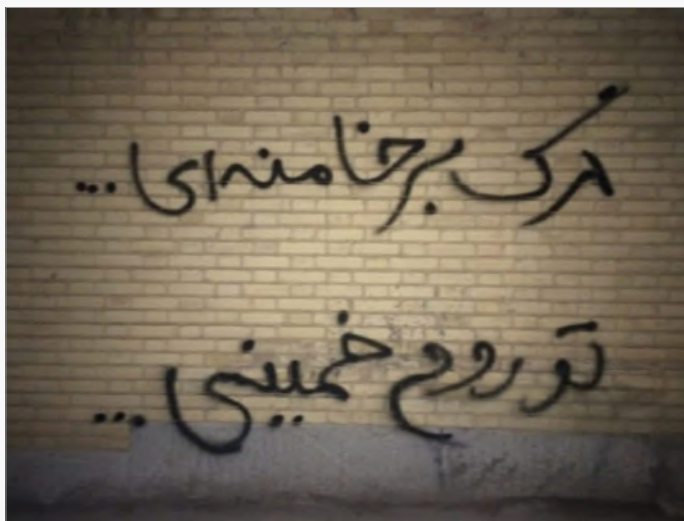
امضاکنندگان بیانیه

برای درک ماهیت هر اقدام و شناختن هدف‌های واقعی هر طرح، آشنایی با هویت طراحان و مجریان آن وسیله موثری است.

نگاهی گذرا به امضا‌های پایین این بیانیه، از خط و ربط سیاسی اکثریت این گروه کوچک حکایت دارد که یا از دور و نزدیک در انقلاب و براندازی



گسترش شعارنویسی علیه علی خامنه‌ای



شعارنویسی روی دیوار نهاد رهبری دانشگاه صنعتی شاهرود

که خود کارگزار آن بوده‌اند، با فراموشی مصلحتی خون هزاران نفر که با اقدام مستقیم و یا مشارکت غیرمستقیم آنها، در مسلخ حکومت انقلابی ریخته شد؛ انگاری که ریختن خون جهانبانی‌ها، رحیمی‌ها، فرخ‌رو پارساها، عاملی تهرانی‌ها و ده‌ها هزار شهید نامدار و گمنام حق آنها بوده.

هدف‌های بیانیه

همسو با تلاش‌های شکست‌خورده حکومت مذهبی در ۳۹ سال گذشته به منظور تخریب کارنامه پهلوی‌ها از راه تغییر و تحریف کتاب‌های درسی تا تهیه فیلم و نمایش، تعدادی از امضاکنندگان بیانیه، هنوز در فضای جعل واقعیت دوران پهلوی اول و دوم فکر و ذکر می‌کنند حال آنکه



شلیک محسن چریک به محسن روشنفکر

وجهت اصلاح‌طلبانی از قبيله خاتمی و رفسنجانی بوده و یک دهه، تبلیغ «رضایت دادن به بد، برای پرهیز از بدتر».

در جمع امضا داده‌ها، یکی کمیته‌چی قیچی به دست سابق است که در راه اسلامی کردن جامعه با زور موی بلند پسرها را می‌پریده و با توسری به سر دخترها روسری می‌کرده و دیگری حاضرخوری از جمع «دانشجویان مسلمان خارج از کشور» که دوان دوان خود را به پرواز انقلاب رسانده تا بعد از تغییر وضع، بدون نوبت و در سر صف به نان و نوایی برسد.

آنها امروز در داخل و خارج از ترس «آقا» و یا عشق به «امام»